

جهان فرشتگان

نویسنده:

دکتر عمر سلیمان اشقر

صلى الله عليه وسلم

فهرست موضوعات

مقدمه	۱
فصل اول: صفات و توانمندیهای فرشتگان	۳
مبحث اول: خصوصیات فیزیکی و مسایل مربوط به آن	۳
مطلب اول: فرشتگان از چه ماده‌ای و در چه زمانی آفریده شده‌اند؟	۳
مطلب دوم: ویژگیهای مهم فیزیکی فرشتگان	۷
مبحث دوم: خصوصیات اخلاقی فرشتگان	۲۴
فرشتگان بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند	۲۴
۱- حیاء فرشتگان	۲۵
۲- قدرت تغییر شکل	۲۵
۳- سرعت فوق العاده	۲۸
۴- علم فرشتگان	۲۹
۴- مباحثه‌ی ملاء اعلی (ساکنان آسمان)	۳۰
۵- در تمام کارهای خود منظم هستند	۳۱
۶- عصمت فرشتگان	۳۳
فصل دوم: عبادت و بندگی فرشتگان	۳۶
اول: نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان	۳۶
دوم: مقام و جایگاه فرشتگان	۳۷
سوم: نمونه‌هایی از عبادت فرشتگان	۳۹
۱- تسبیح	۳۹
۲- به صف منظم ایستادن	۴۰
۳- حج فرشتگان	۴۱
۴- خوف و هراس فرشتگان از الله تعالی	۴۳
فصل سوم: فرشته و انسان	۴۶

مبحث اول: فرشتگان و آدم	۴۶
۱- سؤال فرشتگان از فلسفه‌ی آفرینش آدم	۴۶
۲- سجده و کرنش فرشتگان برای آدم	۴۷
۳- جواب دادن فرشتگان به آدم <small>علیه السلام</small>	۴۸
۴- فرشتگان آدم را بعد از وفاتش غسل دادند	۴۸
مبحث دوم: فرشتگان و فرزندان آدم	۵۰
نقش فرشتگان در تکوین و پیدایش انسانها	۵۰
پاسداری فرشتگان از بنی آدم	۵۱
فرشتگان سفیران الهی به سوی پیامبران‌اند	۵۳
فرشتگان و مؤمنان	۷۴
نقش فرشتگان در قبال مؤمنان	۷۴
وظیفه‌ی مؤمن در برابر فرشتگان	۹۸
فرشتگان و کفار و فساق	۱۰۳
دسته‌های غیر کافری که مورد لعنت فرشتگان هستند	۱۰۶
دیدن فرشته	۱۰۸
کافران خواستار دیدار با فرشتگان شدند	۱۰۸
چرا پیامبران را در میان فرشتگان انتخاب نکرد	۱۰۹

فصل چهارم: فرشتگان و سایر مخلوقات

سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی	۱۱۲
۱- فرشتگان حامل عرش	۱۱۲
۲- فرشته‌ی موکل به امور کوه‌ها	۱۱۲
۳- فرشتگان موکل به باران، گیاهان و ارزاق	۱۱۴

فصل پنجم: مفاضله و برتری میان فرشته و انسان

اختلاف در این مسئله دیرینه است	۱۱۶
دیدگاه‌های مختلف در خصوص مساله مذکور	۱۱۸

۱۱۸ محل نزاع کجاست
۱۱۹ دلیل کسانی که انسانهای صالح را از فرشته برتر میدانند
۱۱۹ دلیل اول
۱۲۰ دلیل دوم
۱۲۰ دلیل سوم
۱۲۰ دلیل چهارم
۱۲۱ دلیل پنجم
۱۲۱ دلیل ششم
۱۲۱ دلیل هفتم
۱۲۲ دلیل هشتم
۱۲۲ دلایل کسانی که فرشتگان را بر انسان برتری داده‌اند
۱۲۲ دلیل اول
۱۲۳ دلیل دوم
۱۲۳ دلیل سوم
۱۲۳ تحقیق مساله
۱۲۳ فهرست منابع

مقدمه

الحمد لله نحمده و نستعينه و نستغفره و نعوذ بالله من شرور أنفسنا من يهده الله فلا مضل له و من يضلل فلا هادي له و أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمدا عبده و رسوله.

ایمان و اعتقاد به وجود فرشتگان، یکی از اصول اعتقادی اسلام است که ایمان بدون آن کامل نمی‌گردد. و فرشتگان بخشی از جهان غیب‌اند که خداوند متعال ایمان آورندگان بدان را مورد ستایش و تمجید قرار داده است، زیرا ایمان به فرشته در واقع تصدیق خبر خداوند عز وجل و خبر و پیام رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

نصوص قرآن و سنت بطور مفصل این موضوع را شرح داده، و جوانب مختلف آن را بیان کرده‌اند. و هرکس قرآن و سنت را در این زمینه مطالعه کند، ایمان و اعتقاد به فرشتگان برایش واضح خواهد بود، و هیچ پیچیدگی و گنگی را در مورد آن اعتقاد نخواهد یافت، و این مطالعه موجب ایمان عمیق و رسوخ این اعتقاد می‌گردد، زیرا شناخت و معرفت تفصیلی؛ از معرفت اجمالی و فهرستوار محکم‌تر و استوارتر است.

طول و تفصیلی که نصوص قرآن و سنت در رابطه با فرشته داده‌اند برای این است که انسان نمی‌تواند به خودی خود و بدون استمداد از وحی به معرفت و شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد. زیرا حواس انسان ناتوان‌تر از آن هستند که فرشتگان را ببینند و کلامشان را بشنوند، ولی بدون تردید این ناتوانی به مصلحت انسان است، زیرا اگر انسان همه صداهای محیط اطرافش را می‌شنید، و همه موجودات را مشاهده می‌کرد؛ نمی‌توانستند زندگی راحتی داشته باشد؛ و برای مثال کافی است تصور کنیم انسان همه صداهایی را که از رادیو پخش می‌شود گوش می‌کند تا از حوادث و بلایایی خبر دار شود که در انتظار این بیچاره است. پس اگر از اخبار عالم فرشته هم باخبر شود لابد دچار جنون و سرگشتگی می‌شود. کسی گمان نبرد که پرداختن به موضوع این اصل (فرشته) از

علوم غیر اساسی است، زیرا حقایقی که قرآن و سنت در این راستا ارائه می دهند؛ تأثیر بسزایی در نفی خرافات و انحراف از مسیر عقل صحیح در این موضوع دارد، زیرا از قدیم مقوله‌ی خدا بودن یا دختر خدا بودن فرشتگان، منتشر و رایج بوده، و برخی از فلاسفه هم بر این باور بوده‌اند که ملائکه همان افلاک و گردونه است که در فضا دیده می‌شوند.

این حقایق که در قرآن و سنت بیان شده‌اند؛ ایمان و اعتقاد ما را به خدای معبود بر حق راسخ و عمیق می‌گرداند که محافظ و مراقب این جهان هستی است و لشکر خود را از فرشتگان برگزیده تا به امور و شؤون مختلف هستی پردازند.

ارتباط ما با فرشته از لحاظ تکوین و بوجود آمدن، و مراقبت و نگهبانی به اهمیت و ارزش انسان اشاره دارد، و اندیشه‌ی پوچگرایی و بیهودگی و حقارت انسان را نفی می‌کند، و با درک این حقیقت؛ انسان، قدر و ارزش خود را می‌شناسد و تلاش می‌کند نقش بزرگ خود را که موظف به ادای آن است اعمال کند.

اگر پیامدها و آثار ارزشمند ایمان به فرشتگان را بررسی کنیم، و نصوص این موضوع را ذکر نماییم، در این مقدمه نمی‌گنجد و بحث به درازا می‌کشد. بنابراین موضوع را برای خواننده رها می‌کنم تا مدت زمانی را با مطالعه و تلاوت آیات و احادیث این موضوع سپری کنند، و با تأمل در آنها؛ خود آثار ناشی از اعتقاد به این اصل اعتقادی را لمس کنند.

از خداوند متعال خاضعانه تمنا دارم که این کتاب را موجب نفع و بهرمندی قرار دهد، و آن را خالصانه از بنده پذیرا باشد، که تنها او برترین مولی و بهترین یاور است

عمر سلیمان اشقر

کویت: ۲۰/ذی القعدة/۱۳۷۸ هـ/۲۲/۹/۱۹۸۷ م.

فصل اول

صفات و توانمندیهای فرشتگان

در این فصل تلاش ما بر این است خصوصیات و ویژگیهای اخلاقی و سرشتی فرشتگان را در پرتو نصوص صحیح قرآن و سنت بیان نموده، سپس به بحث توانمندی آنها پردازیم.

مبحث اول

خصوصیات فیزیکی و مسایل مربوط به آن

مطلب اول: فرشتگان از چه ماده‌ای و در چه زمانی آفریده شده‌اند؟

فرشتگان از نور آفریده شده‌اند، همانگونه که در صحیح مسلم عایشه رضی الله عنها روایت کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فرشتگان از نور، و جنیان از آتش و آدم از چیزی که برای شما بیان شده است، آفریده شده‌اند.^۱

البته رسول خدا صلی الله علیه و آله نوع نوری را که فرشتگان از آن آفریده شده‌اند، بیان نکرده است. بنابراین ما در این مورد محدودیت داریم، و چون این بحث مربوط به جهان غیب است بیش از این در این باره دلیل نداریم که آن را توضیح دهیم.

ولی آنچه از عکرمه روایت است مبنی بر اینکه: «فرشتگان از نور عزت، و ابلیس از آتش عزت آفریده شده‌اند» و یا آنچه از عبدالله بن عمرو منقول است مبنی بر اینکه: «خداوند فرشتگان را از نور بازو و سینه آفریده است! تمسک بدان صحیح

۱- صحیح مسلم: ۲۲۹۴/۴. برخی مدعیان علم این حدیث و امثال آن را مردود می‌دانند به بهانه‌ی اینکه با حدیث آحاد عقیده ثابت نمی‌شود، ولی به این شبهه در رساله‌ی (اصل الاعتقاد) پاسخ داده‌ام.

نیست. و به فرض صحت این روایات از این راویان عالم و فاضل، باز هم آنها معصوم نیستند، و ممکن است این روایات را از اسرائیلیات گرفته باشند.^۱

اما آنچه شاه ولی الله دهلوی در (حجة الله البالغة) گفته دایر بر اینکه (ملاً اعلی) یعنی ساکنان آسمان و عالم بالا به سه دسته تقسیم می‌شوند:

دسته‌ی اول: آنهایی هستند که خداوند می‌داند هر خیر و نفعی بستگی به وجود آنها دارد، و لذا خداوند بعضی اجسام نوری مانند: آتش موسی علیه السلام را آفریده، و نفوس کریمه‌ای را در آنها دمید.

دسته‌ی دوم: گروهی هستند که بصورت هماهنگ با مزاج بخارهای لطیفه از عناصر به وجود آمده‌اند و دارای نفس پاک و والا هستند، و به شدت آلودگی‌های حیوانی را از خود می‌رانند.

دسته‌ی سوم: آنهایی هستند که نفوس انسانی دارند، و به ملاً اعلی و ساکنان آسمانی بسیار نزدیک هستند، و همواره در حال انجام اعمالی هستند که مفید و موجب رستگاری می‌باشند، به طوری که پیوستن به آنها مفید است و پرده‌های فیزیکی از اجسام این گروه برداشته شده، به‌حدی که اینان در مسیر ملاً اعلی حرکت می‌کنند و از آنها به حساب می‌آیند.^۲

هیچ دلیل درست و سند معتبری بر صحت این تقسیم‌بندی با این تفصیل وجود ندارد.

چه زمانی فرشتگان آفریده شده‌اند

ما نمی‌دانیم فرشتگان چه زمانی آفریده شده‌اند، خداوند در این باره هیچ گونه اطلاعی به ما نداده است. البته می‌دانیم که آنها مقلّم بر آدم « ابو البشر » هستند. زیرا خداوند به ما خبر داده که جانشین کردن آدم بر زمین را به فرشتگان اعلام داشته، و مطلب را به اطلاع آنها رسانده است و می‌فرماید:

۱- به سلسله الاحادیث الصحیحة: ۱۹۷/۱ مراجعه شود.

۲- حجة الله البالغة: ص ۳۳.

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ﴾^۱

زمانی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی بیافرینم. و مراد و منظور از خلیفه؛ آدم عليه السلام است، و خداوند متعال وقتی آدم را آفرید به فرشتگان دستور داد تا او را سجده کنند، آنجا که می فرماید:

﴿فَإِذَا سَوَّيْتُهُمْ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ﴿٣٩﴾﴾^۲

یعنی: پس آن گاه که او را آراسته و پیراسته کردم و از روح متعلق به خود در او دمیدم. (برای بزرگداشت و درودش) در برابرش به سجده افتید.

از قدرت بالا و هیئت مهیب برخوردارند

خداوند در مورد فرشتگان مأمور آتش دوزخ می فرماید:

﴿يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوًا أَنفُسِكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ

شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ﴿٦﴾﴾^۳

یعنی: ای مؤمنان! خود و خانواده‌ی خویش را از آتش دوزخی بر کنار دارید که آفرزینه آن انسانها و سنگها هستند. فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند. ما در این باره تنها به ذکر احادیثی اکتفاء می‌کنیم که در مورد دو فرشته‌ی گرامی بحث می‌کنند.

درشت اندام بودن جبرئیل عليه السلام

امام احمد در مسند خود از عبدالله بن مسعود رضي الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلى الله عليه وآله جبرئیل را به شکل و صورت واقعی خود دید که دارای ششصد بال بود، و هر کدام

۱- بقره: ۳۰

۲- حجر: ۲۹

۳- تحریم: ۶

از بالهایش اُفق آسمان را بسته بود، و از بال او چیزهایی با رنگهای مختلف از یاقوت و مروارید می افتاد. امام احمد فرمود: سند این حدیث جید است.^۱

و در سنن ترمذی با سند صحیح روایت شده که رسول خدا ﷺ در رابطه با جبرئیل فرمود: (رأيته منهبطاً من السماء، ساداً عظم خلقه ما بين السماء و الأرض) یعنی: او را دیدم که از آسمان فرود می آید، در حالی که بزرگی جسم او فاصله‌ی میان زمین و آسمان را پر کرده بود.^۲

همچنین خداوند متعال در توصیف جبرئیل فرمود:

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾﴾^۳

یعنی: این قرآن، کلام (خدا و توسط) فرستاده بزرگواری (جبرئیل نام برای محمد پیغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در ادای مأموریت خود توانا و) نیرومند است، و نزد خداوند صاحب عرش دارای منزلت و مکانت والائی است. و مراد از رسول کریم در آیه‌ی فوق جبرئیل امین است.

عظمت جسمی حاملان عرش خداوند

ابوداود از حضرت جابر رضی الله عنه نقل می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: « به من اجازه داده شده تا درباره‌ی فرشته‌ای از فرشتگان که از حاملان عرش است؛ سخن بگویم. همانا فاصله‌ی ما بین نرمه‌ی گوش تا شانهاش با مسافت هفتصد سال برابر است ».^۴

ابن ابی حاتم حدیث مذکور را نقل کرده و درباره‌ی فاصله‌ی میان نرمه گوش و شانهای حاملان عرش گفته: (تحقق الطیر) یعنی: پرنده‌گان از پرواز در این فاصله درمانده می شوند. (محقق مشکاة المصابیح) سندش را صحیح گفته است.^۵

۱- (البداية و النهاية ۴۷/۱).

۲- صحیح مسلم: ۱۵۹/۱ و شماره حدیث: ۱۷۷.

۳- تکویر: ۱۹-۲۰

۴- سنن ابی داود ۸۹۵/۳، شماره: ۹۳۵۳.

۵- مشکاة المصابیح: ۱۲۱/۳. سلسله احادیث الصحیحة. شماره: ۱۵۱.

طبرانی در معجم وسط با سند صحیح از انس رضی الله عنه نقل کرده که: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به من اجازه داده شده تا در مورد فرشته‌ای از حاملان عرش سخن بگوئیم؛ دو پای او در پایین‌ترین زمین قرار دارند و عرش روی شاخ او قرار دارد، و در میان نرمة گوش و شانه‌اش مسافت هفتصد سال است که پرنده نیز از پیمودن آن درمانده است، این فرشته خدا را تسبیح کرده و می‌گوید: «پروردگارا! تو پاک و منزّه هستی و هر جا که باشی»^۱.

مطلب دوم: ویژگیهای مهم فیزیکی فرشتگان

اول: بال های فرشتگان

بر اساس قرآن؛ فرشتگان دارای بال هستند، بعضی از آنها دو بال و برخی سه یا چهار بال دارند، و برخی بیش از چهار بال هم دارند، خداوند فرمود:

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنَحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ ۚ وَرَبِّعَ

زَيْدٍ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿۱﴾^۲ یعنی: ستایش خداوندی را سزا است که آفریننده آسمانها و زمین است، و فرشتگان را با بالهای دوتا دوتا، و سه تا سه تا، و چهارتا چهارتائی که دارند، مأموران (قدرتمند اجرای فرمان خود در زمینه‌های مختلف تکوینی و تشریحی) کرد. او هر چه بخواهد بر آفرینش (فرشتگان و مردمان و سایر موجودات جهان) می‌افزاید. چرا که خدا بر هر چیزی توانا است. و در احادیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما خبر داده که حضرت جبرئیل ششصد بال دارد؛ در مباحث گذشته کاملاً بیان گردید.

دوم: جمال و زیبایی فرشتگان

خداوند متعال فرشتگان را زیبا آفریده است. چنانکه درباره‌ی جبرئیل فرموده:

۱- صحیح الجامع الصغیر. چاپ سوم: ۲۰۸/۱ به شماره ۸۵۳.

۲- فاطر: ۱

﴿عَلَمُهُ شَدِيدُ الْقُوَى ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ﴿٦﴾﴾^۱

یعنی: (جبرئیل، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگی خود و با بالهایی که کرانه‌های آسمان را پر کرده بود) راست ایستاد.

ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر «ذُو مِرَّةٍ» می نویسد: «یعنی دارای سیما و صورت زیباست». قتاده می گوید: «دارای قامتی بلند و زیباست». و بعضی «ذُو مِرَّةٍ» را به قدرت و توانایی تفسیر کرده‌اند، ولی میان این دو تفسیر منافات و تضادی وجود ندارد. زیرا جبرئیل رضی الله عنه هم توانا است و هم زیبا. و در عرف مردم نیز حُسن و جمال فرشتگان معروف و پذیرفته شده است، همانطور که قُبُح و زشتی و بد شکلی شیاطین معروف است، و انسان زیبا را به فرشتگان تشبیه می‌کنند، و هنگامی که زنان دربار مصر حسن و جمال و زیبایی یوسف رضی الله عنه را مشاهده کردند گفتند:

﴿حَسَّ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ﴿٣١﴾﴾^۲

ماشاءالله! این آدمیزاد نیست، بلکه این فرشته بزرگواری است.

سوم: آیا فرشتگان با انسانها در شکل و صورت مشابهت دارند؟

امام مسلم در صحیح و ترمذی در سنن خود به روایت جابر رضی الله عنه نقل کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در شب معراج تمام پیامبران به من نشان داده شدند، موسی رضی الله عنه میانه اندام، نه بسیار چاق و نه لاغر بود^۳. گویی از مردان قبیله‌ی شنوئه بود، و عیسی بن مریم رضی الله عنه را بیش از همه شبیه عروء بن مسعود دیدم، و ابراهیم را دیدم که بیش از همه به من شباهت داشت، و جبرئیل را دیدم که از همه بیشتر شبیه دحیه کلبی بود. و در بعضی روایات: او را با دحیه بن خلیفه مشابه یافتیم.

۱- نجم: ۵-۶

۲- یوسف: ۳۱

۳- صحیح مسلم: ۱/۱۵۳. شماره: ۱۶۷.

ولی آیا این مشابهت میان جبرئیل و دحیه کلبی به شکل اصلی او بود، یا زمانی که جبرئیل خود را به شکل انسان در می‌آورد؟! راجح قول دوم است، زیرا در روایات بعدی خواهد آمد که جبرئیل اغلب اوقات به صورت دحیه کلبی نزد رسول خدا ﷺ ظاهر می‌شد.

چهارم: تفاوت فرشتگان در جسم و مرتبه

فرشتگان در جسم و مرتبه با هم برابر نیستند. بعضی از آنان دو بال دارند، برخی دیگر سه، بعضی چهار تا و بعضی بیشتر، چنانکه جبرئیل ششصد بال دارد. و نزد پروردگار دارای مقامهای متفاوت و معلومی هستند، همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ﴾^۱ یعنی: هر یک از ما مقام مشخص و جایگاه جداگانه‌ای داریم.

و درباره‌ی جبرئیل فرموده است:

﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ﴿١٩﴾ ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ ﴿٢٠﴾ مُطَاعٌ ثَمَّ أَمِينٍ ﴿٢١﴾﴾^۲

یعنی: این قرآن، کلام (خدا و توسط) فرستاده بزرگواری (جبرئیل نام برای محمد پیغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در ادای مأموریت خود توانا و) نیرومند است، و نزد خداوند صاحب عرش دارای منزلت و مکانت والائی است. او در آنجا (که ملکوت اعلی و عالم فرشتگان است) فرمانروا، و (در کار ابلاغ وحی و پیام الهی) امین و درستکار است. (یعنی جبرئیل ﷺ نزد پروردگار جایگاه و منزلت والایی دارد.

بهترین فرشتگان کسانی هستند که در جنگ بدر حضور داشتند. در صحیح بخاری از رفاعه بن رافع روایت شده که جبرئیل نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: برای کسانی که در غزوه‌ی بدر حاضر و شریک بودند، چه جایگاهی در میان خود قایل هستید؟ رسول خدا ﷺ فرمود: آنان از بهترین‌های ما هستند. جبرئیل گفت:

۱- صافات: ۱۶۴

۲- تکویر: ۱۹-۲۱

همچنین فرشتگانی که در غزوه‌ی بدر حاضر بودند، از بهترین فرشتگان محسوب می‌شوند.^۱

پنجم: فرشته به نر و ماده توصیف نمی‌شوند

از جمله عوامل گمراهی بعضی از انسانها در موقع پرداختن به موضوع عالم غیب این است که در صدد بر می‌آیند عالم غیب را با مقیاس و معیارهای بشر دنیا بسنجند. اینجاست که می‌بینیم بعضی از آنها تعجب می‌کنند که چگونه جبرئیل در ظرف چند ثانیه بعد از مطرح شدن سؤالی که لازم بود از طرف خداوند ﷻ جواب داده شود، بر محمد ﷺ نازل می‌شد؟ و حضور جبرئیل را در مدت کوتاه و با سرعت خارق العاده و باور نکردنی تلقی می‌کنند و می‌گویند: چنین چیزی چگونه ممکن است، حال آنکه نور (با سرعت سیصد هزار کیلو متر در ثانیه) نیاز به میلیونها سال نوری دارد تا به برخی از سیارگان نزدیک ما در آسمان برسد!!

این انسان مسکین نمی‌داند که او مانند پشه‌ای است که می‌خواهد سرعت هواپیما را با معیاری خاص خود بسنجد. اگر این انسان خوب می‌اندیشید، حتماً می‌دانست که جهان فرشتگان معیارهایی کاملاً متفاوت با معیار ما انسانها دارد.

بی تردید مشرکین عرب هم در این عرصه‌ها به بیراهه رفتند، که فرشتگان را از جنس زنان می‌پنداشتند، و این پندارشان که خالی از واقعیت بود با خرافاتی واهیانه‌تر از خود این پندار، در هم آمیخت، بدینگونه که فرشتگان را دختران خدا (معاذالله) می‌پنداشتند!

قرآن در هر دو پندار با آنان به مناقشه و بحث پرداخته، و ثابت کرده که مشرکین برای اثبات موضع خود در قبال فرشتگان، دلیل صحیحی ندارد، و این مدعای آنان از کوچکترین اعتبار و ارزش نیست. بسی تعجب‌آور است که آنها دختران را به خدا نسبت می‌دادند در حالی که خود از داشتن دختر اظهار نفرت و ناخرسندی می‌کردند، و هرگاه بشارت تولد دختری به آنان داده می‌شد، از قوم و

قبیله‌اش به خاطر این مژده‌ی بدی که به او داده می‌شد خویشتن را پنهان می‌کرد، و از فرط پریشانی، رنگ چهره‌شان به تیرگی می‌گرایید، و غمگین می‌شدند، و به جهت احساس سرافکنندگی و خجالتی، خود را از مردم پنهان می‌کردند، زیرا داشتن دختر را برای خود مایه‌ی عار و ننگ می‌دانستند؛ و حتی این حماقت گاهی به مرحله‌ای می‌رسید که نوزاد دختر را زنده به گور می‌کردند، و با این همه، آنان داشتن چنین فرزندی را دختر خدا می‌نامیدند، و پندارشان بر این بود که فرشتگان دختر خدا ﷺ هستند. آری، خرافات بدینگونه گسترش پیدا کرد، و در ذهن و اندیشه‌ی کسانی که از نور الهی بهره‌ای نداشتند، ریشه دوانید.

به آیه‌های زیر توجه کنید که چگونه این خرافات را به تصویر کشید، و با اهل خرافات به مناقشه می‌پردازند و می‌فرماید:

﴿ فَاسْتَفْتِهِمُ الرِّبَّكَ الْبَنَاتُ وَلَهُمُ الْبُتُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ أَفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ اللَّهِ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ ﴿١٥٣﴾ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطٰنٌ مُّبِينٌ ﴿١٥٦﴾ ﴿١﴾

یعنی: از آنان (که ساکن مکه بوده و به دنبال خرافات راه افتاده و معتقدند که فرشتگان دختران خداوند) بپرس که آیا دختران از آن پروردگار تو باشند و پسران از آن خودشان؟ (آیا این عادلانه است؟ یا این که وقتی که) ما فرشتگان را به صورت ماده می‌آفریدیم، ایشان ناظر (بر خلقت فرشتگان) بوده‌اند؟ هان! آنان تنها از روی دروغها و تهمتهای به هم بافته خود می‌گویند: خداوند فرزند زاده است! قطعاً ایشان دروغ‌گویند. آیا خدا دختران را بر پسران ترجیح داده است چه چیزتان شده است، چگونه داوری می‌کنید؟ آیا یادآور نمی‌گردید. یا این که شما دلیل روشن و روشنگری (در این زمینه) دارید؟ .

خداوند این مدعیان را شهادتی قرار داده که آنان را در مورد صحت و سقم آن محاسبه می‌کند، زیرا بزرگترین گناه دروغ پردازی و افترای بدون علم بر خداوند است. و می‌فرماید:

﴿ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ﴾^۱

یعنی: آنان فرشتگان را که بندگان خدای مهربانند، مؤنث بشمار می‌آورند (و دختران خدا قلمداد می‌نمایند!). آیا ایشان به هنگام آفرینش فرشتگان حضور داشته‌اند و خلقتشان را مشاهده نموده‌اند؟! اظهارنظر و گواهی ایشان (بر این عقیده بی‌اساس، در نامه‌های اعمالشان) ثبت و ضبط می‌شود و (در روز قیامت، از سوی خدا) بازخواست می‌گردند.

ششم: فرشتگان نمی‌خورند و نمی‌آشامند

در مباحث گذشته یادآور شدیم که فرشتگان به نر و ماده (مذکر و مؤنث) توصیف نمی‌شوند؛ همچنین آنان به خوردنیها و نوشیدنیهای بشر نیازی ندارند، و خداوند ﷻ به ما خبر داده که فرشتگان به شکل انسان نزد حضرت ابراهیم علیه السلام رفتند. ابراهیم علیه السلام برای آنان غذا آورد، اما آنان دستشان را بسوی غذا دراز نکردند. ابراهیم هراسی از آنان به دل راه داد، آنگاه آنان حقیقت را گفتند، و از فرشته بودن خود پرده برداشتند و بیم و حیرت حضرت ابراهیم برطرف گردید. قرآن این جریان را چنین بازگو نموده و می‌فرماید:

﴿ هَلْ أُنَبِّئُكَ حَدِيثُ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِ ۚ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۗ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٍ مُنْكَرُونَ ۗ فَرَأَى إِلَيْهِمْ أَهْلَهُ فَبَدَأَ بِعَبْلٍ سَمِينٍ ۗ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۗ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۗ قَالُوا لَا تَخَفْ ۗ وَبَشَّرُوهُ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۗ ﴾^۲

یعنی: آیا خیر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم)

۱- زخرف: ۱۹. از این رو واجب است باید از گفتن هر مقوله‌ای بدون علم و آگاهی بر حذر باشد، و به کسانی که ادعا می‌کنند که اصل انسان میمون یا چیز دیگری بوده همین سخن گفته می‌شود: أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ: آیا ایشان به هنگام آفرینش حضور داشته‌اند و خلقتشان را مشاهده نموده‌اند؟.

مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید. به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده خود رفت، و گوساله فربه‌ای را (که بریان کرده بودند، برای ایشان) آورد. و آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند و از آن چیزی نمی‌خورند!) گفت: آیا نمی‌خورید؟! (هنگامی که دید دست به سوی غذا نمی‌برند) در دل از ایشان احساس ترس و وحشت کرد. گفتند: مترس! سپس او را به تولد پسری دانا و آگاه بشارت دادند.

و در آیه‌ای دیگر همین جریان چنین بازگو شده است:

﴿ فَلَمَّا رَأَوْا آيَاتِهِمْ لَا تُصَلُّ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِ لُوطٍ ﴿٧٠﴾ ^۱

یعنی: هنگامی که دید آنان دست به سوی آن دراز نمی‌کنند (و لب به غذا نمی‌زنند، پیش خود فکر کرد که دوست نیستند و سر جنگ دارند، این است که نمی‌خواهند غذا بخورند) لذا از ایشان رمید و بدشان دید و هراسی از آنان به دل راه داد. گفتند: مترس. ما (فرشتگان خدائیم) و به سوی قوم لوط روانه شده‌ایم. علامه سیوطی به نقل از امام رازی می‌فرماید: همه علما اتفاق دارند بر اینکه فرشتگان نمی‌خورند، و نمی‌آشامند و ازدواج نمی‌کنند.^۲

هفتم: فرشتگان ملول نمی‌شوند و احساس خستگی نمی‌کنند

فرشتگان مشغول به عبادت و اطاعت و اجرای اوامر خداوند متعال هستند، بدون اینکه خسته شوند یا ملول گردند و به آن خستگی و درماندگی که به انسانها دست می‌دهد دچار نمی‌شوند؛ خداوند در وصف فرشتگان چنین فرمود:

﴿ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ^۳

۱- هود: ۷۰

۲- الجبائک فی أخبار الملائک: ص ۲۶۴.

۳- انبیاء: ۲۰

یعنی: شب و روز (دائماً به تعظیم و تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و تقدیسند و سستی به خود راه نمی‌دهند.

و «لَا يَفْتُرُونَ» یعنی سست و تضعیف نمی‌شوند. و در آیه‌ی دیگر آمده است:

﴿فَإِنْ أَسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾^۱

یعنی: اگر (مشرکان) خود را بزرگتر از آن دیدند (که به عبادت و پرستش پروردگار پردازند، باک مدار. چرا که) آنان که در پیشگاه پروردگارت منزلت و مکانت دارند (که فرشتگان مقربند) شب و روز به تسبیح و تقدیس او سرگرمند و به هیچ وجه ایشان (از این کار) خسته و درمانده نمی‌گردند.

عرب می‌گوید: «سَمَّ الشَّيْءِ» یعنی آن را ملول کرد.

سیوطی از جمله‌ی «لَا يَفْتُرُونَ» به نقل از امام رازی بر این نکته استدلال می‌کند که فرشتگان خواب ندارند.

هشتم: منزل و محل سکونت فرشتگان

منزل و محل سکونت فرشتگان در آسمانها است، همانگونه که خداوند می‌فرماید:

﴿تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ﴾^۲

یعنی: آسمانها (با همه عظمتی که دارند) نزدیک است (در برابر جلالت و عظمت او کرنش کنان) از بالا درهم بشکافند. و فرشتگان (با همه قدرتی که دارند دائماً) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغولند.

خداوند فرشتگان را نزد خود قرار داده است، همانگونه که می‌فرماید:

﴿فَإِنْ أَسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ﴾^۳

یعنی: اگر (مشرکان) خود را بزرگتر از آن دیدند (که به عبادت و پرستش پروردگار پردازند، باک مدار. چرا که) آنان که در پیشگاه پروردگارت منزلت و

۱-فصلت: ۳۸

۲- شوری: ۵

۳- فصلت: ۳۸

مکانت دارند (که فرشتگان مقربند) شب و روز به تسبیح و تقدیس او سرگرمند و به هیچ وجه ایشان (از این کار) خسته و درمانده نمی‌گردند. فرشتگان به فرمان خداوند و برای انجام کارها و وظایف مهمی که مربوط به آنان است بر زمین فرود می‌آیند:

﴿ وَمَا نُنزِّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ﴾^۱ یعنی: ما (فرشتگان، بندگان جان و دل بر کف یزدان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آئیم. و در مناسبات ویژه ای مانند شب قدر فرشتگان به کثرت فرود می‌آیند:

﴿ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴾^۲ نَزَّلَ الْمَلَكُ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ ﴿۴﴾^۳

یعنی: شب قدر شبی است که از هزار ماه بهتر است. فرشتگان و جبرئیل در آن شب با اجازه پروردگارشان، پیایی (به کره زمین و به سوی پرستشگران و عبادت کنندگان شب زنده‌دار) می‌آیند برای هرگونه کاری (که بدان یزدان سبحان دستور داده باشد)

نهم: تعداد فرشتگان

تعداد فرشتگان بسیار زیاد است و آمار دقیق آنان را جز خداوند آفریدگار آنها، کسی نمی‌داند، همانگونه که می‌فرماید:

﴿ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ ﴾^۳ یعنی: لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی‌داند.

اگر می‌خواهی تعداد فرشتگان چقدر بالاست به سخن حضرت جبرئیل درباره‌ی بیت المعمور گوش کن که وقتی رسول خدا ﷺ از وی در این باره سوال

۱- مریم: ۶۴

۲- قدر: ۳-۴

۳- مدثر: ۳۱

کرد، جبرئیل گفت: « روزانه هفتاد هزار فرشته وارد آن می‌شوند و برای بار دوم هرگز بسوی آن بر نمی‌گردند.»^۱

در صحیح مسلم از عبدالله روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود:
 «يُؤْتَى بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لَهَا سَبْعُونَ أَلْفَ زَمَامٍ، وَ مَعَ كُلِّ زَمَامٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ»
 یعنی: روز قیامت جهنم آورده می‌شود که هفتاد هزار زمام (مهار) دارد، و هر
 زمام را هفتاد هزار فرشته گرفته و می‌کشند.^۲
 بنابر این (۴۹) میلیون فرشته دوزخ را کشیده و به جای از پیش تعیین شده می
 آورند.

اگر نصوص وارده درباره‌ی فرشتگان مراقب اعمال انسانها را با دقت مورد
 مطالعه قرار دهید، گستردگی شمار و تعداد آنها را درک خواهید کرد، فرشته‌ای بر
 جنین هر انسان، و دو فرشته برای ثبت اعمال هر انسانی گمارده شده‌اند، فرشتگانی
 نیز به منظور حراست و پاسداری او، و یک فرشته برای هدایت و ارشاد او با او
 همراه می‌باشند.

دهم: نامهای فرشتگان

هرکدام از فرشتگان نام مخصوصی دارند و ما جز نام تعداد اندکی از آنها را نمی
 دانیم. نام بعضی از فرشتگان در آیات ذیل آمده است:

۱-۲- جبرئیل و میکائیل

خداوند می‌فرماید: ﴿قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ، عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا
 لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ
 وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾﴾^۳

۱- بخاری: ۱۰۳/۶ شماره: ۲۲۰۷. مسلم: ۱۴۶/۱ شماره: ۱۶۲.

۲- مسلم: ۸۴/۴ شماره: ۲۸۴۲.

۳- بقره: ۹۷-۹۸

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

و جبرئیل همان روح الامین است که در آیه‌ای دیگر بدین نام از وی یاد شده است که فرمود:

﴿ نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ ﴿١٦٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١٦٤﴾ ۱﴾

یعنی: جبرئیل آن را فرو آورده است. بر قلب تو، تا از زمره بیم دهندگان باشی. و نیز منظور از روح همان جبرئیل است، و جبرئیل همان روح است که خداوند او را بسوی مریم فرستاده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿ فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ۲﴾

یعنی: ما جبرئیل (فرشته) خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان کامل خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد.

۳- اسرافیل

یکی دیگر از فرشتگان اسرافیل است که ماموریت دمیدن در صور را بر عهده دارد. جبرئیل، میکائیل و اسرافیل همان فرشتگانی هستند که رسول خدا ﷺ در دعای خود موقع شروع نماز شب یادی از آنها به میان آورده و فرمود:

«اللهم ربّ جبرئیل، و میکائیل و اسرافیل! أنت تحکم بین عبادک فیما کانوا فیه یختلفون، اهدنی لما اختلف فیه من الحقّ یا ذنک إنک تهدی من تشاء إلی صراط مستقیم».

۱- شعراء: ۱۹۳-۱۹۴

۲- مریم: ۱۷

یعنی: پروردگارا! ای خدای جبرئیل، میکائیل و اسرافیل. ای آفریدگار آسمانها و زمین، ای آگاه بر پیدا و پنهان! تو میان بندگان در مسایل مورد اختلافشان قضاوت می کنی. به اجازه و فرمان خود در مسایل مورد اختلاف مرا به حق هدایت بفرما! بی تردید تو هرکس را که بخواهی بسوی راه راست راهنمایی می کنی.

۴- مالک

یکی از فرشتگان، مالک نام دارد که نگهبان دوزخ است، همانگونه که خداوند متعال در این باره می فرماید:

﴿وَنَادُوا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَرْكُوتٌ﴾^۱

یعنی: آنان فریاد می زنند: ای مالک! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شویم. او بدیشان) می گوید: شما (اینجا) می مانید (و مرگ و میر و نیستی و نابودی در کار نیست).

۵- رضوان

علامه‌ی مفسر معروف ابن کثیر می گوید: مدیر و مسئول بهشت فرشته‌ای به نام رضوان است، و در بعضی احادیث نام رضوان بطور صریح آمده است.^۲

۶- منکر و نکیر

منکر و نکیر هم از جمله فرشته‌هایی هستند که رسول خدا ﷺ از آنها یاد کرده است و در روایات مربوط به سوال و جواب در قبر؛ نامشان مشهور است.

۱- زخرف: ۷۷

۲ البدایه والنهایه: ۵۳/۱.

۹-۱- هاروت و ماروت

از جمله فرشتگان دو فرشته‌ای هستند که هاروت و ماروت نام دارند، و خداوند با همین نام آنان را در قرآن یاد کرده، آنجا که فرمود:

﴿وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَنُ وَلَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَرُوتَ وَمَرُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ﴾^۱

یعنی: سلیمان هرگز (دست به سحر نیالوده و) کفر نورزیده است، و بلکه (این) شیاطین صفتان گناه‌پیشه، کفر ورزیده‌اند. (زیرا چنین سخنانی را به هم بافته و به پیغمبر خدا سلیمان افتراء بسته و به جای دستورات آسمانی، به مردم) جادو و (خرافات و از آثار بجا مانده) آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود می‌آموزند. (دو فرشته‌ای که طریق سحرکردن را برای آشنائی به طرز ابطال آن به مردم یاد می‌دادند) و به هیچ کس چیزی نمی‌آموختند، مگر این که پیشاپیش بدو می‌گفتند: ما وسیله آزمایش هستیم کافر نشو.

از سیاق آیه چنین برمی‌آید که خداوند در فاصله زمانی دو پیامبر؛ هاروت و ماروت را جهت امتحان مردم فرستاده بود. پیرامون این دو فرشته در کُتُب تفسیر و تاریخ افسانه پردازیهای زیادی شده که هیچکدام از آنها در قرآن و حدیث به اثبات نرسیده است. بنابراین باید درباره‌ی این دو فرشته به همان اندازه از معلومات بسنده کرد که از آیه‌ی کریمه ثابت می‌شود.

۱۰- عزرائیل

در برخی از آثار؛ نام فرشته‌ی مأمور قبض ارواح انسانها به عزرائیل آمده است، البته این نام در قرآن و احادیث صحیح ذکر نشده است.^۲

۱- بقره: ۱۰۲

۲- البداية و النهاية: ۱/۵۰.

۱۱-۱۲- رقیب و عتید

برخی از علما معتقدند که نام بعضی فرشتگان رقیب و عتید است، با استدلال به این آیه که می‌فرماید:

﴿إِذْ يُلْقَى الْمَلَأَيْنِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿١٧﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿١٨﴾﴾^۱

یعنی: بدانگاه که دو فرشته‌ای که در سمت راست و در طرف چپ انسان نشستند و اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر این که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است. ولی نظر این علما مبنای درستی ندارد، زیرا رقیب و عتید صفت دو فرشته‌ای هستند که اعمال انسانها را ثبت می‌کنند، و به معنای دو فرشته هستند که همواره با انسان همراهند، و با حضور مستمر خود، ناظر اعمال آنان هستند، و لحظه‌ای از پیش بنده غایب نمی‌شوند. پس منظور این نیست که اسم دو فرشته رقیب و عتید است.

یازدهم: آیا فرشتگان مرگ و میر دارند؟

فرشتگان هم مانند انسان و جن می‌میرند، و این مطلب صراحتاً در قرآن مجید آمده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ ﴿٦٨﴾﴾^۲

یعنی: در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می‌میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد). سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود، به ناگاه همگی (جان می‌گیرند و) بپا می‌خیزند و می‌نگرند.

۱- سوره ق: ۱۷-۱۸

۲- زمر: ۶۸

آیه‌ی فوق شامل فرشتگان نیز هست. چون فرشتگان در آسمان‌ها هستند. ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌فرماید: این نفخه‌ی دوّم همان نفخه‌ی صعق است، و آن نفخه‌ای است که با دمیدن آن، همه موجودات زنده‌ی زمین و آسمانها می‌میرند، مگر آنهایی که خواست خداوند بر این باشد که نمیرند.

این مطلب در حدیث مشهور «صور» به صراحت آمده است. سپس روح کلیه‌ی باقیمانندگان قبض می‌شود. تا جایی که آخرین موجود زنده‌ای که می‌میرد «ملک الموت» است، سپس خداوند عَلَّامٌ حَيٌّ وَ قَيُّومٌ، تک و تنها در هستی زنده باقی می‌ماند، ذاتی که از ازل هم زنده بوده و تا ابد باقی است. و آنگاه خداوند حَيٌّ وَ قَيُّومٌ سه بار می‌فرماید: ﴿لَمِنَ الْمَلِكِ الْيَوْمَ﴾ یعنی: ملک و حکومت، امروز از آن کیست؟ خودش جواب می‌دهد: ﴿لِلَّهِ الْوَجْدِ الْقَهَّارِ﴾ یعنی: فرمانروایی از آن خدای یکتا و قهّار است.

و از جمله دلایلی که بر مرگ فرشتگان دلالت دارد این آیه است: ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾^۱. یعنی: همه چیز جز ذات او فانی و نابود می‌شود. آیا پیش از دمیدن صور کسی از فرشتگان می‌میرد؟ این مطلب را ما نمی‌دانیم و بحث پیرامون آن از دایره‌ی توان ما خارج است، زیرا هیچ نصّی در این مساله وارد نشده که آن را اثبات یا نفی کند.

مبحث دوم خصوصیات اخلاقی فرشتگان

فرشتگان. بزرگوار و نیکمنش و نیکو کردارند

خداوند فرشتگان را نیکمنش و گرامی توصیف نموده است، آنجا که می‌فرماید:

﴿يَأْتِي سَفَرَةَ كَرَامٍ بَرِّرٍ﴾^۱ یعنی: (قرآن) با دست نویسندگانی (نگارش یافته‌اند) که بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند.

و منظور از «سَفَرَةَ» فرشته است، زیرا آنان پیام‌آوران خداوند بسوی انبیاء و رسولان الهی هستند. امام بخاری فرمود: «سفره» یعنی: فرشتگان که مفردش «سافر» است، و سَفَرْتُ یعنی: رابطه فیما بینشان را اصلاح کردم، و فرشتگان وقتی وحی الهی را کاملاً به پیامبران می‌رسانند، همانند سفیرانی هستند که میان مردم صلح و آشتی برقرار می‌کنند. و خداوند آنها را به ارجمند و نیکوکار توصیف کرده و فرموده: ﴿كَرَامٍ بَرِّرٍ﴾ یعنی: بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند، و نیز رفتار و اعمال آنان شایسته، پاکیزه و کامل است، از این رو باید عالم دین، و حامل قرآن نیک کردار و پسندیده گفتار باشد.

امام بخاری^۲ از حضرت ام‌المؤمنین عائشه^{رضی الله عنها} روایت می‌کند که رسول خدا^{صلی الله علیه و آله و سلم} فرمود:

«الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرِّرَةِ، وَ الَّذِي يَقْرَأُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌ لَهُ أَجْرَانِ»^۲

یعنی: کسی که قرآن را تلاوت می‌کند، و در تلاوت مهارت دارد همراه فرشتگان بزرگوار و نیکمنش است، و شخصی که قرآن را تلاوت می‌کند ولی چون در آن ماهر نیست متحمل زحمت و مشقت می‌گردد دو اجر دارد.

۱- عبس: ۱۵-۱۶

۲- بخاری: ۶۹۱/۸

۱- هیاء فرشتگان

از جمله خصوصیات اخلاقی فرشتگان که رسول خدا ﷺ بیان فرموده، شرم و حیاست. امام مسلم در صحیح خود از عایشه رضی الله عنها روایت کرده که رسول خدا ﷺ در اتاق عایشه رضی الله عنها دراز کشیده بود و ساق پایش برهنه بود، در آن موقع ابوبکر رضی الله عنه آمد و اجازه‌ی ورود خواست. به او اجازه داد و با وی سخن گفت. بعد عمر رضی الله عنه آمد و اجازه‌ی ورود خواست. به او نیز اجازه داد و با وی سخن گفت. بعد عثمان رضی الله عنه اجازه‌ی ورود خواست. رسول خدا ﷺ برخاست و نشست و لباسهایش را مرتب کرد، سپس عثمان رضی الله عنه وارد خانه شد و با ایشان سخن گفت، بعد بیرون رفت. وقتی عثمان از خانه بیرون رفت، عایشه رضی الله عنها عرض کرد: ابوبکر وارد خانه شد شما توجه خاصی به او نکردی، عمر نیز داخل شد و به همانصورت با او برخورد کردی، ولی وقتی عثمان داخل شد نشستی و لباسهایش را مرتب کردی؟ رسول خدا ﷺ فرمود: «ألا أستحي من رجل تستحي منه الملائكة» یعنی: آیا من حیاء نکنم از کسی که فرشتگان از وی حیاء می کنند؟^۱

۲- قدرت تغییر شکل

خداوند جل جلاله این استعداد و توانایی را به فرشتگان داده است که به غیر شکل خود در آیند، بطوری که می توانند خود را به شکلهای گوناگون در آورند. خداوند جل جلاله جبرئیل را به صورت انسان نزد مریم دختر عمران فرستاد، آنجا که می فرماید:

﴿وَأذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَدَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ﴿١٦﴾ فَأَتَتْهُمْ
جَحَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿١٧﴾ قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ
تَقِيًّا ﴿١٨﴾ قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا ﴿١٩﴾﴾^۲

یعنی: (ای پیغمبر!) در کتاب (آسمانی قرآن، اندکی) از مریم سخن بگو: آن هنگام که در ناحیه شرقی (بیت المقدس برای فراغت عبادت) از خانواده‌اش کناره

۱- مسلم: ۱۸۶۶/۴ شماره: ۲۴۰۱.

۲- مریم: ۱۶-۱۹

گرفت. و پرده‌ای میان خود و ایشان افکند (تا خلوت‌کنده‌اش از هر نظر برای عبادت آماده باشد، در این هنگام) ما جبرئیل (فرشته) خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان کامل خوش قیافه‌ای بر مریم ظاهر شد. (مریم لرزان و هراسان) گفت: من از (سوء قصد) تو، به خدای مهربان پناه می‌برم. اگر پرهیزگار هستی (بترس که من به خدا پناه برده و او کس بی‌کسان است). (جبرئیل) گفت: (مترس که من یکی از فرشتگان یزدانم و) پروردگارت مرا فرستاده است تا (سبب شوم و) به تو پسر پاکیزه‌ای (از نظر خلق و خوی و جسم و جان) ببخشم. علاوه بر این، فرشتگان بصورت انسان نزد حضرت ابراهیم علیه السلام آمدند، و متوجه نشد که آنها فرشته هستند تا اینکه خودشان از حقیقت پرده برداشتند. و آیه‌های مربوط به این مطلب در مباحث گذشته بیان گردید.

همچنین فرشتگان بصورت جوانان زیبارو نزد حضرت لوط علیه السلام آمدند و لوط علیه السلام از ورود آنان ناراحت شد و از ناحیه‌ی قوم خود برای آنان احساس خطر کرد، زیرا قوم او مردمانی بدکردار بودند و همیشه دنبال بزهکاری و فساد اخلاقی بودند، و گزینه جنسی خود را بجای زنان از مردان ارضاء می‌کردند، همانگونه که قرآن می‌فرماید:

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾﴾

یعنی: هنگامی که فرستادگان ما (به صورت جوانانی) به پیش لوط درآمدند، لوط بسیار از آمدن آنان ناراحت گردید و دانست که قدرت دفاع از ایشان (در برابر قوم تباهاکار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسیار سخت و دردناکی است. ابن کثیر می‌گوید: «فرشته‌ها جهت آزمودن و امتحان به صورت جوانانی زیبا خود را به آنها نشان دادند تا علیه قوم لوط اتمام حجت شود، بعد ایشان را گرفتار کرد و کیفر داد بسان گرفتار ساختن و کیفر دادن خدائی چیره و پیروز و قدرتمند و زبردست.^۲»

۱- هود: ۷۷

۲- البداية و النهاية: ۴۳/۱

جبرئیل با شکوه و خصوصیات متفاوتی نزد رسول خدا ﷺ می آمد. گاهی در صورت دحیه بن خلیفه کلبی می آمد (دحیه از صحابه و مردی بسیار زیبا بود) و گاهی هم بصورت یک مرد بادیه نشین خود را نشان می داد، بسیاری از صحابه او را می دیدند.

در صحیح بخاری و مسلم از عمر رضی الله عنه روایت است که می فرماید: روزی در محضر رسول خدا ﷺ بودیم، مردی با لباس بسیار سفید و موهای خیلی سیاه که آثار سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ کس از حاضرین او را نمی شناخت، آمد و نزدیک رسول خدا ﷺ نشست و دو زانوی خود را با زانوهای ایشان وصل کرد و دو دست را روی رانهایش گذاشت و گفت: « ای محمد در باره ی اسلام برایم بگو..... و نیز از ایمان و احسان و قیامت و نشانه های آن سؤال کرد»^۱.

بعد از رفتن این مرد رسول خدا ﷺ فرمود: او جبرئیل بود، آمده بود تا صحابه را از مسائل دین آگاه سازد.

همچنین عایشه رضی الله عنها رسول خدا ﷺ را دید که دستش روی اسب دحیه ی کلبی گذاشته بود و با او سخن می گفت: وقتی عایشه رضی الله عنها در این باره از ایشان سؤال کرد، فرمود: او جبرئیل بود و به شما سلام می گفت.^۲

رسول خدا ﷺ درباره ی شخصی که مرتکب نود و نه قتل شده بود فرمود: « وقتی این شخص توبه کنان هجرت کرد، در وسط راه مسیر هجرت مرگ به سراغش آمد، فرشته ی عذاب و فرشته ی رحمت در مورد او اختلاف کردند، و برای رفع و حل اختلاف فرشته های او را داور نمودند که به صورت انسان نزد آنان آمده بود. رسول خدا ﷺ می فرماید:

«فجاءهم ملكٌ في صورة آدمي فجعلوه بينهم، فقال قيسوا ما بين الأرضين فإلى أيتهما كان أدنى فهو له»

یعنی فرشته ای بصورت انسان نزد آن دو آمد و گفت: مسافت میان مقصد و مبدأ راهش را اندازه بگیرید، به هر کدام از این دو (مبدأ و مقصد) نزدیک تر بود،

۱- مسلم: ۳۷/۱ شماره: ۸.

۲- احمد در مسند ابن سعد در طبقات.

به اهل بودن آن طرف حکم می شود. (لابد آن دو فرشته بنابر فرمان خداوند او را حکم قرار داده‌اند).

بنابر این خداوند آن دو فرشته را بصورت انسان برای داوری نزد آنها فرستاده بود. این داستان در صحیح مسلم در باب توبه آمده است.

و در قصه‌ی سه نفر بنی اسرائیلی که یکی دارای بیماری جذام و دیگری کچل و سوّمی نابینا بود، آمده است که فرشته برای امتحان آنها بصورت انسان نزد آنان رفت، که قصه‌ی آن بعداً خواهد آمد.

بسیاری از علما پیرامون نحوه‌ی تغییر شکل فرشتگان آرائی مبتنی بر عقل محض را مطرح کرده‌اند، و سخنان بسیار نامطلوبی گفته‌اند، ولی طرح این نظریات در این مباحث غیبی کمترین سودی عاید آنان نکرده است. خداوند پیرامون قدرت تغییر شکل آنان و چگونگی آن به ما خبر داده، و روش رسول خدا ﷺ و اصحاب بزرگوار باید برای این دسته از علما الگو می بود که از مطرح کردن چنین مسائلی توقف کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر به کتاب سیوطی بنام « الحبائک فی أخبار الملائک » مراجعه شود.^۱

۲- سرعت فوّن العاده

بالاترین سرعتی که بشر بدان آشناست، سرعت نور است. سرعت نور (۳۰۰ هزار کیلو متر در ثانیه است. ولی سرعت فرشتگان بیش از این است که با معیار و مقیاس‌های بشری قابل درک نیست، گاهی سؤال کننده‌ای نزد رسول خدا ﷺ می‌آمد، ولی هنوز از مطرح کردن سؤال خود فارغ نشده بود که جبرئیل پاسخ را از جانب خدای عزوجل می‌آورد.

امروزه اگر بتوانند فضاپیمایی بسازند که سرعتش برابر با سرعت نور باشد، میلیاردها سال نوری طول می‌کشد تا به یکی از ستارگان موجود در آفاق دوردست این جهان پهناور و گسترده برسد.

۱- الحبائک فی أخبار الملائک: ص: ۲۶۱.

۴- علم فرشتگان

فرشتگان از علم و آگاهی فراوان بر خوردارند که خداوند به آنان آموخته است، اما مانند بشر قدرت و توان شناخت اشیاء را ندارند، همانگونه که خداوند متعال می فرماید:

﴿ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۳۱﴾ قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿۳۲﴾ ﴾^۱

یعنی: سپس به آدم نامهای (اشیاء و خواص و اسرار چیزهایی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی آمادگی فراگیری آنها را داشت، به دل او الهام کرد و بدو) همه را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید (و خود را برای امر جانشینی از انسان بایسته تر می بینید) اسامی (و خواص و اسرار) اینها را برشمارید. فرشتگان گفتند: منزهی تو، ما چیزی جز آنچه به ما آموخته ای نمی دانیم (و توانائی جانشینی را در زمین و استعداد اشتغال به امور مادی را نداریم و معترفیم که آدم موجودی شایسته تر از ما است و) تو دانا و حکیمی.

انسان با استفاده از قدرت یادگیری در مورد شناخت اشیاء، و کشف قوانین حاکم بر جهان هستی ممتاز است، ولی فرشتگان بصورت اخذ و تلقی مستقیم از خداوند این چیزها را می دانند. البته آنچه را که خداوند به فرشتگان آموخته، بیش از معلومات انسانهاست، و از جمله علومی که به فرشتگان داده شده، علم نوشتن و کتابت است، همانگونه که می فرماید:

﴿ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كَتِيبِينَ ﴿۱۱﴾ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾ ﴾^۲

(بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند. بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند. می دانند هرکاری را که می کنید.)
(توضیح بیشتر در این باره در بحث فرشته و انسان خواهد آمد).

۱- بقره: ۳۱-۳۲

۲- انفطار: ۱۰-۱۲

۵- مباحثه‌ی ملا اعلیٰ (ساکنان آسمان)

فرشتگان درباره‌ی آنچه از وحی پروردگار برای آنان پنهان باشد به بحث و مناظره می‌پردازند، در سنن ترمذی و مسند امام احمد از ابن عباس روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود: «در شب گذشته خداوند را در زیباترین صورت در خواب دیدم، از من پرسید: ای محمد می‌دانی که ساکنان آسمان (فرشتگان) در مورد چه چیزی خصومت می‌کنند؟ عرض کردم خیر، سپس خداوند متعال دست خود را میان دو شانهم گذاشت تا اثر سردی و برودت را در سینه‌ام حس کردم، سپس علم تمام آنچه را که در آسمانها و زمین است آموختم. بعد فرمود: ای محمد می‌دانی که فرشتگان در چه چیزهایی خصومت می‌کنند؟ عرض کردم، آری، درباره‌ی مرتبه و درجه‌ها و در مورد کفارات.^۱

کفارتها توقف در مساجد بعد از نماز، و پیاده روی برای شرکت در نماز جماعت و کامل کردن وضو در شرایط نامساعد است. (کفارات یعنی عوامل و اسباب از بین رفتن گناهان). و افشای سلام و طعام دادن و نماز موقع شب و لحظاتی که مردم مشغول خواب هستند موجب رفع درجات است.

خداوند فرمود: راست گفתי، هرکس چنین کند، زندگی خوب و فرجام خیر و خوبی خواهد داشت، و مانند روز تولدش از گناهان پاک می‌شود.

خداوند فرمود: ای محمد! هرگاه نماز به‌جا آوردی این دعا را بخوان:

«اللهم اِنِّي اَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ تَرْكَ الْمُنْكَرَاتِ وَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ، وَ اَنْ تَغْفِرَ

لِي وَ تَرْحَمَنِي وَ تَتُوبَ عَلَيَّ، وَ اِذَا اُرْدتْ بَعَادَكَ فَتَنْتَهَ فَاَقْبِضْنِي اِلَيْكَ غَيْرَ مَفْتُونٍ.»

یعنی پروردگارا! انجام کارهای خیر؛ و ترک کارهای بد را از تو مسئلت می‌نمایم، همچنین دوستی با مساکین و اینکه مرا مورد مغفرت و رحمت قرار بدهی و توبه مرا بپذیری، را نیز از تو تقاضا دارم، پروردگارا هرگاه اراده کنی بندگان را مورد امتحان و آزمایش قرار دهی، مرا بدون امتحان و آزمایش بسوی خود قبض کن.

۱- آنچه که گناهان را از بین می‌برد.

ابن کثیر در مورد این حدیث می‌گوید: « این حدیث مشهور مربوط به خواب رسول خدا ﷺ است، و هرکس آن را مربوط به حالت بیداری بداند اشتباه کرده. این حدیث در کتب سنن از طرق متعدد وارد شده است، و امام ترمذی آن را از طریق جهضم بن عبدالله یمامی روایت کرده است. و حسن آن را صحیح دانسته و فرموده: منظور از این اختصام، اختصام مذکور در این آیه نیست که می‌فرماید:

﴿ مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ﴿٦٩﴾ إِنَّ يُوحَىٰ إِلَىٰ آلَاءِ أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ ﴾^۱

یعنی: (بگو): من از ملائکه اعلیٰ (و فرشتگان عالم بالا) هنگامی که (درباره آفرینش آدم) گفتگو می‌کردند، خبر ندارم. به من هم وحی نمی‌شود مگر بدان خاطر که (پیغمبر خدایم و) بیم دهنده (مردمان از عذاب یزدان و) بیانگر (اوامر و نواهی الهی) می‌باشم.

بحث گفتگو و اختصام مذکور در این حدیث را رسول خدا ﷺ تفسیر کرده است. و اختصام مذکور در قرآن بوسیله آیه‌های بعدی تفسیر شده که در خصوص آدم ﷺ و امتناع و خودداری ابلیس از سجده کردن برای او؛ و مجادله‌ی ابلیس با پروردگار ادعای برتری او بر آدم است.

۶- در تمام کارهای خود منظم هستند

فرشتگان در عبادت بسیار منظم هستند، چون رسول خدا ﷺ ما را به پیروی از آنان تشویق کرده و می‌فرماید:

«أَلَا تَصِفُونَ كَمَا تَصِفُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا» قالوا: و كيف يصفون عند ربهم؟

قال: «يكملون الصف الأول فالأول يتراصون في الصف»^۲

یعنی: آیا مانند فرشتگان که نزد پروردگارشان به صف می‌ایستند صف نمی‌بندید؟ سؤال شد ای پیامبر خدا ﷺ فرشتگان چگونه صف می‌بندند؟ فرمود:

۱- ص: ۶۹-۷۰

۲- مسلم: ۳۲۲/۲ شماره: ۴۳۰.

صف‌ها را کامل می‌کنند و تا صف اول کامل نشده صف دوم را تشکیل نمی‌دهند، و استوار و با وقار می‌ایستند. (این حدیث را جماعت جز بخاری روایت کرده‌اند).
 « خداوند متعال این فضیلت و امتیاز را به ما امت اسلام بر سایر امتها بخشیده که صف‌های ما مانند صفوف فرشتگان است» (این حدیث در صحیح مسلم است).
 همچنین در روز قیامت فرشته‌ها با صف‌های منظم می‌آیند، همانگونه که می-

فرماید: ﴿وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا﴾^۱

یعنی: و پروردگارت بیاید و فرشتگان صف صف حاضر آیند.

همچنین در قیامت در صفوف منظم در پیشگاه خداوند متعال می‌ایستند:

﴿يَوْمَ يَفُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أُذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا﴾^۲

یعنی: در آن روزی که جبرئیل و فرشتگان به صف می‌ایستند، و هیچ کدام زبان به سخن نمی‌گشایند، مگر کسی که خداوند مهربان بدو اجازه دهد و او نیز سخن راست و درست بگوید.

دقت فرشته‌ها در اجرای دقیق فرامین خداوند متعال بسی جای تأمل و ملاحظه می‌باشد. در صحیح مسلم و مسند احمد از انس رضی الله عنه منقول است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « در روز قیامت من به درب بهشت می‌آیم و در را می‌زنم. خازن (مأمور بهشت) می‌گوید: تو چه کسی هستی؟ در جواب می‌گویم: من محمد هستم، خازن می‌گوید: آری، به من دستور داده شده تا پیش از ورود تو درب بهشت را برای هیچ کسی باز نکنم»^۳.

ما می‌توانیم دقت عمل و وظیفه شناسی آنان را در پرتو حدیث معراج تخمین بزنیم آنگاه که جبرئیل برای ورود به هر کدام از آسمان‌ها می‌رسید کسب اجازه می‌کرد، و درب هیچ آسمانی بدون کسب اجازه و استیضاح باز نمی‌شد.

۱- فجر: ۲۲

۲- نبا: ۳۸

۳- مسلم: ۱۸۸/۱ شماره: ۱۹۷.

۷- عصمت فرشتگان

علامه سیوطی به نقل از قاضی عیاض می‌فرماید: مسلمانان اتفاق نظر دارند بر اینکه فرشتگان مؤمن و فاضل‌اند، و نیز اتفاق نظر دارند بر اینکه فرشتگان پیام‌آور در عصمت با انبیاء برابرند، یعنی همانگونه که انبیاء معصوم‌اند، آنان نیز در امور متعلق به رسالت و تبلیغ احکام معصوم‌اند. و فرشتگان در حق پیامبران و ابلاغ فرامین خدا به آنان عیناً مانند پیامبران در حق امت‌ها هستند.

البته درباره‌ی عصمت فرشتگانی که مرسل نیستند، اختلاف نظر وجود دارد. گروهی تمام آنان را معصوم می‌دانند و از این آیه استدلال می‌کنند که می‌فرماید:

﴿... عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۱

یعنی: فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

و گروهی بر این باورند که عصمت در تمام امور، ویژه‌ی فرشتگان مرسل و مقربین است، و به قصه‌ی هاروت و ماروت و ابلیس استدلال می‌کنند. اما حق این است که همه‌ی فرشتگان معصوم‌اند و از کلیه‌ی اعمال و رفتاری که موجب پایین آوردن درجه‌ی آنان از جایگاه و منزلت رفیع شود منزه و پاک هستند.

گروه اول که تمامی فرشتگان را معصوم می‌دانند، داستان هاروت و ماروت را چنین پاسخ می‌دهند که در رابطه با این داستان هیچ چیزی از رسول خدا ﷺ نقل نشده است، و جریان نافرمانی شیطان هم نمی‌تواند دلیل باشد، چون شیطان از جن است و از زمره‌ی فرشتگان نیست.

صفوی این مساله را مطرح نموده و به نقل از سیوطی می‌گوید: فرشتگان به دلایل زیر معصوم‌اند:

۱- خداوند در وصف آنان می‌فرماید: ﴿لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا

يُؤْمَرُونَ﴾

این دو آیه شامل انجام مامورات و ترک منهیات است. زیرا نهی در واقع امر به ترک است و آیه در سیاق مدح آمده است و مدح در صورتی تحقق می‌یابد که مجموعاً انجام دادن مامور و ترک منهی انجام گیرد.

۲- این آیه مفید مبالغه به تمام معنی در عبادت است و اشتغال تمام در عبادت نشانی عصمت است.

۳- فرشتگان، رسول و سفراء خداوند هستند.

فصل دوم

عبادت و بندگی فرشتگان

اول : نگاهی گذرا به سرشت و طبیعت فرشتگان

فرشتگان بر اطاعت و فرمانبرداری خداوند متعال سرشته شده‌اند، و قدرت نافرمانی

ندارند: ﴿... عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۱

یعنی: فرشتگانی بر آن گمارده شده‌اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی‌کنند، و همان چیزی را انجام می‌دهند که بدان مأمور شده‌اند.

پس ترک نافرمانی خدا، و پایبندی به اطاعت از او در فرشتگان امری فطری و سرشتی است، و برای اطاعت فرمان خدا متحمل کمترین تلاش و مشقت نمی‌شوند چون شهوت ندارند.

شاید این نکته موجب شده که عده‌ای از علما بگویند: فرشته مکلف به تکالیفی نیستند که انسانها بدان مکلف هستند. اما اینکه گفته شود بطور مطلق بر آنها تکلیفی نیست، ادعایی مردود است، زیرا آنها مکلف به عبادت و اطاعت از

فرمان خدا هستند: ﴿يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾^۲

یعنی: فرشتگان از پروردگار خود که حاکم بر آنان است می‌ترسند و آنچه بدانان دستور داده شود (به خوبی و بدون چون و چرا) انجام می‌دهند.

در این آیه بیان شده که آنها از پروردگار می‌ترسند، و ترس یک نوع تکلیف شرعی است، حتی بالاترین نوع بندگی و عبادت است بیم خشیت است همانگونه

که خداوند متعال فرموده: ﴿وَهُمْ مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾^۳

۱- تحریم: ۶

۲- نحل: ۵۰

۳- انبیاء: ۲۸

یعنی: همیشه از خوف (مقام کبریائی) خدا ترسان و هراسانند.
ممکن است برخی علما به همین دلیل آنان را غیر مکلف بدانند و معتقد باشند که فرشتگان مشمول هیچگونه وعد یا وعید نیستند.^۱
آری، می‌توان گفت: فرشتگان مکلف به انجام اعمالی که فرزندان آدم مکلف شده‌اند، نمی‌باشند، لکن عدم تکلیف مطلقاً مورد قبول نیست. زیرا آنان مأمور به عبادت و فرمانبرداری هستند.

دوم: مقام و جایگاه فرشتگان

بهترین ویژگی فرشتگان بندگی خداوند جل جلاله است، اما بندگانی گرامی و نیک منش. در مباحث گذشته اشاره داشتیم که اعتقاد مشرکان مبنی بر اینکه فرشتگان دختران خداوند هستند، عقیده‌ای باطل و مردود است و کوچکترین دلیلی بر صحت آن دیده نمی‌شود، و خداوند کسانی را که چنین عقیده‌ای دارند تکذیب کرده است، و بیش از یک جا در قرآن ماهیت و منزلت فرشتگان را بیان نموده است و می‌فرماید:

﴿ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُۥٓ ۗ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ ﴿۲۶﴾ لَا يَسْبِقُونَهُۥٓ ۗ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِۦ يَعْمَلُونَ ﴿۲۷﴾ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْضَىٰ وَهُمْ مِّنْ خَشِيَّتِهِۦٓ ۗ مُشْفِقُونَ ﴿۲۸﴾ ۚ وَمَنْ يُقَلِّ مِنْهُمْ ۖ إِنَّ إِلٰهَهُۥٓ مِن دُونِهِۦٓ فَذٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظَّٰلِمِينَ ﴿۲۹﴾ ۚ

یعنی: برخی از کفار عرب) می‌گویند: خداوند رحمان فرزندان (برای خود، به نام فرشتگان) برگزیده است (چرا که ملائکه دختران خدایند!). یزدان سبحان پاک و منزّه (از این گونه نقصها و عیبهها) است. (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند. آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار یزدانند که هرگز) در سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند، و تنها به فرمان او کار می‌کنند. خداوند اعمال گذشته و حال و آینده ایشان را می‌داند (و از دنیا و آخرت و از

۱- لوامع انوار البهیة: ۴۰۹/۲.

۲- انبیاء: ۲۶-۲۹.

وجود و پیش از وجود و بعد از وجودشان آگاه است) و آنان هرگز برای کسی شفاعت نمی‌کنند مگر برای آن کسی که (بدانند) خدا از او خوشنود است و (اجازه شفاعت او را داده است. به خاطر همین معرفت و آگاهی) همیشه از خوف (مقام کبریائی) خدا ترسان و هراسانند. هرکس از ایشان (که فرشتگان و مأموران اجرای فرمان یزدانند، به فرض) بگوید غیر از خدا من هم معبودی هستم، سزای وی را دوزخ می‌گردانیم. سزای ظالمان (دیگری را هم که با ادعای ربوبیت و شرک به خویشتن ستم کنند) همین خواهیم داد.

فرشتگان بندگانی هستند متصف به تمام صفات بندگی، و همواره آماده‌ی خدمت‌اند، و امر و نهی خدا را بدون چون و چرایی به اجراء در می‌آورند. علم خداوند آنها را احاطه کرده و نمی‌توانند از فرامین موکوله و رهنمودهای القاء شده به آنان تجاوز کنند، می‌ترسند از اینکه مبادا از حد و مرز خود تجاوز کنند و مورد انتقام و مجازات خداوند قرار گیرند.

از جمله نشانه‌های بندگی کامل آنان این است که هرگز بر خدا پیشی نگرفته و پیشدستی نمی‌کنند، و در پیشگاه خداوند پیشنهادی را مطرح نمی‌کنند، و از او امر و اعتراض و ایرادی ندارند، بلکه همه امر و فرمانهای خدا را پذیرفته و با شتاب تمام آن را اجرا می‌کنند، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

﴿لَا يَسْئُرُونَهُ، بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ﴾^۱

یعنی: فرشتگان بندگان گرامی و محترمی هستند و در سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند، و تنها به فرمان او کار می‌کنند.

فرشتگان فقط آنچه را که به آنها امر شود، انجام می‌دهند و بنابر امر و فرمان خداوند به حرکت در می‌آیند، و در حد و مرز فرمان او توقف می‌کنند. در صحیح بخاری از عبدالله بن عباس روایت است: رسول خدا ﷺ از جبرئیل پرسید: آیا بیش از این به دیدار ما نمی‌آیی؟ در جواب، این آیه نازل شد:

﴿ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ، مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ

نَسِيًّا ﴿٦٤﴾ ١

یعنی: ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی‌آئیم (و به کره زمین گام نمی‌گذاریم). از آن او است آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است و پروردگارت فراموشکار نبوده (و نیست).

سوم: نمونه هایی از عبادت فرشتگان

فرشتگان بندگان عبادت‌گذار و مکلف به اطاعت از خداوند عز وجل هستند. عبادت و تکالیف را براحتی و بدون احساس ضعف انجام می‌دهند. اینک برخی از عبادات آنان را که خداوند عز وجل یا رسول‌گرامی صلی الله علیه و آله آن را برای ما بیان کرده‌اند، تقدیم می‌داریم.

۱- تسبیح

فرشتگان به یاد و ذکر خداوند مشغولند و بزرگترین ذکر آنان تسبیح است. فرشتگان حامل عرش خداوند پروردگار را به تسبیح و پاکی یاد می‌کنند، آنجا که خداوند عز وجل می‌فرماید: ﴿ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ﴾^۲ یعنی: آنان که بردارندگان عرش خدایند و آنان که گرداگرد آنها به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند.

همانگونه که سایر فرشتگان او را تسبیح می‌کنند:

﴿ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ ﴾^۳

۱- مریم: ۶۴

۲- غافر: ۷

۳- شوری: ۵

یعنی: فرشتگان (با همه قدرتی که دارند دائماً) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغولند.

تسبیح فرشتگان خداوند متعال همیشگی و پیوسته است و هرگز قطع نمی‌شود، نه در شب و نه در روز، همانگونه که می‌فرماید:

﴿ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ۲۰ ﴾^۱

یعنی: شب و روز (دائماً به تعظیم و تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و تقدیسند و سستی به خود راه نمی‌دهند.

و بدلیل کثرت تسبیح در واقع تسبیح گویان واقعی فقط آنان هستند، و برای آنان مایه‌ی افتخار و مباهات است:

﴿ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ ۱۶۵ ﴾^۲ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ۱۶۶ ﴾

یعنی: و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ایستاده‌ایم. و ما جملگی، به تسبیح و تقدیس خدا مشغولیم.

تسبیح بیش از حد آنان تنها بدین دلیل است که تسبیح افضل و بهترین ذکر است. در صحیح مسلم از ابوذر رضی الله عنه روایت است که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوال شد: بهترین ذکر کدام است؟ فرمود: «ذکری که خداوند آن را برای فرشتگان، یا برای بندگانش، خود برگزیده است، یعنی: سبحان الله و بحمده».

۲- به صف منظم ایستادن

در حدیثی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اصحابش را برای صف بستن در نماز به پیروی از فرشتگان تشویق می‌کرد، گذشت که فرمود: «أَلَا تَصَفُّونَ كَمَا تَصَفُّوْنَ الْمَلَائِكَةَ عِنْدَ رَبِّهَا» یعنی: آیا مانند فرشتگان که نزد پروردگارشان به صف می‌ایستند صف نمی‌بندید؟

۱- انبیاء: ۲۰

۲- صافات: ۱۶۵-۱۶۶

وقتی از نحوه‌ی صف بستن فرشتگان سؤال شد، رسول خدا ﷺ فرمود: « یکملون الصفّ الأوّل فالأوّل یتراصون فی الصفّ »^۱. یعنی: صف‌ها را کامل می‌کنند و تا صف اول کامل نشده صف دوم را تشکیل نمی‌دهند و استوار و با وقار می‌ایستند.

و در قرآن درباره‌ی فرشتگان آمده است: ﴿ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصّٰوِنُونَ ﴾^۲ یعنی: و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرای فرمان خداوند سبحان) به صف ایستاده‌ایم. فرشتگان می‌ایستند و رکوع و سجده می‌کنند، در مشکل الآثار امام طحاوی، و در معجم الکبیر طبرانی از حکیم بن حزام چنین روایت است: روزی رسول خدا ﷺ در جمع یاران و اصحاب خود نشسته بود، از آنان پرسید: آیا آنچه را که من می‌شنوم، شما می‌شنوید؟ صحابه عرض کردند: ما چیزی نمی‌شنویم. رسول خدا ﷺ فرمود: من ناله و آه آسمان را می‌شنوم و جای ملامت نیست که آسمان چنین می‌کند، زیرا جای یک وجب از آسمان خالی نیست، بلکه در هر نقطه از آن فرشته‌ای در حال سجده یا ایستاده بر پا در حال عبادت است. البانی این حدیث را بنا بر شرط صحت نزد امام مسلم صحیح دانسته. (سلسله احادیث الصحیحة، شماره ۸۵۲).

۲- حج فرشتگان

در آسمان هفتم فرشتگان کعبه‌ای دارند که در آنجا مراسم حج خود را بجا می‌آورند. این کعبه بیت المعمور نام دارد و در سوره‌ی «طور» خداوند بدان

سوگند یاد کرده و می‌فرماید: ﴿ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ ۝۴ ﴾^۲

ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: در صحیحین آمده است که رسول خدا ﷺ در مورد سفر معراج بعد از عبور از آسمان هفتم، فرمود: «من از آنجا به بیت المعمور برده شدم که روزانه هفتاد هزار فرشته داخل رفته و تا پایان عمر برای بار

۱- مسلم: ۳۲۲/۲ شماره: ۴۳۰.

۲- طور: ۴

دوّم وارد آنجا نمی شوند»^۱ یعنی این فرشتگان در بیت المعمور عبادت می کنند و مانند اهل زمین که کعبه‌ی خود را طواف می کنند؛ بیت المعمور کعبه‌ی ساکنان آسمان هفتم است. از این رو رسول خدا ﷺ حضرت ابراهیم خلیل را آنجا دید که به دیوار آن کعبه تکیه زده و نشسته بود. زیرا او بنیانگذار کعبه‌ی زمین است، و پاداش از نوع و جنس عمل است.

ابن کثیر در باره‌ی نقطه‌ی وقوع بیت المعمور می فرماید: « بیت المعمور در مقابل و به موازات کعبه قرار دارد، و اگر بیفتند روی کعبه‌ی مکه می افتد، و یادآور شده که در هر آسمانی خانه‌ای وجود دارد که ساکنان آسمان در آن عبادت می کنند، و خانه‌ای که در آسمان دنیا است (بیت العزّة) نام دارد.

روایت ابن کثیر مبنی بر اینکه بیت المعمور در موازات کعبه قرار دارد، در واقع از حضرت علی رضی الله عنه روایت شده است. ابن جریر از طریق خالد بن عرعره نقل کرده و می گوید: شخصی از حضرت علی رضی الله عنه سؤال کرد: آیا بیت المعمور چیست؟ حضرت در جواب فرمود: « بیت فی السّماء یقال له الضّراح بحیال الکعبه من فوقها، حرّمته فی السّماء کحرمة هذا فی الأرض یصلّی فیہ کلّ یوم سبعون الف ملک و لا یعودون الیه أبداً »^۲

یعنی: خانه‌ای است که در آسمان هفتم در موازات خانه‌ی کعبه قرار دارد و - بیت معمور در آسمان چنان مورد احترام است که خانه‌ی کعبه در زمین مورد احترام است. هر روز هفتاد هزار فرشته آن را زیارت می کند، و تا پایان عمر فرشتگانی که یک بار وارد آن شدند دیگر نوبت زیارت به آنها نمی رسد.

شیخ ناصر الدین آلبنی جز عرعره سائر رجال این سند را ثقه دانسته است، و در رابطه با عرعره می گوید: او مستور الحال است... و آلبنی یادآور شده که روایت صحیح مرسل شاهد این روایت است و می فرماید: قتاده می گوید: برای ما نقل شده که روزی رسول خدا ﷺ از اصحاب پرسید: « آیا می دانید بیت المعمور چیست؟ صحابه عرض کردند: خدا و رسولش بهتر می دانند. فرمود: بیت المعمور مسجدی

۱ - بخاری: ۱۰۳/۶ شماره: ۲۲۰۷. مسلم: ۱۴۶/۱ شماره: ۱۶۳.

۲ - ابن حجر: فتح الباری: ۳۰۸/۲.

در آسمان است که کعبه زیر آن قرار دارد، بگونه‌ای که اگر بیفتد روی کعبه می‌افتد...».

سپس محقق (آلبانی) گفت: «خلاصه‌ی سخن اینکه جمله‌ی «حیال الکعبه» با توجه به کثرت طُرُق حدیث ثابت است و صحت آن از لحاظ اصول علم حدیث مورد تایید است».

۴- خوف و هراس فرشتگان از الله تعالی

از آن جهت که شناخت و معرفت فرشتگان نسبت به پروردگار در حد بالایی است، تعظیم و خشیت و هراس آنان در حق او نیز زیاد است، همانگونه که خداوند در باره‌ی فرشتگان می‌فرماید: ﴿وَهُمْ مِّنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ﴾ (یعنی: همیشه از خوف (مقام کبریائی) خدا ترسان و هراسانند. شدت ترس و هراس فرشتگان از پروردگار را روایت نواس بن سمعان رضی الله عنه به خوبی روشن می‌کند که روایت می‌کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

« إذا اراد الله أن يوحى بالأمر تكلم بالوحي أخذت السموات منه رجفة أو قال رعدة شديدة خوفاً من الله تعالى، فإذا سمع بذلك أهل السموات صعقوا وخرروا لله سجداً، فيكون أول من يرفع رأسه جبريل، فيكلمه الله من وحيه بما أراد، ثم يمر جبريل على الملائكة كلما مر بسماء سأله ملائكتها ماذا قال ربنا يا جبريل؟ فيقول جبريل: قال الحق وهو العلي الكبير، قال فيقولون كلهم مثل ما قال جبريل، فينتهي جبريل بالوحي حيث أمره الله...»^۲.

یعنی: وقتی که خداوند متعال اراده‌ی وحی و سرورش کند، آسمانها از بیم و هیبت او تکان شدیدی می‌خورند، وقتی که ساکنان آسمان متوجه این لرزش شدند، بیهوش می‌شوند، و برای خدا به سجده می‌روند، و نخستین کسی که سر بلند می‌کند جبرئیل رضی الله عنه است، و خدا جل جلاله با وحی خود با او سخن می‌گوید...» (ابن جریر

۱- انبیاء: ۲۸

۲- لجامع: ۲۰۶/۵

و ابن خزیمه و طبرانی و ابن ابی حاتم روایت کرده‌اند، و این لفظ ابن ابی حاتم است).

و در معجم اوسط طبرانی با اسناد حسن از جابر^{رضی الله عنه} روایت شده که رسول خدا^{صلی الله علیه و آله} فرمود: «مررت لیلة أسری بی بالملأ الأعلى، و جبریل کالحلس البالی من خشية الله تعالى». (صحیح الجامع ۲۰۶/۵).

یعنی: در شب معراج بر ملاء اعلی (ساکنان آسمان) عبور کردم جبرئیل را دیدم که از هیبت و ترس خدا همچون گلیم پوسیده شده بود از ترس خداوند متعال.

فصل سوم فرشته و انسان

مبحث اول فرشتگان و آدم

۱- سؤال فرشتگان از فلسفه‌ی آفرینش آدم

وقتی خداوند متعال اراده‌ی خلق و آفرینش آدم را کرد، هدف خود را به فرشتگان اعلام نمود، بنابراین فرشتگان پرسیدند که فلسفه و حکمت آفرینش آدم چیست؟ زیرا آنان می دانستند که در میان آدمیان خون ریزی فساد و کفر و عصیان خواهد بود، لذا خداوند متعال به آنان خبر داد که آفرینش آدم فلسفه و حکمت‌هایی دارد که شما از آن اطلاع ندارید. خداوند این قصه را چنین بیان فرمود:

﴿وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ



یعنی: زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی بیافرینم (تا به آبادانی زمین پردازد و آن زیبانگاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته‌ام به اتمام رساند و آن انسان است. فرشتگان دریافتند که انسان بنا به انگیزه‌های سرشتی زمینی‌اش فساد و تباهی برپا می‌دارد. پس برای دانستن نه اعتراض کردن از خدا پرسیدند که حکمت برتری دادن انسان بر ایشان برای امر جانشینی چیست و) گفتند: آیا در زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد می‌کند و تباهی راه می‌اندازد و خونها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و

ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید.

۲- سجده و کرنش فرشتگان برای آدم

وقتی آفرینش آدم به اتمام رسید، خداوند فرشتگان را امر کرد تا وی را سجده کنند، آنجا که فرمود:

﴿إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقُ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿۷۱﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ، وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ، سَاجِدِينَ ﴿۷۲﴾﴾

یعنی: وقتی (این گفتگو در ملاء اعلی و عالم بالا در گرفت) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من انسانی را از گِل می‌آفرینم. هنگامی که آن را سر و سامان دادم و آراسته و پیراسته کردم، و از جان متعلق به خود در او دمیدم، در برابرش سجده (بزرگداشت و درود) ببرید.

همه فرشتگان فرمان خدا را استجابت کردند و سجده بردند، جز ابلیس که مانند فرشتگان مأمور به سجده بود، و سجده نکرد، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

﴿فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ﴿۷۳﴾ إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ﴿۷۴﴾﴾^۲

یعنی: پس همه فرشتگان جملگی سجده بردند. جز ابلیس که تکبر ورزید، و از کافران گردید.

۱- ص: ۷۱-۷۲

۲- ص: ۷۳-۷۴، ظاهر این آیه چنین می‌رساند که همه فرشتگان بدون استثناء سجده کردند، و این پاسخ رد است بر کسانی که گمان کرده‌اند تنها عده‌ای، یا فقط فرشتگان زمین به سجده رفتند، و روایت منسوب به ابن عباس در این موضوع هم منکر و منقطع است. و شیخ الاسلام بر این باور بود که این آیه نص صریح است و جز یک معنی ندارد و مخالفت با آن جایز نیست.

۲- جواب فرشتگان به آدم علیه السلام

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « خداوند جل جلاله آدم را بر صورت خود (صورتی که خود برگزید) آفرید، که طول قد او شصت ذراع بود، سپس خداوند خطاب به آدم فرمود: برو و به این چند فرشته (گروهی از فرشتگان آنجا نشسته بودند) سلام کن و ببین سلامت را چگونه پاسخ می دهند، همین سلام و جواب، سلام تو و فرزندان تو خواهد بود. آدم رفت و گفت: سلام علیکم، فرشتگان در جواب گفتند: « السّلام علیک و رحمة الله ». لفظ و رحمة الله را افزودند^۱

۴ - فرشتگان آدم را بعد از وفاتش غسل دادند

وقتی آدم علیه السلام وفات یافت، فرزندانش نمی دانستند با او چکار کنند، فرشتگان آنان را تعلیم دادند. در مستدرک حاکم، و معجم طبرانی به سند صحیح از ابی؛ و او از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده اند که فرمود: «لما توفی آدم غسلته الملائكة بالماء وتراً، و ألدوا له، و قالوا هذه سنة آدم فی ولده»^۲

یعنی: وقتی آدم وفات یافت، فرشتگان او را با تعداد فرد (سه یا پنج بار) غسل دادند و در قبر برایش لحد ساختند و گفتند: این سنت و رویه‌ی و شیوه‌ی آدم است در فرزندانش.

از روایات صحیح ثابت است که ملائکه یکی از شهدای این امت محمد صلی الله علیه و آله را غسل داده‌اند، و او حنظله بن ابی عامر بود که در غزوه‌ی اُحُد به درجه‌ی شهادت نائل آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره او فرمود: (إِنَّ صَاحِبَكُمْ تَغْسِلُهُ الْمَلَائِكَةُ): (همانا فرشتگان رفیق شما را غسل می دهند). صحابه از همسر او سؤال کردند، گفت: وقتی صدای نغیر (بسیج شدن برای جهاد) را شنید بلافاصله از خانه بیرون رفت و در جهاد شرکت کرد، در حالی که جُنُب بود و هنوز غسل جنابت را انجام نداده

۱- بخاری: ۳/۱۱: شماره: ۶۲۲۷ مسلم: ۴/۲۱۸۴ شماره: ۲۸۴۱.

۲- صحیح الجامع ۴۸/۵.

بود. رسول خدا ﷺ فرمود: « لذلک غسلته الملائکة »: (بدلیل جنابت داشتن ملائکه او را غسل داده‌اند).^۱

ابن عساکر با سند صحیح آورده که قبیله‌ی اوس افتخار می‌کردند که فردی که فرشتگان او را غسل داده‌اند، از آنها بود.

مبحث دوم

فرشتگان و فرزندان آدم

پیوند فرشتگان با بنی آدم پیوند محکمی است، و از زمانی که آفرینش انسان شروع می‌شود با او در ارتباط هستند، بطوریکه از زمان به دنیا آمدن فرزندان آدم فرشتگان با او هستند، و وظیفه دارند بعد از وارد شدن انسان به عرصه‌ی زندگی از او محافظت کنند. و نیز برای انسان از جانب خدا سرور و آسماهی به ارمغان می‌آورند، و مراقب اعمال و سایر تصرفات بنی آدم هستند، و موقع فرا رسیدن مرگ روحش را قبض می‌کنند. و این مطلب را با تفصیل بیشتر ذکر خواهیم کرد.

نقش فرشتگان در تکوین و پیدایش انسانها

امام مسلم در صحیح خود از ابوذر رضی الله عنه روایت می‌کند که گفت از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیدم، فرمود: « إذا مرَّ بالنطفة اثنان وأربعون ليلة بعث الله عز وجل إليها ملكاً فصورها و خلق سمعها و بصرها و جلدها ولحمها ثم قال يا رب أذكر أم أنثى فيقضي الله في ذلك ما يشاء ويكتب الملك... »^۱

یعنی: وقتی چهل روز از نطفه در شکم مادر بگذرد، خداوند فرشته‌ای را نزد او می‌فرستد، سپس فرشته صورت، چشم، گوش، پوست، گوشت و استخوان او را می‌سازد، سپس از پروردگار می‌پرسد، پروردگارا مرد است یا زن؟ خداوند آنچه را که بخواهد حکم می‌کند و فرشته آن را می‌نویسد.

همچنین از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که گفت: پیامبر صادق و مصدوق فرمود: « إنَّ أحدكم يجمع خلقه في بطن أمه أربعين يوماً، ثم يكون في ذلك علقة مثل ذلك، ثم يكون في ذلك مضغة مثل ذلك، ثم يرسل الملك فينفخ فيه الروح، و يؤمر بأربع كلمات تكتب: رزقه و أجله و عمله و شقیّ أو سعید »^۲

۱- صحیح مسلم: ۲۰۳۷/۴ شماره: ۲۶۴۵.

۲- بخاری: ۳۰۳/۶ شماره: ۳۲۰۸ مسلم: ۳۰۳۶/۴ شماره: ۲۶۴۳.

یعنی: نطفه‌ی جنین هر یک از شما مدت چهل روز در رحم مادر جمع می‌شود، سپس تا چهل روز دیگر به پاره گوشتی تبدیل می‌شود. آنگاه خداوند فرشته‌ای را می‌فرستد، و روح را در او می‌دمد، و او را به چهار چیز فرمان می‌کند، به ثبت و نوشتن عمل، رزق، أجل و شقاوت یا سعادت او.

همچنین در صحیحین از انس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرشته‌ای را مأمور رحم زن باردار می‌کند و پس از استقرار نطفه فرشته می‌گوید: پروردگارا! نطفه است، پروردگار علقه است، پروردگارا مضغه است. وقتی که خداوند متعال اراده فرمود آن نطفه را بیافریند، عرض می‌کند: پروردگارا مرد است یا زن؟ بد بخت است یا سعادت‌مند؟ رزق او چیست؟ عمرش چقدر است؟ همه اینها را در زمانی که آن انسان در رحم مادر است فرشته می‌نویسد.^۱

پاسداری فرشتگان از بنی آدم

خداوند می‌فرماید:

﴿ سَوَاءٌ مِّنْكُمْ مَّنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ، وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍ بِأَلْتِيلٍ وَسَارِبٌ بِأَلْتِهَارِ ۗ لَهُ، مُعَقِّبَتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، يَحْفَظُونَهُ، مِنْ أَمْرِ اللَّهِ ۗ ﴾^۲

یعنی: کسی که از شما سخن را پنهان می‌دارد، و کسی که سخن را آشکار می‌سازد، و آن که در روز (به دنبال کار خود) روان می‌گردد، (برای خدا بی تفاوت و) یکسان می‌باشند. انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می‌شوند و) پیاپی از روبرو و از پشت سر (و از همه جوانب دیگر، او را می‌پایند و) به فرمان خدا از او مراقبت می‌نمایند.

ترجمان و مفسر قرآن عبدالله بن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: « مُعَقِّبَتٌ » همان فرشتگان مأمور خداوند هستند که خداوند آنان را گماشته تا انسان را از هر طرف حفاظت کنند، و هرگاه تقدیر الهی برای مرگ او فرا رسد، او را رها می‌گذارند.

۱- بخاری: ۴۷۷/۱۱ شماره: ۶۵۹۵. مسلم: ۲۰۳۸/۴ شماره: ۲۶۲۴.

۲- رعد: ۱۰-۱۱

مجاهد می‌گوید: «هیچ بنده‌ای نیست که فرشته‌ای بر او گماشته نشده باشد که انسان را در خواب و بیداری از آسیب انسانها و جن‌های شرور و سائر گزندگان و درندگان حفاظت می‌کند. در دوران حفاظت هر چیزی نزد انسان بیاید، فرشته آن را عقب می‌راند جز چیزی که خداوند خواسته باشد، و در آن صورت انسان مورد اصابت قرار می‌گیرد.

شخصی خطاب به علی بن ابی طالب علیه السلام گفت: چند تن از قبیله‌ی مُراد در صدد کشتن تو هستند. حضرت علی علیه السلام در جواب فرمود: با هر انسانی دو فرشته همراه است، و او را از هر ضرر و گزند که در تقدیر او نیست حفاظت می‌کنند. هرگاه تقدیر خداوند فرا رسد، او را رها می‌سازند، همانا اجل قلعه‌ی محکمی است. (یعنی تا اجل نرسد انسان در قلعه‌ی محکم اجل قرار دارد و چیزی نمی‌تواند به او آسیب برساند).^۱

معقب مذکور در آیه‌ی «رعد»، همان است که در آیه (۶۱ سوره انعام) بدان اشاره شده است و می‌فرماید:

﴿ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ ﴿٦١﴾ ﴾

یعنی: خداوند بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می‌فرستد و می‌گمارد (و آنان به کار خود با دقت تمام تا دم مرگ یکایک شما، مشغول می‌گردند) و چون مرگ یکی از شما فرا رسید، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می‌آیند و) جان او را می‌گیرند، و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچ کدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی‌کنند.

بنابراین محافظان بنده او را تا زمان اجل مرگ محافظت می‌کنند.

فرشتگان سفیران الهی به سوی پیامبران اند

خداوند متعال به ما یاد داده که جبرئیل علیه السلام مختص این وظیفه‌ی مهم است و می‌فرماید:

﴿ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ، عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧﴾ ﴾^۱

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. همچنین می‌فرماید:

﴿ نَزَّلَ بِهِ الرُّوحَ الْأَمِينُ ﴿١١٣﴾ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ﴿١١٤﴾ ﴾^۲

یعنی: جبرئیل آن را فرو آورده است. بر قلب تو، تا از زمره بیم دهندگان باشی. گاهی وقتها هم فرشته‌ای دیگر غیر از جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم وحی می‌آورد که موارد کمی از این نوع اتفاق افتاده. در صحیح مسلم از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است، در حالی که جبرئیل علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود، زمزمه‌ی صدایی را بالای سرش شنید، سرش را بلند کرد و گفت: این در آسمان که امروز باز شد و تا به حال باز نشده است. آنگاه فرشته‌ای از آن فرود آمد، و فرمود: این فرشته‌ای است به زمین فرود آمده است، و تا کنون هرگز فرود نیامده است. فرشته به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سلام کرد و گفت: بشارت دو نور و روشنی را برای تو تبریک می‌گویم. و هیچ پیامبری قبل از تو موفق به دریافت این دو نور نشده است. یکی سوره‌ی فاتحه، و دوم آیه‌های آخر سوره‌ی بقره، هر حرفی را که بخوانی دعای آن برایت مستجاب است.

۱- بقره: ۹۷

۲- بقره: ۱۹۳-۱۹۴

در تاریخ ابن عساکر از حذیفه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: فرشته‌ای آمد و سلام کرد. این فرشته قبلاً نیامده بود، به من بشارت داد که حسن و حسین سردار جوانان بهشت، و فاطمه سردار بانوان بهشت است.^۱

در سند احمد و سنن نسائی از حذیفه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: آیا چیزی که چند لحظه قبل در اُفق آسمان نمودار شد را دیدید؟ عرض کردم، آری، گفت: او فرشته‌ای بود، که پیش از امشب هرگز به طرف زمین فرود نیامده است. از پروردگارش اجازه خواسته بود تا به من سلام گوید، و به من بشارت دهد که حسن و حسین سردار جوانان بهشت هستند، و فاطمه زهراء سردار بانوان بهشت است.^۲

و در المسند و سنن ترمذی با سند صحیح از ابی بن کعب روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «إن جبریل ومیکائیل أتیا فی فقه جبریل عن یمینی ومیکائیل عن یساری، فقال جبریل: اقرأ القرآن علی حرف، فقال میکائیل: استزده، حتی بلغ سبعة أحرف وكل حرف شاف کاف»

یعنی: جبرئیل و میکائیل نزد من آمدند، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ من نشستند، جبرئیل گفت: ای محمد قرآن را با یک حرف (لهجه) بخوان. میکائیل گفت: درخواست افزایش کن. گفت: با سه لهجه بخوان، گفتم: برایم زیاد کن. تا هفت لهجه، گفت: با هفت لهجه قرائت کن، همه کافی و شافی هستند.^۳

۱- صحیح الجامع: ۸۰/۱.

۲- مسند احمد: ۳۹۱/۵ و صحیح سنن نسائی: ۲۶۶/۳ شماره: ۲۹۷۵.

۳- چیزی که ما در اینجا گفتیم مبنی بر اینکه ملائکه سفیران خدا بسوی مردم، و حامل سروش به پیامبرانند، از معنای لغوی واژه‌ی ملک روشن است، چون اصل ملک اَلْک و مالکة است، و مَأَلک بمعنی رسالت است، و ملائک از آن اشتقاق یافته‌اند، چون پیامبر خدا هستند، بعضی هم گفته‌اند: (ل أ ک) اشتقاق یافته و ملائکه رسالت است، و مَأَلک هم همان ملک هست، چون فرمان خداوند را ابلاغ می کند، و هرکدام از فرشتگان متولی اموری سیاسی باشد مَلک نامیده می شود، و از میان بشر مَلک نامیده می شود. (بصائر ذوی التمیمز ۴/۵۲۴).

۱- هرکس که فرشته نزد او بیاید پیامبر نیست

هرکس که فرشته نزد او بیاید، نبی یا رسول محسوب نمی شود، و این دیدگاه که فرشته تنها نزد انبیاء و رسولان رفته‌اند توهمی بیش نیست. خداوند متعال جبرئیل را نزد مریم فرستاده است، همانطور که او را (جبرئیل) نزد مادر اسماعیل علیه السلام فرستاد که آب و طعام او تمام شده بود. و نیز بسیاری از صحابه، جبرئیل علیه السلام را بصورت یک مرد بادیه نشین دیده‌اند.

همچنین خداوند فرشته‌ای را نزد مردی فرستاد که به خاطر رضای خدا به زیارت برادر دینیش رفت، و فرشته او را بشارت داد که خداوند، بخاطر محبت او با برادر دینی خود، او را دوست دارد.

۲- وحی چگونه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل می شد

در صحیح بخاری به روایت حضرت عایشه رضی الله عنها آمده است که: حارث بن هشام رضی الله عنه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سؤال کرد، چگونه وحی بر تو نازل می شد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«أحياناً يأتيني مثل صلصلة الجرس، وهو أشده عليّ فيفصم عني قد وعيت ما قال.

وأحياناً يأتيني الملك رجلاً فيكلمني، فأعي ما يقول»

یعنی: گاهی مانند صدای زنگ بود که آن را دریافت می کردم، و این نوع سروش بسیار برایم مشکل است، و بیهوش می شوم، و بعد از اینکه به هوش می آیم و وحی خاتمه می یابد، من آن را فراگرفته‌ام. و گاه وقتی فرشته بصورت یک انسان نزد من می آید، با من حرف می زند و آنچه را که به من می گوید، بخاطر می سپارم.^۱

بنابر این جبرئیل به صورت فرشته می آمد و در حالت فرشته بودن با او ارتباط برقرار می کرد، و این نوع وحی بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بسیار سخت می بود.

حالت دوم این بود که جبرئیل بصورت یک انسان نزد رسول خدا ﷺ می آمد، و این وحی نسبت به نوع اول آسان تر بود. رسول خدا ﷺ جبرئیل را در شکل و صورت اصلی خود دو بار رؤیت کرده است:

اول: سه سال بعد از بعثت. در صحیح بخاری از جابر رضی الله عنه روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: روزی در حال راه رفتن صدایی به گوشم رسید، سرم را بلند کردم، دیدم همان فرشته ای بود که در غار حراء نزد من آمده بود، روی کرسی ای در میان زمین و آسمان قرار داشت، از دیدن آن صحنه دچار ترس و وحشت شدم. به خانه برگشتم و گفتم: روی من چادر یا لحافی بیندازید.^۱

بار دوم: زمانی که جبرئیل رسول خدا ﷺ را به سوی آسمانها برد، و در «سوره ی نجم» به این دو مرتبه اشاره شده، آنجا که می فرماید:

﴿عَلَّمَهُ سَدِيدُ الْقُوَى ﴿٥﴾ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى ﴿٦﴾ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَى ﴿٧﴾ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى ﴿٨﴾ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى ﴿٩﴾ فَأَوْحَىٰ إِلَيْكَ عَبْدُكَ مَا أَوْحَىٰ ﴿١٠﴾ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ﴿١١﴾ أَفَتَمُنُّونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ ﴿١٢﴾ وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ ﴿١٣﴾ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ﴿١٤﴾ عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ﴿١٥﴾ إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ ﴿١٦﴾ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ ﴿١٧﴾﴾^۲

یعنی: (جبرئیل، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگی خود و با بالهایی که کرانه های آسمان را پر کرده بود) راست ایستاد. در حالی که او در جهت بلند (آسمان رو به روی بیننده) قرار داشت. سپس (جبرئیل) پائین آمد و سر در نشیب گذاشت. تا آنکه فاصله او (و محمد) به اندازه دو کمان یا کمتر گردید. پس جبرئیل به بنده خدا (محمد) وحی کرد آنچه می بایست وحی کند. دل (محمد) تکذیب نکرد چیزی را که او (با چشم سر) دیده بود. آیا با او درباره چیزی که دیده است، ستیزه می کنید؟ او که بار دیگر (در شب معراج) وی را دیده است. نزد سدره المنتهی. بهشت که منزل (و مأوای متقیان) است در کنار آن است. در آن هنگام،

۱- بخاری: ۲۷/۱ شماره: ۴.

۲- نجم: ۵-۱۷

چیزهائی سدره را فرا گرفته بود که فرا گرفته بود. چشم (محمد در دیدن خود به چپ و راست) منحرف نشد و به خطا نرفت، و سرکشی نکرد.

۳- وظیفه جبرئیل منحصر به تبلیغ وحی نبود

مأموریت جبرئیل علیه السلام تنها تبلیغ وحی از جانب خداوند متعال نبود، زیرا همه شبهای ماه رمضان، هر سال نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می آمد و قرآن را با ایشان مرور و تکرار می کرد.

در بخاری در این مورد آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سخی ترین بود، و سخاوتش در ماه مبارک رمضان زمانی که جبرئیل نزد او می آمد به اوج می رسید، و جبرئیل علیه السلام در هر شب رمضان به ملاقاتش می آمد و قرآن را به او یاد می داد، پس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از باد سخی تر بود. (یعنی: سخاوت و بخشش او مانند باد به همه می رسید).^۱

۴- امامت جبرئیل برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

جبرئیل علیه السلام به خاطر آموختن و یاد دادن نماز به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنگونه که خداوند می خواست برای ایشان امامت نماز کرده است. در بخاری و سنن نسائی از ابن مسعود رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « جبرئیل علیه السلام فرود آمد و برای من امامت کرد و همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم، سپس همراه او نماز اقامه کردم، ... » با انگشتانش پنج مرتبه را حساب کرد.

در مسند امام احمد از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « جبرئیل علیه السلام نزد مسجد الحرام کنار خانه کعبه دو مرتبه برایم امامت کرد. موقع زوال آفتاب برای نماز ظهر جلو رفت، و موقعی که سایه هر چیز دو برابر آن شد برای نماز عصر ایستاد، و موقع غروب آنگاه که روزه دار افطار می کند نماز مغرب

را به امامت به جا آورد، و موقعی که شفق آسمان ناپدید شد نماز عشاء را امامت کرد، و موقع طلوع صبح برای نماز جلو ایستاد، سپس هوا روشن شد. روز بعد نماز ظهر را موقعی به جای آورد که سایه‌ی هر چیز یک برابر شده بود، و نماز عصر را زمانی بر پا داشت که سایه‌ی هر چیز دو برابر شده بود، و نماز مغرب را موقع افطار و نماز عشاء را بعد از یک سوم شب، و نماز فجر را زمانی که هوا روشن شد به جای آورد، بعد به من نگاه کرد و فرمود: ای محمد! این وقت نماز پیامبران گذشته است، و وقت نماز بین این دو وقت است.^۱ نه تنها نماز و اوقات نمازها را به صورت عملی به او آموزش داد، بلکه روش وضو را هم به او آموزش داد. در المستدرک حاکم از زید بن حارثه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «جبرئیل در اوائل دوران نازل شدن وحی نزد من آمد و وضو و نماز را به من آموزش داد، ..»

۵- دعا خواندن جبرئیل بر رسول خدا ﷺ

در صحیح مسلم از ابی سعید خدری روایت است: جبرئیل نزد رسول خدا ﷺ آمد و عرض کرد، ای محمد! آیا بیمار شده‌ای؟ فرمود: آری. جبرئیل گفت: «بسم الله أرقیک من کل شیء یؤذیک من شر کل نفس أو عین حاسد الله یشفیک، بسم الله أرقیک والله یشفیک»^۲ یعنی به نام خداوند از هر چیز موذی تو را پناه می‌دهم، از بدی هر موجود زنده، و از هر چشم حسود، خداوند تو را شفا دهد، بنام خدا تو را پناه می‌دهم، خدا شفایت دهد.

۱- صحیح سنن ابی داود: ۷۹/۱ شماره: ۳۳۷.

۲- مسلم کتاب السلام - باب الطب

۶- همراه شدن با رسول خدا ﷺ

از جمله کارهای دیگر جبرئیل این بود که در غزوه‌ی بدر و خندق همراه رسول خدا ﷺ جنگیده است. همچنین در سفر اسراء و معراج او را همراهی کرده است.

۷- تحریک انگیزه‌های خیر و نیکی در نفوس بندگان

خداوند متعال همراه هر انسانی یک فرشته و یک جن را قرین و همدم قرار داده. در صحیح مسلم از ابن مسعود روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«ما منکم من احدٍ إلاّ و قد وکلّ به قرینه من الجنّ و قرینه من اللائکة»

یعنی: کسی در میان شما وجود ندارد که یک قرین و همدم از جن، و یکی از فرشته همراه نداشته باشد. عرض کردند: ای رسول خدا آیا همراه شما هم وجود دارد؟ فرمود: «و ایّای، و لکن الله أعاننی علیه فأسلم فلا یأمرنی إلاّ بخیر»

یعنی: آری، ولی خداوند مرا یاری کرده، و تسلیم شده، پس جز به خیر و نیکی مرا فرمان نمی‌کند.

شاید فرشته‌ی قرین و همدم غیر از فرشته‌ای باشد که مأمور ثبت و ضبط اعمال انسان است، بلکه خداوند فرشته‌ی قرین را برای هدایت و ارشاد و تحریک انگیزه‌های خیر نزد انسان می‌فرستد.

قرین فرشته و قرین جن به نوبت تأثیر خود را بر انسان القاء می‌کند، جنّی به شر و بدی فرمان می‌دهد، و دیگری او را بر انجام خیر و نیکی تشویق و ترغیب می‌نماید. از ابن مسعود رضی الله عنه روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود:

«إنّ للشیطان لمةً بآدم، و للملک لمةً، فأما لمة الشیطان فایعاد بالشرّ، و تکذیب بالحقّ، و أما لمة الملک فایعاد بالخیر و تصدیق بالحقّ، فمن وجد من ذلك شیئاً فلیعلم أنّه من الله، و لیحمد الله، و من وجد الأخری فلیتعوذ بالله من الشیطان الرجیم، ثم قرأ:

﴿ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا
وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴾^۱

یعنی: همانا شیطان و فرشته هرکدام با انسانها پیوندی دارد. پیوند و ارتباط شیطان با آدم این است که او را وعده داده و وی را وادار به تکذیب حق می‌کند و رابطه‌ی فرشته با آدم این است که او (انسان) را وعده‌ی خیر و نیکی می‌دهد، و برای پذیرفتن حق آماده‌اش می‌کند. هرکس توفیق پذیرفتن حق را یافت، بداند که از طرف خداوند است، و باید خدا را سپاس گوید، و هرکس غیر از این را یافت، از شیطان مطرود پناه به خدا بگیرد. بعد رسول خدا ﷺ این آیه را تلاوت کرد که می‌فرماید: (اهریمن شما را (به هنگام انفاق می‌ترساند و) وعده تهیدستی می‌دهد و به انجام گناه شما را دستور می‌دهد، ولی خداوند به شما وعده آمرزش خویش و فزونی (نعمت) می‌دهد. و خداوند (فضل و مرحمتش) وسیع (و از همه چیز) آگاه است.)

ابن کثیر بعد از سوق و بیان این حدیث گفته: «ترمذی و نسائی در کتاب التفسیر سنن خود از هناد بن سری روایت کرده‌اند، و ترمذی گفت: این حدیث حسن و غریب است، و حدیث اَبی الأَحْوَص یعنی: سلام بن سلیم است...».

به حدیث بعدی توجه کن تا با نحوه‌ی رقابت قرین جنی و فرشته‌ی قرین در کشاندن انسان بسوی خود، آشنا شوی. حافظ ابو موسی از حدیث ابو الزبیر، و او از جابر رضی الله عنه نقل کرده و می‌گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه انسان برای خواب به رختخواب رفت، یک فرشته و یک شیطان برای رسیدن به نزد او می‌شتابند. فرشته می‌گوید: خاتمه روز تو به خیر باشد و شیطان می‌گوید: خاتمه‌ی روز تو بد باشد. این انسان اگر لحظات قبل از خواب را به یاد و ذکر خدا سپری کند تا اینکه خواب بر وی غلبه کند و چشم هایش بسته شوند، فرشته شیطان را از آنجا می‌راند، و در طول شب او را محافظت می‌کند.

هرگاه انسان بیدار شد، یک فرشته و یک شیطان برای رسیدن به نزد او می شتابند. فرشته می گوید: روز خود را به خیر و نیکی آغاز کن، و شیطان می گوید: روزت را با بدی و گناه آغاز کن. اگر انسان بعد از بیدار شدن دعای مخصوص بیدار شدن:

(الحمد لله الذي احيا نفسي بعد ما اماتها و لم يمتها منامها، الحمد لله الذي يمسك التي قضى عليها الموت و يرسل الأخرى إلى أجل مسمى، .. الخ) را بخواند، فرشته شیطان را می راند و در طول روز او را حفاظت می کند.

یعنی: خداوند را سپاس می گویم که مرا بعد از مردن (خواب) زنده کرد، و مرا در خواب مرگ نداد. خداوند را سپاس که آن کس را که اجلس فرا رسیده، و کسی را که اجلس فرا نرسیده تا وقت اجل مهلت می دهد. سپس خدا را سپاس می گویم که زمین و آسمان را نگه داشته، اگر زمین و آسمان از جای خود حرکت کنند، جز خداوند هیچ کس آنها را نمی تواند نگاه دارد. خدا را سپاس بخاطر اینکه آسمان را از افتادن بر زمین نگاه می دارد.

بعد از این دعا، شیطان را طرد می کند، و از آن انسان محافظت می کند.

محقق کتاب «الوابل الصیب» در تعلیق بر این حدیث گفته: «ابن حبان این روایت را با معنی نقل کرده، به شماره ۲۳۶۲ موارد» امام حاکم آن را در (۵۴۸/۱) روایت کرده، و آن را صحیح دانسته، و امام ذهبی موافق اوست، و رجال آن موثوق است. همچنین هیشمی در مجمع الزوائد (۱۲۰/۱۰) آن را نقل کرده، و گفته: ابویعلی آن را روایت کرده، و رجال آن رجال صحیح است جز ابراهیم شامی که ثقه است.

(من (نویسنده) هم می گویم: نام این راوی ابراهیم بن حجاج شامی با سین بی نقطه درست است نه شامی).

این روایات ما را به انجام کارهای نیک و خیر که موجب اصلاح نفوس، و باعث نزدیک شدن به فرشته می شوند تشویق می کنند. زیرا نزدیک شدن به فرشتگان فوائد زیادی را برای ما به ارمغان دارد، همان گونه که حدیث: «رسول خدا ﷺ با سخاوت ترین انسان بود، و در رمضان و موقع دیدار جبرئیل بیش از هر

وقت سخاوتمندتر بود...» بیان گر تأثیر دیدار رسول خدا ﷺ با جبرئیل است که در ماه رمضان به منظور تعلیم قرآن نزد ایشان فرود می آمد.

۸- ثبت اعمال نیک و بد انسانها

فرشتگان موظف به حفظ اعمال نیک و بد انسانها هستند. آیه زیر به همین دسته از فرشتگان اشاره دارد، و می فرماید:

﴿وَلَنْ عَلَيْكُمْ لِحَفِظِينَ ﴿۱۰﴾ كِرَامًا كُنِينٍ ﴿۱۱﴾ يَعْمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ﴿۱۲﴾﴾^۱

یعنی: بدون شک نگاهبانانی بر شما گمارده شده‌اند. می‌دانند هرکاری را که می‌کنید. می‌دانند هرکاری را که می‌کنید.

خداوند بر هر انسانی دو فرشته‌ی حاضر را گماشته است. این دو فرشته هرگز از انسان جدا نمی‌شوند، و رفتار و اعمال انسان را نظارت می‌کنند، همانگونه که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ، وَحَنَّ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ﴿۱۶﴾﴾ اِذْ يَنْقَلِي

الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ﴿۱۷﴾ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴿۱۸﴾﴾^۲

یعنی: ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که به خاطرش چه می‌گذرد و چه اندیشه‌ای در سر دارد، و ما از شاه‌رگ گردن بدو نزدیک‌تریم. بدانگاه که دو فرشته‌ای که در سمت راست و در طرف چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دریافت می‌دارند. انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌راند مگر این که فرشته‌ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است.

واژه‌ی «قَعِيدٌ» به معنی به کمین نشسته، و «رَقِيبٌ عَتِيدٌ» به معنی مراقب و آماده برای انجام وظیفه، و نوشتن حتی یک کلمه را رها نمی‌سازند.

۱- انفطار: ۱۰-۱۲

۲- ق: ۱۶-۱۸

از ظاهر امر چنین بر می آید که فرشتگان گماشته شده بر انسان، هر سخن و رفتاری را که از انسان سر می زند می نویسند. هیچ چیزی را رها نمی سازند. خداوند می فرماید: «مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ» هر سخنی که از زبان بیرون بیاید. بنا بر همین اساس، انسان روز قیامت پرونده‌ی خود را می بیند که حاوی هر عملی است که از او صادر شده است. لذا کفّار وقتی در روز قیامت اعمال خود را می بینند می گویند:

﴿يَوَيْلُنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا﴾^۱

یعنی: می گویند: ای وای بر ما! این چه کتابی است که هیچ عمل کوچک و بزرگی را رها نکرده است و همه را برشمرده است و (به ثبت و ضبط آن مبادرت ورزیده است. و بدین وسیله) آنچه را که کرده‌اند حاضر و آماده می بینند. و پروردگار تو به کسی ظلم نمی کند.

و المسند امام احمد از بلال بن حارث مزنی رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ الرَّجُلَ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مِنْ رِضْوَانِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، يَكْتُبُ اللَّهُ لَهُ بِهَا رِضْوَانَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ، وَإِنَّ الرَّجُلَ لِيَتَكَلَّمَ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، يَكْتُبُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا سَخَطَهُ إِلَى يَوْمِ يَلْقَاهُ»^۲

یعنی: گاهی انسان یک کلمه را به خاطر رضای خدا بر زبان می آورد، و هرگز تصوّر نمی کند به چه مقام و جایگاهی نایل می گردد، ولی این کلمه موجب می شود که خدا رضایت و خشنودی خود را تا روز ملاقات و دیدار برایش بنویسد، و گاهی یک کلمه را در ناخشنودی خدا بر زبان می آورد، گمان نمی کند به چنین فرجام بدی برسد، خدا ناخشنودی و خشم خود را تا روز ملاقات برایش می نویسد.

۱- کهف: ۴۹

۲- ترمذی و نسائی و ابن ماجه روایت کرده‌اند و ترمذی گفته حسن صحیح است.

علقمه (یکی از راویان) می‌گوید: حدیث بلال موجب شد که از گفتن چندین سخن خودداری کنم.

و در صحیح بخاری از ابی هریره رضی الله عنه روایت است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: انسان سخنی از سخنان مورد رضایت پروردگار می‌گوید، لکن آن را اهمیت نمی‌دهد و ارزشی برای آن قائل نمی‌شود. اما خداوند در اثر همین سخن، رتبه‌ی او را می‌افزاید، و انسان سخنی که مورد ناخشنودی پروردگار است، می‌گوید و به گناه بودن آن توجه ندارد. یعنی آن را گناه تلقی نمی‌کند. اما همین سخن، او را به قعر دوزخ می‌اندازد.^۱

ابن کثیر در تفسیر خود از حسن بصری نقل کرده که او پس از تلاوت آیه: ﴿عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ﴾ فرمود: ای فرزند آدم، نامه اعمالی برای تو مشخص شده است، دو فرشته گرامی بر تو گماشته شده است. یکی در سمت راست تو و دیگری در سمت چپ قرار دارد. آنکه در سمت راست قرار دارد، اعمال نیک را ثبت می‌کند، و فرشته‌ی سمت چپ مراقب اعمال بد است. هر چه می‌خواهی بکن، از کم و زیاد، وقتی بمیری این پرونده جمع می‌گردد و در گردن تو آویخته شده و در قبر همراه تو است تا وقتی که روز قیامت از قبر بیرون بیایی. خداوند می‌فرماید:

﴿وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنْشُورًا﴾ (۱۳)
 ﴿أَقْرَأَ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا﴾ (۱۴)

یعنی: ما اعمال هرکسی را (همچون گردن‌بند) به گردنش آویخته‌ایم (و او را گروگان کردار و عهده‌دار رفتارش ساخته‌ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می‌آوریم که گشوده به (دست) او می‌رسد. (در آن روز بدو گفته می‌شود: کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی.

۱- بخاری: ۲۸۰/۱۱ شماره: ۶۴۷۸.

۲- اسراء: ۱۳-۱۴.

حسن بصری رحمته الله فرمود: بخدا سوگند عدالت پیشه است کسی که تو را مورد محاسبه قرار می دهد.

ابن کثیر از ابن عباس رضی الله عنهما در مورد تفسیر ﴿ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ﴾ نقل کرده که گفت: هر آنچه را که انسان بر زبان آورد و بگوید، فرشته می نویسد حتی این که می گوید: (خوردم، و نوشیدم، رفتم، آمدم، دیدم و ..) را نیز می نویسد. و روزهای پنجشنبه قول و عمل انسان توسط فرشته به پیشگاه خداوند عرضه می گردد. آنچه از خیر و شر وجود دارد ثبت و بقیه انداخته می شوند، و آیهی زیر به همین نکته اشاره دارد که می فرماید: ﴿ يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُومٌ

الْكِتَابِ ﴿ ۳۹ ﴾

یعنی: خداوند هرچه را که بخواهد از میان برمی دارد، و هرچه را برجای می دارد و (جایگزین می سازد. و همه اینها) در علم خدا ثابت و مقرر است. ابن کثیر نقل کرده که امام احمد در هنگام بیماری خود ناله بر زبان می آورد. بعد از طریق طاووس مطلع شد که فرشته همه سخنان، حتی فریاد و ناله را نیز می نویسد، دیگر تا لحظه‌ی مرگ فریادی بر زبان نمی آورد. رحمت واسع خدا بر او باد.

۹- فرشته‌ی راست نیکبها، و فرشته‌ی چپ بدبها را می نویسد

در معجم طبرانی کبیر با (سند حسن) از ابی امامه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فرشته‌ی سمت چپ شش ساعت قلم را از نوشتن اعمال انسان خطاکار نگاه می دارد، اگر انسان خطاکار در این مدت پشیمان شده و از خداوند آمرزش طلب کرد، فرشته آنها را می اندازد، و در غیر این صورت یک بدی در نامه‌ی اعمال او می نویسد.

آیا فرشتگان، اعمال دلها را نیز می نویسند؟

شارح عقیده‌ی طحاویه با استدلال به آیه‌ی ﴿يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ می‌گوید: فرشتگان اعمال قلب‌ها را نیز می‌نویسند، و آیه شامل افعال ظاهر و باطن است. همچنین به حدیث صحیح متفق علیه استدلال کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند می‌فرماید: هرگاه بنده‌ی من قصد انجام کار بدی کرد، اگر آن را انجام داد یک بدی برایش ثبت کنید، و اگر قصد انجام عمل نیکی کرد، (تنها به قصد انجام آن) یک نیکی برایش بنویسید، اگر آن را عملی کرد، ده برابر آن را برایش بنویسید.^۱ در حدیثی دیگر از بخاری و مسلم به روایت ابی هریره رضی الله عنه چنین آمده است: رسول خدا ﷺ فرمود: فرشته می‌گوید: پروردگارا! این بنده‌ی تو است. قصد انجام عمل بد را دارد. (خداوند بهتر می‌داند و نیازی به گفتن فرشته ندارد). خداوند می‌فرماید: او را مهلت بدهید، اگر اراده‌اش را عملی کرد، یک بدی مساوی با آن بنویسید و اگر آن را ترک نمود، عمل نیکی برایش بنویسید، زیرا آن را بخاطر خشنودی من ترک کرده است.^۲

یک اشکال و جواب آن

آیا علم فرشتگان نسبت به اراده و نیت انسان با این گفته‌ی خداوند:

﴿يَعْلَمُ حَايَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ﴾^۳. یعنی: خداوند از دزدانه نگاه کردن چشمها و از رازی که سینه‌ها در خود پنهان می‌دارند، آگاه است. متضاد و متناقض نیست؟

جواب: خیر. زیرا این از ویژگیهای علم خداوند نیست، و اسرار پنهان در دلها اگرچه از انسانها پنهان و پوشیده هستند، هیچ کس نمی‌داند که در سینه‌ی برادرش چه نیتی نهفته است. ولی این امر مستلزم این نیست که از فرشتگان نیز نهفته باشد.

۱- مسلم: ۱۱۷/۱ شماره: ۱۲۸.

۲- مسلم: ۱۱۷/۱ شماره: ۱۲۹ و بخاری: ۴۶۵/۱۳ شماره: ۷۵۰۱.

۳- غافر: ۱۹.

حتی بعضی می‌گویند: فرشتگان از بعضی اسرار نهفته در دلها خبر دارند که همان اراده و قصد است، البته، در مورد بقیه‌ی اموری همچون عقائد، دلیلی بر اینکه فرشتگان آن را بدانند وجود ندارد.

۱۰- دعوت بندگان برای انجام اعمال نیکو

در بخاری و مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر روز که انسانها صبح می‌کنند، دو فرشته از آسمان فرود می‌آیند، یکی می‌گوید: «اللهم أعط منفقاً خلفاً، وأعط ممسكاً تلفاً» یعنی: پروردگارا هرکس برای خشنودی تو انفاق کند، معاوضه‌اش را بده و دیگری می‌گوید: پروردگارا هرکس از انفاق در راه تو (در مصارف خیر) خودداری کند، مالش را ضایع بگردان.^۱

ابن حجر در شرح این حدیث روایت دیگری از ابو درداء را نقل کرده که در آن آمده است:

«ما من يوم طلعت شمسه إلا وكل بجنبتها ملكان ینادیان نداء یسمعه خلق الله کلهم إلا الثقلین: یا أیها الناس هلموا إلی ربکم إن ما قلّ وكفی خیر مما کثر وألھی، ولا آبت شمسه إلا وكل بجنبتها ملكان ینادیان نداء یسمعه خلق الله کلهم غیر الثقلین: اللهم أعط منفقاً خلفاً، وأعط ممسكاً تلفاً».

یعنی: هر روز که خورشید طلوع می‌کند، دو فرشته آواز و فریاد سر می‌دهند: ای مردم بسوی پروردگارتان بشتابید، رزق و روزی اندک و به مقدار کافی از اموال زیادی بهتر است، و نیز با غروب آفتاب دوباره آن دو فرشته ندا سر می‌دهند، و این صدا را جز انسان و جن همه مخلوقات خدا می‌شنوند، سپس می‌گویند: خدایا! پروردگارا! هرکس برای خشنودی تو انفاق کند، معاوضه‌اش را بده و.... تا آخر حدیث قبل.

۱۱- امتحان بنی آدم

خداوند بعضی از فرشتگان را برای امتحان و آزمایش بندگانش می‌فرستد. در صحیح بخاری از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می‌خواست سه نفر از بنی اسرائیل را امتحان کند. لذا فرشته‌ای بسوی آنان فرستاد. فرشته نزد یکی از آنان آمد که بیماری برص داشت آمد و گفت: تو چه چیزی را بیشتر دوست داری؟ مرد ابرص گفت: رنگ زیبا، و پوست زیبا و برطرف شدن آنچه که مردم در اثر آن از من دوری می‌کنند و نفرت دارند. فرشته بدن او را مسح کرد، و بیماری که مایه‌ی نفرت مردم بود بر طرف گردید. صورت زیبا و رنگ زیبا به او داده شد.

باز فرشته پرسید، چه مالی را بیشتر دوست داری؟ گفت: شتر. شتر حامله‌ای را که نزدیک به زایمان بود به او داده شد. به او گفته شد، خداوند این شتر را با برکت بگرداند و این شتر تو را مبارک باشد.

بعد فرشته نزد نفر دوم آمد که کچل بود از او پرسید: چه چیزی را بهتر دوست داری؟ گفت: موهای زیبا و برطرف شدن آنچه در من مایه نفرت مردم است. فرشته دست خود را بر سر او کشید، بیماریش برطرف گردید و موی بسیار زیبا به او داده شد، باز فرشته از او سؤال کرد: چه مالی را بهتر دوست داری؟ گفت: گاو، گاو را آبتن به او داده شد و فرشته برایش دعای برکت کرد که خداوند این گاو را برایش مبارک گرداند.

بعد نزد نفر سوم آمد که نابینا بود. از او پرسید: چه چیزی را بهتر دوست داری؟ گفت: این را که خداوند بینایی مرا برگرداند و مردم را با چشم خود بینم. فرشته دستش را بر روی چشمانش کشید و خداوند بینایی‌اش را برگرداند. سؤال کرد: چه مالی را بهتر می‌پسندی؟ گفت: گوسفند، گوسفندی که آبتن بود به او داده شد و برایش دعای برکت کرد.

این گاو، شتر و گوسفند زاد و ولد کردند، هر کدام دارای گله‌ی بزرگی از گاو، گوسفند و شتر شدند.

فرشته در شکل و صورت انسان مبتلا به بیماری برص نزد نفر اول آمد و گفت: انسان ناتوانی هستم و در این سفر تمام اموال و متاع را از دست داده‌ام، امروز جز خداوند چیزی ندارم. تو را به همان خدایی که صورت و رنگ زیبا و مال به تو داده، به حال زار من رحم کن، و شتری را به من بده که مرا به مقصد برساند. آن مرد گفت: مصرفم زیاد است. فرشته گفت: مثل اینکه تو را می‌شناسم، آیا تو جذام داری نبودی که مردم از تو نفرت می‌کردند؟ تو فقیر نبودی که خداوند به تو مال داده است؟ آن مرد گفت: خیر، کسی این مال را به من نداده است، این مال به صورت ارث از اجدادم به من رسیده است. فرشته گفت: اگر دروغ می‌گوئی، خداوند تو را به حالت اولت برگرداند.

سپس با قیافه و شکل انسان نزد مرد کچل رفت. و آنچه را که به مرد اول گفته بود با او در میان گذاشت، و همان پاسخ مرد اول را از او هم دریافت کرد. فرشته گفت: اگر دروغ می‌گوئی، خداوند تو را به حالت اولت برگرداند.

در پایان نزد نابینا رفت و گفت: انسان مسافری هستم و در راه سفر گرفتار و بی بضاعت مانده‌ام و نمی‌توانم به محل سکونت برگردم. تو را خدایی که بینایی را به تو برگرداند یک گوسفند به من بده. گفت: از این گله گوسفند هر اندازه که لازم داری بردار، و به خدا سوگند اگر تمام گوسفندان را برداری، جلو تو را نمی‌گیرم. فرشته گفت: مال خودت مبارکت باد. خداوند خواست شما را امتحان کند، بی تردید خداوند از تو خشنود است و از دو رفیق دیگر تو ناخشنود و خشمگین است.^۱

۱۲- قبض ارواح انسان موقع فرا رسیدن اجل

خداوند بعضی فرشتگان را برای قبض ارواح بندگان اختصاص داده است. خداوند در این مورد می‌فرماید:

﴿ قُلْ يَنفِقَنَّهُمْ مَلَكَ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴾^۱

بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است، به سراغتان می‌آید و جان شما را می‌گیرد، سپس به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید. فرشتگان قبض ارواح انسانها بیش از یک فرشته هستند، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٦٠﴾ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ ۗ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفِرُّونَ ﴿٦١﴾ ﴾^۲

یعنی: خدا است که در شب شما را می‌میراند و در روز شما را برمی‌انگیزاند و او می‌داند که در روز (که زمان عمده جنب و جوش و تلاش و کوشش است) چه می‌کنید و چه فراچنگ می‌آورید (و این مرگ و زندگی خواب و بیداری نام، پیوسته ادامه دارد) تا مهلت معین (زندگی هرکس با فرا رسیدن مرگ او) بسر آید. سپس (در روز رستاخیز همگان) به سوی خدا برمی‌گردید و آن گاه شما را بدانچه (از خوب و بد در دنیا) می‌کردید باخبر می‌گرداند.

خداوند بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می‌فرستد و می‌گمارد (و آنان به کار خود با دقت تمام تا دم مرگ یکایک شما، مشغول می‌گردند) و چون مرگ یکی از شما فرا رسید، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می‌آیند و) جان او را می‌گیرند، و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچ کدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی‌کنند.

فرشتگان ارواح کفار و مشرکین را با شدت و خشونت تمام قبض می‌کنند، و هیچگونه نرمش و مهربانی نسبت به آنها از خود نشان نمی‌دهند، و قرآن می‌فرماید:

۱- سجده: ۱۱

۲- انعام: ۶۰-۶۱

﴿ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ ﴿٩٣﴾ ١

یعنی: اگر ستمکاران را ببینی در آن هنگام که در شدائد مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دستهای خود را (به سوی آنان) دراز کرده‌اند خویشتن را برهانید. این زمان به سبب دروغهائی که بر خدا می‌بستید و از (پذیرش) آیات او سرپیچی می‌کردید، عذاب خوارکننده‌ای می‌بینید.

و می‌فرماید: ﴿ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَاهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾ ٢

یعنی: اگر ببینی (ای پیغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابی را که به کافران دست می‌دهد) بدانگاه که فرشتگان جان کافران را می‌گیرند و سر و صورت و پشت و روی آنان را (از هر سو) می‌زنند و (بدیشان می‌گویند): عذاب سوزان (اعمال بد خود) را بچشید.

و فرمود: ﴿ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَرَاهُمْ ﴿٢٧﴾ ٣

یعنی: حال آنان چگونه خواهد بود بدان هنگام که فرشتگان مأمور قبض ارواح به سراغشان می‌آیند و چهره‌ها و پشتها (و سایر اندامهای) ایشان را به زیر ضربات خود می‌گیرند؟! اما ارواح مؤمنان را با مهربانی در می‌آورند.

۱۳- مژده و بشارت به مؤمنان وقت مرگ

وقتی اجل و مرگ مؤمن فرا رسید، فرشتگان بر وی فرود می‌آیند، و او را بشارت می‌دهند و موجب استواری او می‌شوند، خداوند می‌فرماید:

۱- انعام: ۹۳

۲- انفال: ۵۰

۳- محمد: ۲۷

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا نَشْتَهُى أَنفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدْعُونَ ﴿٣١﴾﴾

یعنی: کسانی که می‌گویند: پروردگار ما تنها خدا است، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می‌ایستند، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می‌دهند، و بر این راستای خداپرستی تا زنده‌اند) پابرجا و ماندگار می‌مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می‌آیند (و بدانان مژده می‌دهند) که ترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می‌شد.

(و فرشتگان بدیشان خبر می‌دهند که) ما یاران و یاوران شما در زندگی دنیا و در آخرت هستیم، و در آخرت برای شما هرچه آرزو کنید هست، و هرچه بخواهید برایتان فراهم است.

همچنین فرشتگان به کفار مژده‌ی دوزخ و خشم خداوند جبار را می‌دهند و

به آنها می‌گویند: ﴿أَخْرِجُوا أَنفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ﴾

یعنی در آن هنگام که در شدائد مرگ فرو رفته‌اند و فرشتگان دستهای خود را (به سوی آنان) دراز کرده‌اند (و بر بناگوششان تپانچه و بر پشتشان تازیانه می‌زنند و بدیشان می‌گویند: اگر می‌توانید از این عذاب الهی) خویشان را برهانید.

(موسی عليه السلام چشم فرشته‌ی مرگ را بیرون می‌آورد)

امام بخاری و مسلم در صحیح خود از ابی هریره رضی الله عنه نقل می‌کنند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «جاء ملك الموت إلى موسى فقال له: أجب أمر ربك فلطم موسى عين ملك الموت ففقاها فقال ملك الموت: يا رب إنك أرسلني إلى عبد لا يريد الموت وقد فقا عيني قال: فرد الله عينه وقال: ارجع إلى عبدي وقل له: الحياة تريد؟ فإن كنت تريد

الحياة فضع يدك على متن ثور فما وارت يدك من شعرة فإنك تعيش بها سنة قال: ثم مه قال: ثم تموت قال: الآن من قريب؟» یعنی: فرشته‌ی مرگ نزد حضرت موسی علیه السلام آمد و گفت: به ندای پروردگارت لبیک بگو. موسی علیه السلام سیلی بر وی زد و چشم او را بیرون آورد. فرشته‌ی مرگ نزد خداوند برگشت و گفت: پروردگارا تو مرا نزد بنده‌ای فرستاده‌ای که نمی‌خواهد بمیرد و مرا سیلی زد و چشمم را بیرون آورد. خداوند چشم فرشته را بحالت اول برگرداند و به او فرمود: دوباره نزد بنده‌ی من برو و به او بگو، اگر تو می‌خواهی زنده بمانی، دستت را روی پشت گاوی بگذار، به تعداد هر تار مو که زیر دستت قرار گیرد، یک سال عمر به تو داده می‌شود. موسی علیه السلام گفت: بعد چه می‌شود؟ فرمود: می‌میری. موسی علیه السلام فرمود: پس بهتر است همین الآن بمیرم.

فرشته‌ی مرگ در شکل و صورت یک انسان نزد موسی علیه السلام آمد، همانگونه که در روایت صحیح مسند ذکر شده، و به این علت موسی چنین عکس العملی از خود نشان داد، چون پیامبران قبل از گرفتن ارواحشان در بین انتخاب دنیا و آنچه نزد خداست مخیر می‌شدند.

ابن حجر عسقلانی می‌فرماید: بعضی اهل بدعت به بهانه‌ی اینکه عقلشان نمی‌پذیرد، این حدیث را انکار کرده‌اند، ولی فراموش کرده‌اند که نخستین و بارزترین صفات اهل تقوا و پرهیزگاری ایمان به غیب است، همانگونه که در ابتدای سوره‌ی بقره آمده است، پس وقتی خبر راست از خدا و پیامبر نقل شد جز تصدیق و پذیرفتن راهی ندارند همانگونه که خداوند متعال فرموده:

﴿وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ ءَامَنَّا بِهِ ۗ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٧﴾﴾

یعنی: راسخان (و ثابت‌قدمان) در دانش هستند. (این چنین وارستگان و فرزانه‌گانی) می‌گویند: ما به همه آنها ایمان داریم (و در پرتو دانش می‌دانیم که محکمت و متشابهات) همه از سوی خدای ما است. و (این را) جز صاحبان عقل (سلیمی که از هوی و هوس فرمان نمی‌برند، نمی‌دانند و) متذکر نمی‌شوند.

و در باره‌ی این حدیث گفته‌اند: موسی فرشته‌ی مرگ را سیلی زده چون به شکل انسان به خانه‌ی او رفته، و هرکس بدون اجازه وارد منزل مسلمان شود، شریعت بیرون آوردن چشم او را جایز قرار داده است. همانگونه که فرشتگان نزد ابراهیم عليه السلام و لوط آمده‌اند و ابتدا آنها را نشناخته‌اند، چون اگر ابراهیم عليه السلام آنان را می شناخت برایشان گوساله ذبح نمی کرد و غذا نمی آورد. و اگر لوط آنان را می شناخت، از تجاوز قوم خود نسبت به آنان احساس وحشت نمی کرد.^۱

۱۴- ارتباط فرشتگان با بندگان در قبر و محشر

در مبحث ایمان به روز قیامت انشاءالله خواهید دید که بعد از مرگ انسانها فرشتگان چه ارتباطی با انسان دارند، و در قبر چگونه فرشته های منکر و نکیر او را مورد سؤال قرار می دهند. بعضی از فرشتگان انسانها را در قبر خوشحال می کنند. و بعضی دیگر مجرمان و کافران را عذاب می دهند. فرشتگان علاوه بر انجام اموری که بیان گردید، روز قیامت از مسلمانان استقبال می کنند. اسرافیل در صور می دمدم و مردمان را برای حساب در محشر جمع می کند. اهل دوزخ را به دوزخ، و اهل بهشت را به بهشت سوق می دهند، و در دوزخ اهل دوزخ را عذاب می دهند و در بهشت به اهل آن سلام می گویند.

فرشتگان و مؤمنان

نقش فرشتگان در قبال مؤمنان

در مبحث گذشته از نقش فرشتگان در ارتباط با تمام فرزندان آدم، مؤمن و کافر سخن گفتیم. آنچه از وظایف فرشتگان مانند: شکل دادن نطفه، حراست از بندگان، تبلیغ وحی، مراقبت از بندگان، نوشتن و ثبت اعمال و قبض ارواح، اختصاص به کافر یا مؤمن نداشت.

علاوه بر این، فرشتگان نقش‌های گوناگونی در ارتباط با مؤمنان و کافران دارند. در اینجا نقش آنان را با هر دو گروه مؤمن و کافر را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم، و توضیحات لازم را تقدیم می‌داریم.

۱- محبت و دوست داشتن مؤمنان

بخاری و مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «**إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا، نَادَى جِبْرِيلَ: إِنِّي أَحَبُّ فُلَانًا فَأَحِبَّهُ، فَيَحِبُّهُ جِبْرِيلُ، ثُمَّ يَنَادِي فِي أَهْلِ السَّمَاءِ: إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبُّوهُ، فَيَحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ، ثُمَّ يُوَضِّعُ لَهُ الْقَبُولَ فِي الْأَرْضِ**»
یعنی: هرگاه خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد، به جبرئیل می‌فرماید: خداوند فلان بنده را دوست دارد و تو نیز ای جبرئیل او را دوست بدار. جبرئیل نیز او را دوست می‌دارد و در میان تمام اهل آسمان صدا می‌زند: خداوند فلانی را دوست دارد، شما نیز او را دوست بدارید. آنگاه اهل آسمان نیز با وی محبت خواهند کرد و بعد مقبولیت و محبت او در دل اهل زمین انداخته می‌شود.

۲- تائید و راهنمایی مؤمن

امام ترمذی و ابن ماجه روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «**مَنْ سَأَلَ الْقَضَاءَ وَاسْتَعَانَ عَلَيْهِ وَكَلَّ إِلَيْهِ، وَمَنْ لَمْ يَسْأَلْهُ وَلَمْ يَسْتَعِنْ عَلَيْهِ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَلَكًا يَسُدُّهُ**»
یعنی: هرکس درخواست مقام قضاوت کند، به خود واگذار می‌شود، و هرکس ناچار به پذیرش آن مقام شود، خداوند متعال فرشته‌ای را بر او فرود می‌آورد و او را به مسیر درست راهنمایی می‌کند.

اما در مورد چگونگی این راهنمایی خداوند متعال بهتر می‌داند.

و در همین رابطه امام بخاری در صحیح خود از ابوهریره رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود حضرت سلیمان علیه السلام گفت: امشب با صد نفر از همسرانم همبستر می‌شوم، و از هر خانمی جوانی متولد می‌شود و با دشمنان خداوند جهاد می‌کند. فرشته به او گفت: بگو «ان شاء الله» اما از سر فراموشی «انشاء الله» را نگفت. عمل مقاربت را انجام داد و تنها از یک خانم بچه‌ی ناقصی متولد شد.

رسول خدا ﷺ فرمود: اگر حضرت سلیمان انشاءالله را می‌گفت: قسمش شکسته نمی‌شد و آرزویش بهتر برآورده می‌شد.^۱

آری، فرشته پیام‌آور خدا حضرت سلیمان را به راه درست و بهتر راهنمایی کرد.

و نیز بخاری از حسان بن ثابت رضی الله عنه نقل کرده که گفت: رسول خدا ﷺ برای حسان دعا کرد و فرمود: پروردگارا! حسان را بوسیله جبرئیل (روح القدس) مؤید بگردان.^۲

۳- درود و دعا برای مؤمن

خداوند به ما خبر داده است که فرشتگان به رسول خدا ﷺ درود می‌گویند:

﴿ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا ﴾^۳

یعنی: خداوند و فرشتگانش بر پیغمبر درود می‌فرستند، ای مؤمنان! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگوئید.

همچنین برای مؤمنان دعای کند و درود می‌فرستند:

﴿ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا ﴾^۴

یعنی: او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می‌کند، و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش می‌نمایند، تا یزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعای فرشتگان) شما را از تاریکیهای (کفر و ضلالت) بیرون آورد و به نور (ایمان و هدایت) برساند. چرا که او پیوسته نسبت به مؤمنان مهربان بوده است.

۱- بخاری: ۳۳۹/۹ شماره: ۵۲۲۴.

۲- صحیح بخاری: ۳۰۴/۶.

۳- احزاب: ۵۶.

۴- احزاب: ۴۳.

امام بخاری به نقل از ابوالعالیه گفته: « درود از جانب خداوند ستایش بنده است نزد فرشتگان»، و غیر او گفته‌اند: درود از جانب خدا رحمت است، و نیز گفته‌اند: هیچ تضادی بین این دو مقوله نیست. اما درود فرشتگان دعا و طلب عفو و مغفرت است، که ذکر آن بعداً خواهد آمد.

چند نمونه از کارهایی که فرشتگان برای صاحبانش دعا می‌کنند

۱- آموزنده‌ی عمل نیک به مردم

امام طبرانی و ترمذی با سند صحیح از ابی امامه روایت می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرمود: « خداوند و فرشتگان او، و اهل آسمانها و زمین و حتی مورچه‌ها در لانه‌های خود، و ماهی‌ها در دریا درود می‌فرستند (دعای مغفرت می‌کنند) برای کسی که خیر و نیکی را به مردم یاد می‌دهند.^۱

۲- کسانی که برای نماز به مساجد می‌روند

در صحیح مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: مادام که شما در مجلس نماز هستید و برای جماعت انتظار می‌کشید، فرشتگان برای شما درود می‌فرستند و دعای مغفرت می‌کنند و می‌گویند: خدایا او را مورد مغفرت و رحمت قرار بده.^۲

۳- بر کسانی که در صف اول نماز می‌خوانند

در سنن ابو داود و ابن ماجه و مسند امام احمد از براء بن عازب رضی الله عنه آمده است که رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند و فرشتگان او برای کسانی که در صف اول نماز هستند درود می‌فرستند.^۳

۱- ترمذی: ۳۴۳/۲ شماره: ۲۱۶۱. و صحیح الجامع: ۱۳۳/۲

۲- مسلم: ۴۵۹/۱ شماره: ۶۴۹.

۳- سنن ابی داود: ۱۳۰/۱ شماره: ۶۱۸.

و در سنن نسائی بجای صف اول صف مقدم آمده است.

۴- کسانی که بعد از نماز در محل نماز می مانند

ابوداود در سنن خود، و نسائی با سند صحیح از ابوهریره روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «فرشتگان برای هر کدام از شما درود می فرستند و دعای مغفرت می کنند تا وقتی که در محل نماز می مانید، مادامی که وضویش باطل نشود یا از آنجا برنخیزد».^۱

۵- برای کسانی که فاصله‌ی میان صف نماز را پر می کنند

در سنن ابن ماجه و مسند احمد و مستدرک حاکم با سند حسن از عایشه رضی الله عنها روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند و فرشتگان او درود می فرستند برای کسانی که صفوف نماز جماعت را به هم وصل می کنند، و هرکس فرجه‌ای را پر کند، خداوند مقام او را یک درجه بالا می برد».

۶- برای کسانی که سحرخیزند

در صحیح ابن حبان و معجم طبرانی اوسط با سند حسن از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند و فرشتگانش برای سحرخیزان درود می فرستند».^۲

۷- برای کسانی که بر پیامبر ﷺ درود می فرستند

امام احمد در مسند خود و ضیاء در مختاره با سند حسن از عامر بن ربیع روایت می کنند که رسول خدا ﷺ فرمود: «هر مؤمنی که برای من درود و صلوات بفرستد،

۱- صحیح الجامع: ۲۱/۶

۲- صحیح الجامع: ۱۳۵/۲

مادام که در حال فرستادن درود است، فرشتگان بر او درود می فرستند (یعنی دعای مغفرت می کنند) بنده اختیار دارد، زیاد درود بخواند یا کم.^۱

۱- برای کسانی که بیماران را عیادت می کنند

ابن حبان در صحیح خود با سند صحیح از علی بن ابی طالب رضی الله عنه نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « هر مسلمانی که در وقت روز، بیماری را عیادت کند، خداند در طول آن روز هفتاد هزار فرشته را برای درود و صلوات فرستادن بر او بر می گزیند، و اگر شب به عیادت برود در تمام مدت شب تا صبح برایش درود می فرستند و دعا می کنند».^۲

و در روایت ابوداود و حاکم آمده است: «هر مردی شامگاه بیماری را عیادت کند هفتاد هزار فرشته همراه او خارج می شوند برایش طلب مغفرت می کنند تا صبح، و کسی که صبحگاه به عیادت بیمار برود تا شب هفتاد هزار فرشته با او خارج می شوند و برایش طلب مغفرت می کنند».

(آیا درود فرشتگان برای ما تاثیری دارد؟)

خداوند می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾^۳

یعنی: او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می کند، و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش می نمایند، تا یزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعای فرشتگان) شما را از تاریکیهای (کفر و ضلالت) بیرون آورد و به نور (ایمان و هدایت) برساند.

۱- صحیح الجامع: ۱۷۴/۵.

۲- ابی داود: ۵۹۸/۲ شماره ۲۶۴۵. صحیح الجامع: ۱۵۹/۵

۳- احزاب: ۴۳

مفهوم این آیه چنین می‌رساند که ذکر ما از جانب خداوند متعال در میان ساکنان آسمان، و دعای فرشتگان برای مؤمنان، و طلب بخشش و مغفرت از خدا برای ایشان، نقش بسیار ارزنده و مثبتی در هدایت و نجات مؤمنان از تاریکیهای کفر و شرک و گناه و نافرمانی دارد. و موجب می‌شود که راه درست را تشخیص دهیم، و بر حسب مراد و خواسته‌ی خدا عمل کنیم و به آن نور و روشنی نائل گردیم که کردار و گفتار ما را در مسیر درست هدایت می‌کند.

۹- آمین گفتن برای دعای مؤمنان

فرشتگان موقع دعا گفتن مؤمنان آمین می‌گویند و این امر بیشتر موجب اجابت دعا می‌گردد. در سنن ابن ماجه از ابی‌درداء روایت است که رسول‌خدا ﷺ فرمود: «دعاء المؤمن المسلم مستجاب لأخيه بظهر الغيب عند رأسه ملك يؤمن على دعائه، كلما دعا لأخيه بخير قال: آمين ولك بمثله»

یعنی: دعای غائبانه مسلمان در حق برادر مسلمانش مقبول است. فرشته‌ای همراه مؤمن است، هرگاه مؤمن برای برادر مسلمانش غائبانه دعا کند، فرشته می‌گوید: آمین و برای تو نیز چنین شود.^۱

وقتی که دعای فرشته آمین گوینده موجب اجابت دعای مؤمن است، نباید مسلمان علیه خود دعای شر کند. در صحیح مسلم از ام سلمه رضی الله عنها روایت است که رسول‌خدا ﷺ فرمود: «علیه خود دعای بد نکنید، و همواره در حق خود طلب خیر کنید، زیرا فرشتگان بر دعاهاى شما آمین می‌گویند»^۲.

۱۰- استغفار برای مؤمنان

خداوند متعال ما مطلع ساخته که فرشتگان برای اهل زمین استغفار و طلب عفو می‌کنند، آنجا که می‌فرماید:

۱- صحیح مسلم: ۲۰۹۴/۴ شماره: ۲۷۳۳. و سنن ابن ماجه: ۱۴۹/۲ شماره: ۲۳۴۰.

۲- مسلم: ۶۳۴/۲ شماره: ۹۲۰.

﴿ تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَنْفَطِرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ

لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ أَلَّهَ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾ ۱

یعنی: آسمانها (با همه عظمتی که دارند) نزدیک است (در برابر جلالت و عظمت او کرنش کنان) از بالا درهم بشکافند. و فرشتگان (با همه قدرتی که دارند دائماً) به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغول و برای کسانی که در زمین هستند درخواست آمرزش می‌کنند. هان! (ای انسان غافل از اطاعت آسمانها و افلاک و عبادت فرشتگان پاک! بدان که) یزدان آمرزگار و مهربان است.

و در سوره غافر بیان فرموده که حاملین عرش خداوند، و فرشتگان اطراف عرش، پروردگارشان را به پاکی یاد می‌کنند، و خاضعانه برای مؤمنان توبه کننده دعای مغفرت می‌کنند و از خداوند می‌خواهند تا مؤمنان را از دوزخ نجات دهد، و آنان را وارد بهشت کند و از ارتکاب گناه و معاصی، آنان را باز دارد، آنجا که می‌فرماید:

﴿ الَّذِينَ يَمْلِكُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ، وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا

رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْحَجِيمِ

﴿٧﴾ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ

وَدُرِّيَّتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٨﴾ وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ

فَقَدْ رَحِمْتَهُ، وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٩﴾ ۲

یعنی: آنان که بردارندگان عرش خداوند و آنان که گرداگرد آنها به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می‌کنند (و می‌گویند): پروردگارا! مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است، پس در گذر از کسانی که (از گناهان دست می‌کشند و به طاعات و عبادات

۱- شوری: ۵

۲- غافر: ۷-۹

می‌پردازند، و از راههای انحرافی دوری می‌گزینند و به راستای راهت) برمی‌گردند و راه تو را در پیش می‌گیرند، و آنان را از عذاب دوزخ مصون و محفوظ فرما. پروردگارا! آنان را به باغهای همیشه ماندگار بهشتی داخل گردان که بدیشان (توسط پیغمبران) وعده داده‌ای، همراه با پدران خوب و همسران شایسته و فرزندان بایسته ایشان. قطعاً تو (بر هر چیزی) چیره و توانا و (در هر کاری) دارای فلسفه و حکمت هستی. و آنان را از بدیها نگاهدار، و تو هر که را در آن روز از کیفر بدیها نگاهداری، واقعاً بدو رحم کرده‌ای (و مورد الطاف خود قرار داده‌ای) و آن مسلماً رستگاری بزرگ و نیل به مقصود سترگی است.

۱۱- حضور در مجالس علم و ذکر و زیر پرگرفتن آنان

در صحیح بخاری و مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ تَعَالَى مَلَائِكَةً يَطُوفُونَ فِي الطُّرُقِ يَلْتَمِسُونَ أَهْلَ الذِّكْرِ، فَإِذَا وَجَدُوا قَوْمًا يَذْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، تَنَادَوْا: هَلُمُّوا إِلَيْنَا حَاجَتِكُمْ، فَيَحْفُوهُمْ بِأَجْنِحَتِهِمْ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا...» یعنی: همانا خداوند فرشتگانی دارد که در حال گردش هستند، و کسانی را پیدا می‌کنند که مشغول ذکر خداوند هستند. هرگاه آنها را یافتند، همدیگر را صدا می‌کنند: بیایید بسوی هدفتان. آنگاه فرشتگان در جمع ذاکرین می‌آیند و تا آسمان دنیا آنان را زیر بال خود می‌گیرند.^۱

و در صحیح مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه چند نفر در یکی از خانه‌های خدا مشغول مدارسهی کتاب خدا و تعلیم و یادگیری آن باشند، آرامش بر آنان نازل می‌شود، و رحمت الهی آنان را احاطه می‌کند، و فرشتگان، اطرافشان را می‌گیرند و خداوند نزد ساکنان آسمان از آنها یاد می‌کند.

و در مسند احمد و سنن ابوداود روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود: «همانا فرشتگان بال خود را برای طالبان علم، فرش راه می‌کنند. یعنی فرشتگان در برابر کسانی در راه دین علم آموزی می‌کنند بسیار فروتن هستند.

بنابراین عمل صالح نیک - همانطور که می‌بینید - فرشتگان را به ما و ما را با فرشتگان نزدیک می‌کنند. و اگر بندگان همواره در حالت روحی و معنوی والا باشند، به درجه‌ای از کمال می‌رسند که فرشتگان را مشاهده و با آنها مصافحه کنند. همانگونه که بخاری و مسلم و غیره از انس رضی الله عنه روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر شما وقتی که از نزد من خارج می‌شوید بر هیمن حالت باقی بمانید، قطعاً در راههای مدینه با فرشتگان ملاقات و مصافحه می‌کنید»^۱.

و در سنن ترمذی به روایت ابوهریره رضی الله عنه با سند صحیح آمده است: «اگر شما همواره در حالتی بمانید که نزد من هستید، با دستهایتان با فرشتگان مصافحه و دست زدن خواهید کرد، و در منازل خودتان شما را ملاقات می‌کنند، و چنانچه مرتکب گناه نشوید، خداوند بجای شما قومی را جانشین می‌کند که گناه کند تا از آنها درگذرد»^۲.

۱۲- ثبت نام کسانی که در نماز جمعه شرکت می‌کنند

این دسته از فرشتگان بعضی از اعمال بندگان را ثبت می‌کنند و نام کسانی را که در مراسم نماز جمعه حاضر می‌شوند به ترتیب زمان ورود ثبت می‌کنند. از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «وقتی که روز جمعه فرا می‌رسد، بر در ورودی هرکدام از مساجد جمعه فرشته‌ای قرار دارد، و به ترتیب ورود نام افراد حاضر را ثبت می‌کنند، هرگاه امام برای خواندن خطبه نشست، پرورنده‌ها را جمع می‌کنند و برای شنیدن خطبه می‌نشینند»^۳.

۱- صحیح مسلم: ۲۱۰۶/۴ شماره: ۲۷۵۰. صحیح الجامع: ۵۹/۵

۲- صحیح الجامع: ۶۰/۵

۳- مشکاة المصابیح: ۴۳۶/۱ شماره: ۱۳۸۴.

همچنین گفته‌های صادر شده از بندگانی را ثبت می‌کنند. در صحیح بخاری و غیره از رفاعه بن رافع زرقی روایت است که گفت: روزی پشت سر رسول خدا ﷺ نماز می‌خواندیم، وقتی از رکوع بلند شد و سمع‌الله گفت، مردی پشت سر او گفت: (ربنا و لك الحمد، حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه) وقتی رسول خدا ﷺ نماز را تمام کرد، فرمود: «من المتكلم؟»: چه کسی بود اکنون این کلمات را گفت: آن مرد گفت: من بودم ای رسول خدا ﷺ. فرمود: «حدود سی و چند نفر فرشته را دیدم که برای نوشتن این کلمه مبادرت می‌کردند و از همدیگر سبقت می‌گرفتند». پس فرشتگان نویسنده علاوه از دو فرشته‌ای هستند که اعمال نیک و بد انسانها را می‌نویسند. زیرا تعداد اینها، سی و اندی ذکر شده است.

۱۳- فرشتگان به نوبت به میان انسانها می‌آیند

این فرشتگان که در راهها و معابر دور می‌زنند، و دنبال پیدا کردن مجالس ذکرند و در تجمع‌ها حضور پیدا می‌کنند، نوبت به نوبت نزد ما می‌آیند، دسته‌ای می‌آید و دسته‌ای دیگر می‌رود. و در نماز صبح و نماز عصر یک جا جمع می‌شوند. در صحیح بخاری و مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است: که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند فرشتگانی دارد که بصورت متناوب در میان شما رفت و آمد می‌کنند، گروهی مأمور شب، و گروهی مأمور روز هستند، و در نماز عصر و صبح با هم جمع می‌شوند. بعد آنهایی که شب با شما بودند، بسوی پروردگار برمی‌گردند، و پروردگار حال بندگانی را از آنان جویا می‌شود؟ جواب می‌دهند: در حال نماز آنان را رها کردیم. وقتی برگشتیم آنان را در حال نماز یافتیم».^۱

ممکن است این همان فرشته‌هایی باشند که اعمال بندگانی را به نزد پروردگار می‌برند. در صحیح مسلم از ابی موسی اشعری روایت است که رسول خدا ﷺ پنج نکته را برای ما بازگو کرد و فرمود: خداوند نمی‌خواهد و خواب برایش

۱- بخاری: ۳۰۶/۶ شماره: ۳۲۲۳. مسلم: ۴۳۹/۱ شماره: ۶۳۲.

شایسته نیست. میزان اعمال را بالا می برد و پایین نمی آورد. اعمال شب را قبل از رسیدن روز، و اعمال روز را پیش از فرا رسیدن شب نزد خداوند می برند. از این روی می بینیم که خداوند شأن و منزلت نماز فجر را بسیار بزرگ توصیف فرموده، زیرا فرشتگان در آن حضور می یابند، همانگونه که می فرماید:

﴿ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِ الشَّمْسِ إِلَيْكَ عَسَىٰ أَيْلٌ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ

مَشْهُودًا ﴿٧٨﴾

یعنی: نماز را چنان که باید بخوان به هنگام زوال آفتاب (از نصف النهار، که آغاز نماز ظهر است و امتداد آن وقت نماز عصر را نیز دربرمی گیرد) تا تاریکی شب، و نماز صبح را بخوان. بی گمان نماز صبح (توسط فرشتگان شب و فرشتگان روز) بازدید می گردد.

۱۴- وقت قرآن خواندن مؤمن فرشتگان نزد او فرود می آیند

دسته ای دیگر از فرشتگان موقع تلاوت قرآن از آسمان فرود می آیند. از ابوسعید خدری رضی الله عنه روایت است که در یکی از شبها که اُسید بن حضیر در خوابگاه گوسفندان و دامهای خود قرآن تلاوت کرد؛ اسبش به حرکت و جنب و جوش افتاد. اسید می گوید: می ترسیدم که پسر یحیی را زیر پا له کند. از خانه بیرون رفتم و خود را به اسب رساندم. دیدم که بالای سرم چیزی است شبیه ابر که چیزی شبیه چراغ در آن آویزان بود، که هرگز ندیده بودم. فردا خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و حادثه را به عرض ایشان رساندم. فرمود: « به همانصورت بخوان ای اباحضیر».

می گوید: شب بعد هم قرآن خواندم، سپس اسبم به چرخش و جنب و جوش پرداخت، باز هم عرض کردم، و همان پاسخ را داد و فرمود: بخوان ای اباحضیر، سپس خواندم و اسبم همچنان به هیجان افتاد. سپس منصرف شدم، چون بیم آن داشتم که پسر یحیی که از محل اسب نزدیک بود در زیر پای اسب له شود، دوباره چیزی شبیه ابر دیدم که چیزهایی همچون چراغ در آن بود و در فضا

آویخته بود که هرگز ندیده‌ام، رسول خدا ﷺ فرمود: «تلك الملائكة كانت تستمع لك، و لو قرأت لأصاحت يراها ما تستتر منهم». یعنی: آنها فرشته‌هایی بودند که به قرائت تو گوش می‌دادند، اگر به قرائت ادامه می‌دادی تا صبح گوش می‌دادند و مردم آنها را می‌دیدند که اکنون پنهان هستند. (روایت بخاری و مسلم).

و در صحیح مسلم از براء بن عازب روایت است: شخصی سوره‌ی كهف را تلاوت می‌کرد، در خانه او حیوانی بود که شروع به حرکت کرد و دست و پا می‌زد. معلوم شد که چیزی مانند مه یا ابر خانه را پوشانیده. آن شخص جریان را به عرض رسول خدا ﷺ رسانید. ایشان فرمود: ای فلان بخوان آنچه که صورت گرفت، سکینت و آرامش بود که موقع تلاوت قرآن، نازل می‌شد.^۱

۱۵- سلام امت را به پیامبر ﷺ می‌رسانند

امام احمد و نسائی از عبدالله بن مسعود رضی الله عنه نقل می‌کنند که رسول خدا ﷺ فرمود: «إنَّ لله ملائكة سياحين يبلغوني عن امتي السلام» یعنی: همانا خداوند فرشتگانی دارد که در زمین به گشت و گزار مشغول‌اند، سلام‌های امت را به من می‌رسانند.^۲

و در معجم طبرانی کبیر با سند حسن از عمار بن یاسر روایت کرده‌اند که رسول خدا ﷺ فرمود: «واقعاً خداوند متعال فرشته‌ای دارد که خداوند این قدرت را به او بخشیده صدای بندگان را بشنود، و هرکس بر من درود و صلوات بفرستد به من ابلاغ می‌کند، و من از خداوند درخواست کرده‌ام در مقابل هر صلوات و درودی بر من فرستاد ده برابرش به آنها درود بفرست.»

۱۶- مؤمنان را بشارت می‌دهند

فرشتگان ابراهیم عليه السلام را بشارت دادند که بزودی خداوند او را فرزندی صالح می‌دهد، آنجا که خداوند می‌فرماید:

۱- صحیح مسلم: ۵۴۸/۱ شماره: ۷۹۶.

۲- مشکوٰۃ المصابیح: ۲۹۱/۱ شماره: ۹۲۴.

﴿ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ صَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِ ۚ إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ ۝ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشِّرُوهُ بِنِعْمَةٍ عَلِيمٍ ۝ ۱﴾

یعنی: آیا خبر مهمانهای بزرگوار ابراهیم به تو رسیده است؟ در آن زمانی که بر او وارد شدند و گفتند: سلام (بر تو!) گفت: سلام بر شما! (شما مهمانان، برایم) مردمان ناآشنا و ناشناسی هستید. به دنبال آن، پنهانی به سوی خانواده خود رفت، و گوساله فربه‌ای را (که بریان کرده بودند، برای ایشان) آورد. و آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به سوی غذا نمی‌برند و از آن چیزی نمی‌خورند!) گفت: آیا نمی‌خورید؟! (هنگامی که دید دست به سوی غذا نمی‌برند) در دل از ایشان احساس ترس و وحشت کرد. گفتند: مترس! سپس او را به تولد پسری دانا و آگاه بشارت دادند.

همچنین فرشتگان ذکریا علیه السلام را به فرزندی بنام یحیی بشارت دادند، و خداوند می‌فرماید: ﴿ فَادَاتُهُ الْمَلَكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَىٰ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ ۝ ۲﴾

یعنی: پس (خداوند دعای او را پذیرفت و) در حالی که در عبادتگاه به نیایش ایستاده بود، فرشتگان او را ندا در دادند که خداوند تو را به یحیی مژده می‌دهد، و او تصدیق کننده کلمه خدا (یعنی عیسی، چون با کلمه « کُن » پدید آمده است) و پیشوا و برکنار از هوسهای سرکش، و پیغمبری از (تبار) صالحان خواهد بود.

بشارت دادن فرشتگان منحصر به پیامبران نیست، بلکه گاهی فرشتگان عامه‌ی مؤمنین را نیز بشارت داده‌اند. در صحیح مسلم از ابوهریره رضی الله عنه روایت است: شخصی برادر دینی خود را در قریه‌ای دیگر زیارت کرد و به دیدارش رفت. خداوند فرشته‌ای را سر راه او فرستاد. وقتی آن شخص نزد فرشته رسید، فرشته از وی پرسید: قصد کجا را داری؟ گفت: در فلان قریه برادر مسلمانی دارم و به دیدارش می‌روم.

۱- ذاریات: ۲۴-۲۸

۲- آل عمران: ۳۹

فرشته گفت: آیا او تو را احسانی کرده و بر تو متی دارد؟ آن شخص جواب داد: خیر. بلکه بخاطر خدا او را دوست دارم. فرشته گفت: پس بدان که من فرستاده‌ی خداوند بسوی تو هستم، و خداوند می فرماید: همانطور که تو برادر مسلمانان را دوست داری، من نیز تو را دوست دارم.^۱

و در صحیح بخاری و مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای پیامبر خدا! این خدیجه است، می خواهد نزد تو بیاید. ظرفی که در آن آب یا غذا و طعام است همراه دارد. هرگاه او نزد تو رسید از جانب خداوند و من (جبرئیل) او را سلام برسان و او را به خانه‌ای از مروارید و یاقوت در بهشت بشارت بده.^۲

۱۷- فرشتگان در حالت خواب و رؤیا هم بشارت می دهند

بخاری در صحیح خود در باب تهجد از عبدالله بن عمر نقل می کند که در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله هر کس خوابی می دید، آن را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان می کرد. من نیز آرزو داشتم که خوابی بینم و آن را به عرض رسول خدا صلی الله علیه و آله برسانم. در آن موقع من در سن جوانی بودم و در مسجد می خوابیدم، در خواب دیدم که دو فرشته مرا گرفته و بسوی دوزخ بردند. دوزخ را همچون حفره و چاه دیدم، و در آن افرادی بودند که آنان را می شناختم. بلافاصله گفتم: أعوذ بالله من النار! (از آتش دوزخ بر خدا پناه می برم) فرشته‌ای دیگر آمد و به من گفت: نترس^۳

و در صحیح بخاری از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به او فرمود: «در خواب تو را در حالی دیدم که در پارچه ابریشمی ملبوس بودی و فرشته‌ای تو را نزد من آورد و گفت: این همسر توست، و من پارچه را از

۱- صحیح مسلم: ۱۹۸۸/۴ شماره: ۲۵۶۷.

۲- بخاری: ۱۳۳/۷ شماره: ۳۸۲۰. مسلم: ۱۸۸۷/۱ شماره: ۲۳۲.

۳- بخاری: ۶/۳ شماره: ۱۱۲۱. و مسلم: ۱۹۲۷ شماره: ۲۴۷۹.

صورت تو برداشتم و دیدم که تو هستی. گفتم: اگر این خواب از جانب خداوند باشد، قطعاً خداوند به آن جامه عمل خواهد پوشاند.^۱

۱۸- همراه مؤمنان در جهاد شرکت کرده و از آنها حمایت می‌کند

خداوند متعال مؤمنان را بوسیله‌ی جمع زیادی از فرشتگان در غزوه‌ی بدر یاری کرد، همانگونه که می‌فرماید:

﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ



یعنی: زمانی را که (در میدان کارزار بدر از شدت ناراحتی) از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می‌نمودید و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت: من شما را با یک‌هزار فرشته کمک و یاری می‌دهم که این گروه هزار نفری گروههای متعدّد دیگری را پشت سر دارند.

و می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢٣﴾ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ

أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ أَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ ﴿١٢٤﴾ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا

وَيَأْتُوكُمْ مِّن قَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ أَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ﴿١٢٥﴾﴾^۲

یعنی: خداوند شما را در بدر پیروز گردانید و حال آن که (نسبت به کافران) ناچیز (و از ساز و برگ اندکی برخوردار) بودید، پس از خدا بترسید تا شکر (نعمت او را بتوانید) به جای آورید. بدان گاه که تو به مؤمنان می‌گفتی: آیا شما را بسنده نیست که پروردگارتان با سه هزار از فرشتگان فرستاده (از سوی خویش برای آرامش خاطرتان) یاریتان کرد؟ آری! (شما را بسنده است. و علاوه از آن) اگر بردباری (در کارزار) داشته باشید و پرهیزگاری کنید (از معصیت خدا و

۱- بخاری: ۱۰۸/۹ شماره: ۱۵۲۵.

۲- انفال: ۹.

۳- آل عمران: ۱۲۳-۱۲۵.

مخالفت با پیغمبر)، و آنان (یعنی دشمنان مشرک) هم اینک بر شما تاخت آرند، پروردگارتان (بر تعداد فرشتگان بیفزاید و) با پنج هزار فرشته یورشگر و نشانگذار، شما را یاری کند.

و در صحیح بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غزوه‌ی بدر فرمود: «این جبرئیل است که اسبش را که اسلحه جنگی حمل کرده است، همراه دارد»^۱.

خداوند متعال حکمت و فلسفه‌ی این کمک و یاری دادن را تقویت و ثابت کردن مؤمنان، و همراهی کردن در جنگ، و به قتل رساندن دشمنان خدا، و کشتن و گردن زدن و قطع کردن دستهایشان بیان فرموده و می‌فرماید:

﴿ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ

اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿۱۰﴾

یعنی: خداوند این (امداد با فرشتگان) را تنها برای مژده دادن (پیروزی) به شما و آرامش پیدا کردن دل شما به آن کرد، و گرنه پیروزی جز از سوی خدا نیست (و اراده و مشیت او بالاتر از همه این اسباب ظاهری و باطنی است). بیگمان خداوند (بر هر کاری) توانا (و کارهایش) از روی حکمت است.

و می‌فرماید:

﴿ إِذْ يُوحَىٰ رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ

كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَأَضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ﴿۱۲﴾

یعنی: (ای مؤمنان! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم (و کمک و یاریتان می‌نمایم. شما با الهام پیروزی و بهروزی) مؤمنان را تقویت و ثابت‌قدم بدارید، (و من هم) به دل‌های کافران خوف و هراس

۱- صحیح بخاری: ۳۱۲/۷، شماره: ۳۹۹۵.

۲- انفال: ۱۰.

۳- انفال: ۱۲.

خواهم انداخت. (به مؤمنان الهام کنید): سرهای آنان را بزیند (و از هم بشکافید که بر گردنهای ناپاکشان سنگینی می‌کند) و دستهای ایشان را ببرید. و در سوره آل عمران می‌فرماید:

﴿ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِنُظْمِينَ قُلُوبِكُمْ بِهِ ۗ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ

الْحَكِيمِ ﴿۱۳۶﴾ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ﴿۱۳۷﴾

یعنی: و خداوند آن (یاری با فرشتگان) را جز مژده‌ای برای (پیروزی) شما نساخت، و برای آن کرد که دل‌های شما بدان آرام گیرد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای دانا نیست. (هدف از یاریتان توسط فرشتگان آن است که) تا گروهی از بزرگان کافران را نابود کند و یا آنان را سرکوب و خوار نماید و با شکست و ننگ خشمگینشان سازد و ناامید برگردند.

رسول خدا ﷺ در روز جنگ بدر فرشتگان را دید، و در صحیح بخاری روایت شده که رسول خدا ﷺ همراه با ابوبکر صدیق رضی الله عنه در یک سایبان مستقر بودند، و هر دو دعا می‌کردند، در آن موقع چشمان رسول خدا ﷺ یک چرت زد و به خواب رفت، سپس با تبسم بیدار شد و فرمود: «أبشر يا أبا بکر، هذا جبریل علی ثنایا النقع» یعنی: ای ابوبکر مژده باد، این جبرئیل است که روی ثنایا النقع است.

همچنین یکی از مجاهدین صدای ضربه‌ی یکی از فرشتگان را شنید که کافری را زد؛ و صدای راندن اسبش را نیز شنید. در صحیح مسلم از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که یکی از مسلمانان جهادگر مشرکی را تعقیب کرده و به دنبالش می‌دوید، ناگهان صدایی را از بالای سرش، و صدای ضربه شلاقی را شنید که می‌گفت: جلو برو ای حیزوم - اسم اسب آن فرشته بود - آن مرد مجاهد بطرف مشرک نگاه کرد و دید مشرک پشت بر زمین افتاده و بینی و صورتش زخمی است. جریان به رسول خدا ﷺ ابلاغ شد، فرمود: تو راست می‌گویی، این امدادگر از آسمان سوم آمده است.^۱

فرشتگان در موارد دیگر نیز جنگیده‌اند، مانند جنگ خندق که خداوند فرشتگانش را جهت امداد فرود آورد، آنجا که می فرماید:

﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا

لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ﴿٩﴾

یعنی: ای مؤمنان! به یاد آورید نعمت خدای را در حق خودتان، بدان گاه که لشکرها به سراغ شما آمدند. ولی ما تندباد (سخت سردی) را بر آنان گماشتیم و لشکرهایی (از فرشتگان) را به سویشان روانه کردیم که شما آنان را نمی‌دیدید. خداوند می‌دید کارهایی را که می‌کردید.

منظور از لشکری که شما آن را ندیدید، فرشتگان هستند. چون در کتابهای صحیح حدیث آمده است: جبرئیل علیه السلام بعد از مراجعت رسول خدا صلی الله علیه و آله از غزوه‌ی خندق، نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد که اسلحه‌اش را گذاشته و استحمام کرده بود. ولی جبرئیل گرد و خاک را از موهای سرش می‌نشاند، و به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت: شما اسلحه را گذاشته‌اید؟ ولی ما هنوز اسلحه را نگذاشته‌ایم. بطرف کفار خارج شو، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کجا برویم؟ جبرئیل بسوی بنی‌قریظه اشاره کرد.^۲ و در صحیح بخاری از انس رضی الله عنه روایت است که رسول خدا فرمود: «مثل اینکه گرد و غبار مرکب جبرئیل را می‌بینم که از کوچه‌های بنی‌غنم بلند می‌شوند، و این زمانی بود که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای جهاد به غزوه‌ی بنی‌قریظه تشریف می‌برد.

۱۹- حمایت از رسول خدا صلی الله علیه و آله

امام مسلم در صحیح خود از ابی هریره رضی الله عنه آورده است: «ابو جهل گفت: آیا محمد صورتش را خاک آلود می‌کند؟» (سجده می‌کند) گفته شد، آری. ابو جهل گفت:

۱- احزاب: ۹

۲- بخاری: ۴۰۷/۷، شماره: ۴۱۱۷. مسلم: ۱۳۸۹/۳، شماره: ۱۷۶۹.

سوگند به لات و عزی هرگاه او را ببینم که چنین می‌کند پایم را روی گردنش می‌گذارم تا ببینم چگونه او سجده می‌کند.

نزد ایشان آمد که مشغول نماز بود. ابو جهل می‌خواست پایش را برگردن رسول خدا ﷺ بگذارد، ولی هنوز به او نزدیک نشده بود که به عقب برگشت و دست خود را سپر کرده مثل اینکه خود را از چیزی نجات می‌داد. از وی سؤال شد تو را چه شده است؟ گفت: میان من و او چاله‌ای پر از آتش مهیب بود، و پره‌های عجیب و غریبی نیز آنجا هست. رسول خدا ﷺ فرمود: «اگر ابو جهل به من نزدیک می‌شد، فرشتگان اعضاء بدن او را تکه تکه می‌بردند»!

و در صحیح بخاری هم این روایت خلاصه‌تر از روایت مسلم در کتاب التفسیر ذکر شده است.

۲۰- بندگان شایسته را یاری نموده و غم و اندوه را از آنها می‌زدایند

گاهی خداوند متعال فرشتگان را برای حمایت از برخی بندگان صالح (غیر الانبیاء) می‌فرستد. از جمله این موارد قصه‌ای است که ابن کثیر آن را در تفسیر این آیه

آورده است که می‌فرماید: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾

حافظ ابن عساکر به روایت ابوبکر محمد بن داود دینوری معروف به دق‌ی صوفی، در شرح حال مردی آورده که می‌گوید: از دمشق به شهر زبدانی با استفاده از قاطری که داشتم کرایه کار می‌کردم. مردی همراهم سوار شد و در مسیرهای غیر معروف و ناشناخته می‌رفتیم. سپس به من گفت: از همین مسیر برویم نزدیک‌تر است. گفتیم: این مسیر برای من خیری ندارد. گفت: این نزدیک‌تر است، روانه شدیم. به جای بسیار صعب العبوری و به وادی بسیار عمیقی که کشته‌های زیادی در آنجا بود، رسیدیم. گفت: قاطرت را نگاه دار تا من پیاده شوم. پایین شد و آستین را بالا زد و لباسهایش را جم و جور کرد و چاقویی را بیرون آورد و به من روی آورد. من فرار کردم و او دنبالم کرد. او را به خدا قسم دادم و گفتم: این قاطر را با

بارش بگیر، ولی مرا رها کن. گفت: قاطر و بار مال من است. ولی می خواهم تو را نیز سر به نیست کنم. هر چند او را از خداوند و عذابش ترساندم، از سرم دست برداشته. ناچار تسلیم شدم. و از وی خواستم مرا دو رکعت نماز مهلت دهد. گفت: زود باش، بلند شدم تا نماز بخوانم. زبانم دچار لکنت شد، هرچه سعی کردم حتی یک کلمه از قرآن را نتوانستم بر زبان بیاورم. سرگردان و پریشان ایستادم، و آن مرد مرا با تندی صدا کرد و گفت: بس کن. ناگهان خداوند این آیه را بر زبانم جاری کرد: ﴿أَمَّنْ يُحِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ﴾ دیدم مردی از پایین رودخانه سوار بر اسبی در حالی که نیزه‌ای در دست دارد به داد من رسید. نیزه را بر آن مرد زد و به قلبش اصابت کرد. و فوراً بر زمین افتاد. خود را به دامن این اسب سوار آویزان کرده عرض کردم، تو چه کسی هستی؟ گفت: من فرستاده کسی هستم که به داد ستمدیدگان می رسد. و آفت زدگان را یاری می کند، و ستمدیدگان او را می خوانند و از وی کمک می جویند. این مرد می گوید: قاطرم را با محموله اش برداشته و به سلامت از آنجا برگشتم.

و نیز از جمله این موارد این است که خداوند جبرئیل را برای کمک مادر حضرت اسماعیل در مکه مکرمه فرستاد. در صحیح بخاری از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است: مادر حضرت اسماعیل رضی الله عنه هفت بار میان صفا و مروه برای جستجوی آب رفت و آمد کرد. وقتی نزدیک مروه رسید، صدایی بگوشش رسید. به خود گفت: ساکت باش، سپس صدایی شنید، گفت: آیا می توانید کمکی به من بکنید. ناگاه چشمش به فرشته‌ای در محل زمزم افتاد. آن فرشته با بالهای خود آب را بیرون آورد. فرشته به مادر اسماعیل گفت: هیچ خطری شما را تهدید نمی کند، اینجا خانه خدا است. این پسر و پدر آن را خواهند ساخت. خداوند ساکنان این محل را ضایع نمی کند.^۱

در سنن نسائی آمده است که آن فرشته که نزد مادر اسماعیل رضی الله عنه آمد، جبرئیل بود. و می گوید: وقتی که جبرئیل محل زمزم را با پای خود حفر کرد هاجر مادر

اسماعیل شنها را جمع کرد. (تا جلوی جریان آب را بگیرد) رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند مادر اسماعیل را مورد مرحمت قرار دهد. اگر جلوی جریان آب زمزم را نمی گرفت، بصورت چشمه جاری می شد.^۱

۲۱- در تشییع جنازه‌ی بندگان صالح حضور می یابند

رسول خدا ﷺ درباره معاذ بن جبل فرمود:

«هذا الذي تحرك له العرش وفتح له أبواب السماء وشهده سبعون ألفاً من الملائكة لم يهبطوا إلى الأرض قبل ذلك ولقد ضم ضمة ثم أفرج عنه»
یعنی: او کسی است که عرش خداوند از درگذشتش به لرزه درآمد، و درهای آسمان بروی او گشوده شدند، و هفتاد هزار فرشته در جنازه و نماز میت او شرکت کردند. ولی در عین حال در قبر فشرده شد و بعد عذاب قبر از وی برداشته شد.^۲ (نسائی از ابن عمر روایت کرده).

۲۲- شهداء را زیر سایه بال خود قرار می دارند

در بخاری از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: وقتی که پدرم شهید شد روپوش را از چهره‌اش برداشتم و گریه می کردم و خویشاوندانم مرا دلداری می دادند و از گریه منعم می کردند، ولی رسول خدا ﷺ مرا نهی نمی کرد، عمه‌ام که فاطمه نام داشت شروع کرد به گریه و زاری. رسول خدا ﷺ فرمود: گریه کنید یا گریه نکنید، فرشتگان همواره او را با بالهای خود زیر سایه گرفتند تا او را بلند کردید.
امام بخاری این حدیث را عنوان یک باب کتاب خود قرار داده به نام: «باب سایه‌ی ملائکه بر شهید».

۱- صحیح الجامع: ۱۹۷/۲

۲- بخاری: ۱۲۲/۷ شماره: ۳۸۰۲. صحیح الجامع ۷۲/۶

۲۳- فرشتگانی که تابوت (صندوق) را آوردند

خداوند متعال می فرماید:

﴿ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آءَالُ مُوسَىٰ وَعَآلُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿٢٤٨﴾ ﴾

یعنی: و پیغمبرشان به آنان گفت: نشانه حکومت او این است که صندوق (عهد) به سوی شما خواهد آمد (همان صندوق عهدی که دلگرمی و آرامشی از سوی پروردگارتان و یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن است، و فرشتگان آن را حمل می کنند. در این کار بیگمان نشانه ای برای شما است (و چنین رهنمودی شما را بر آن می دارد که) اگر مؤمن هستید.

در این آیه خداوند عزوجل به ما خبر داده که فرشتگان در آن فاصله ی زمانی صندوقی را برای بنی اسرائیل آوردند تا قلبشان آرامش و اطمینان یابد به اینکه طالوت برگزیده از جانب خداوند است، و از وی تبعیت کنند و به فرمان او عمل کنند.

۲۴- دفاع از مکه و مدینه در برابر دجال

دجال بعد از ظهور و خروج به تمام شهر و سرزمینها جز مکه و مدینه وارد می شود. مکه و مدینه بدلیل جلوگیری فرشتگان از ورود دجال و رسیدن او به این دو شهر، محفوظ می ماند. در صحیح مسلم و سنن ابی داود و ترمذی از حدیث فاطمه بنت قیس، در قصه ی تمیم داری آمده است که دجال می گوید: « من مسیح دجال هستم و به زودی اجازه خروج به من داده می شود. بعد از خروج به سیر و سیاحت زمین می پردازم، و هیچ شهری را رها نمی کنم، و به مدت چهل روز تمام شهرهای دنیا خواهم رفت جز مکه و طیبه (مدینه)، این دو شهر از ورود من محفوظ و من از ورود به آنها محروم هستم. هرگاه بخواهم به یکی از این دو شهر

وارد شوم، فرشته‌ای با شمشیر کشیده جلو مرا گرفته و مانع ورود من می شود. بی گمان در ورودی‌های این دو شهر فرشتگانی گماشته شده‌اند که آن را حفاظت می‌کنند. و رسول خدا ﷺ چوب دستی کوچکی را که در دست گرفته بود بر منبر زد و با اشاره به مدینه منوره فرمود: این طیبه است، این طیبه است، این طیبه است. همچنین بخاری از ابی بکره روایت می کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «رُعب و وحشت مسیح دجال به مدینه نمی رود. مدینه در آن روزگار هفت درب ورودی خواهد داشت و بر هر کدام یک فرشته گماشته خواهد شد».^۱

و در حدیثی دیگر در صحیح بخاری از ابوهریره رضی الله عنه روایت است، رسول خدا ﷺ فرمود: « بر راه های مدینه فرشته هایی گماشته شده‌اند، و طاعون و دجال نمی توانند وارد مدینه شوند»، و نیز فرمود: « هیچ شهر و دیاری باقی نمی ماند که دجال بدان پا نگذارد، جز مکه و مدینه، که بر هر کدام از ورودی‌های آن فرشتگان با صف ایستاده و از آن محافظت می کنند. سپس مدینه سه مرتبه به لرزه در می آید، بنابراین خداوند تمام کافران و منافقان را از آن خارج می سازد.

۲۵- فرود آمدن عیسی همراه دو فرشته

در سنن ترمذی به روایت نواس بن سمعان پیرامون حدیث دجال چنین آمده است: « در همین اثناء حضرت عیسی علیه السلام بن مریم در جانب شرقی دمشق با لباس رنگ شده با ورس و زعفران فرود می آید. در حالی که دو دستش را روی بالهای دو فرشته گذاشته است».^۲

۱- بخاری: ۹۰/۱۳ شماره: ۷/۲۵.

۲- سنن ترمذی: ۲۴۹/۲ شماره: ۱۸۲۵.

۲۶- فرشتگان بر بالای شام (سوریه) بال گسترانیده‌اند

از زید بن ثابت انصاری رضی الله عنه روایت است که گفت: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم، فرمود: (خوشای شام، خوشای شام!) سؤال شد ای پیامبر خدا چرا چنین است؟ فرمود: آنها فرشتگان خدا هستند که بالهای خود را بر فضای شام (سوریه) گسترانیده‌اند. (شیخ ناصرالدین در تخریج و بررسی احادیث فضائل شام که از ربعی روایت شده‌اند گفت: این حدیث صحیح است که ترمذی، و حاکم در المستدرک و احمد در المسند روایت کرده‌اند، و حاکم گفته: بر شرط شیخین صحیح است، و ذهبی موافقت کرده، و همینطور است، همانگونه که منذری در الترغیب و الترهیب می گوید: ابن حبان و طبرانی آن را با سند صحیح روایت کرده‌اند).

۲۷- هماهنگی با فرشتگان موجب پاداش است

در بخاری و مسلم با سند صحیح ثابت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: « هرگاه امام آمین گفت، شما نیز آمین بگوئید، هرکس آمین گفتنش همزمان با آمین فرشتگان هماهنگ باشد، گناهان گذشته‌اش بخشوده خواهند شد». و در صحیح بخاری آمده است: « هرگاه آمین گفتن شما و فرشتگان آسمان هماهنگ شد، گناهان گذشته شما بخشوده خواهند شد».^۱

در حدیثی دیگر آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه امام گفت: «سمع الله لمن حمده» شما نیز «اللهم ربنا لك الحمد» بگوئید. هرکس سخنش با سخن فرشتگان هماهنگ شود، گناهان گذشته‌اش بخشوده خواهند شد».^۲

وظیفه‌ی مؤمن در برابر فرشتگان

فرشتگان بندگان برگزیده‌ی خدا هستند و نزد پروردگارش از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، و مسلمانی که خدا را عبادت کند و در صدد خشنودی خداوند است،

۱- صحیح بخاری ۲/۲۶۶ شماره: ۷۸۱۰.

۲- بخاری: ۲/۲۸۳ شماره: ۷۹۶.

چاره‌ای جز دوستی و تعظیم و طرفداری از فرشتگان ندارد. و باید مؤمن از هر عملی که موجب ناخشنودی و اذیت و آزار فرشته می‌شود اجتناب کند. در این بخش از کتاب توضیحاتی در این راستا تقدیم می‌گردد.

۱- عدم اذیت فرشتگان

علمای اسلام به شدت ناسزاگویی و معیوب معرفی کردن فرشته را محکوم کرده‌اند. علامه سیوطی به نقل از عیاض، و او از سخنون نقل می‌کند: هرکس فرشته‌ای را دشنام دهد باید کشته شود. این حکم درباره‌ی مجموع فرشتگان یا درباره کسانی است که فرشته بودن آنان برای ما محرز باشد. یعنی فرشته بودن آنان از قرآن یا از حدیث متواتر و مشهور و متفق علیه ثابت باشد، مانند جبرئیل، خازن بهشت، مالک و زبانیه مأمور جهنم، حاملان عرش، عزرائیل، اسرافیل، رضوان، حفظه و کاتبان عمل انسان و منکر و نکیر. اما آنهایی که بطور معین خبر و دلیلی بر فرشته بودنشان وارد نشده، و فرشته بودنشان متفق علیه نباشد، مانند، هاروت و ماروت، این حکم مذکور، شامل حالشان نمی‌گردد. سیوطی به نقل از قرافی مالکی می‌گوید: بر هر انسان مکلفی تعظیم و احترام انبیاء و فرشتگان واجب است. هرکس خواه با صراحت یا کنایه یا تعریض و اشاره، علیه حیثیت آنان سخن گوید، کافر می‌شود. مثلاً هرکس بگوید: فلانی از خازن دوزخ (فرشته نگهبان دوزخ) سنگ دل تراست، یا فلانی از منکر و نکیر وحشتناک تر است، اگر این سخن را جهت اثبات عیب و نقصِ وحشت و سنگدلی بگوید، کافر می‌گردد.^۱

۲- پرهیز از گناه و نافرمانی خدا

آنچه بیش از هر چیز فرشته را اذیت و آزار می‌دهد، گناه و کفر و شرک است، از این رو بزرگترین هدیه به فرشتگان که آنها را خشنود و راضی می‌کند این است که بنده دین خود را برای پروردگار خالص کند، و از هرچه موجب خشم خداست

۱- الحبانک فی اخبار للسیوطی: ۲۵۵.

بپرهیزد. از این رو فرشتگان وارد منزلی نمی‌شوند که گناه و نافرمانی خدا در آن صورت گیرد، یا چیزی در آن باشد که خداوند نسبت به آن نفرت یا خشم داشته باشد، مثل بُت و مجسمه و تصاویر (از حیوان و انسان). همچنین نزدیک نمی‌شوند به کسانی که آلوده به نافرمانی خدا باشند، مانند انسانهای مست.

ابن کثیر در (البدایة والنهایة... ۵۵/۱) گفته: «در حدیث صحیح مروی در صحاح و مسانید و سنن از جمعی صحابه ثابت است که رسول خدا ﷺ فرمود: «لا یدخل الملائكة بیتاً فیه صورة و لا کلب و لا جُنُب» یعنی: فرشته وارد خانه‌ای نمی‌شوند که عکس و سگ، و انسان در حال جنابت در آن باشد.

و در روایتی دیگر از حضرت علی رضی الله عنه کلمه «بول» نیز اضافه شده است. یعنی ادرار نیز مانع ورود فرشتگان است. در حدیث مرفوع از رافع از سعید چنین آمده است: «لا تدخل الملائكة بیتاً فیه کلب او تمثال»: فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ و مجسمه وجود دارد، وارد نمی‌شوند. در روایتی دیگر از ابی هریره رضی الله عنه چنین نقل شده است: «لا تصحب الملائكة رفقة معهم کلب او حرس»^۱

یعنی: فرشتگان با کاروانی که سگ و زنگوله همراه دارند، همراهی نمی‌کنند. با سند صحیح از بریده رضی الله عنه نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمود: «فرشتگان به سه نفر نزدیک نمی‌شوند: کسی که مست باشد، مردی که با زعفران لباسهایش را رنگ کرده است. و شخصی که جنابت داشته باشد»^۲.

و در سنن ابی داود از عمار یاسر رضی الله عنه روایت است، رسول خدا ﷺ فرمود: «فرشتگان به این سه چیز نزدیک نمی‌شوند: جسد کافر، کسی که خلوق (نوعی عطر) را به لباسهایش زده باشد، و شخصی که در حالت جنابت است، مگر اینکه وضو کند. (صحیح الجامع ۷۰/۳)

۱- البدایة و النهایة: ۵۵/۱.

۲- صحیح الجامع: ۷۰/۳.

۳- آنچه موجب اذیت انسانهاست فرشته را نیز اذیت می‌کند

از احادیث صحیح ثابت است که آنچه انسانها را اذیت کند، موجب اذیت و آزار فرشتگان نیز می‌شود. پس فرشتگان از بوی بد و کثافت و گندگی اذیت می‌شوند. در صحیحین از جابر بن عبدالله رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس پیاز، سیر و تره بخورد به مساجد ما نیاید، زیرا فرشتگان از آنچه انسانها ناراحت می‌شوند، احساس ناراحتی می‌کنند»^۱.

تا جایی که رسول خدا صلی الله علیه و آله به شخصی که به مسجد آمد و بوی سیر یا پیاز از وی به مشام می‌رسید امر کرد از مسجد خارج شود و به بقیع برود.^۲

۴- انداختن آب دهان به سمت راست در نماز

رسول خدا صلی الله علیه و آله از انداختن آب دهان به سمت راست در حالت نماز نهی کرده است، زیرا وقتی که نمازگزار برای اقامه‌ی نماز بلند می‌شود، فرشته‌ی سمت راست او می‌ایستد. در صحیح بخاری از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «وقتی شما به نماز می‌ایستید، آب دهانتان را به جلوی خود نیندازید. زیرا شما مادام که در حالت نماز هستید، با خداوند مناجات و راز و نیاز دارید، و نیز به سمت راست خود نیندازید، زیرا در سمت راست هر نمازگزار فرشته‌ای وجود دارد، اگر لازم باشد آب دهان را به سمت چپ یا زیر پا بیندازد، و بعد آن را دفن کند»^۳.

۵- دوستی و ولایت با تمام فرشتگان

بر هر مسلمانی واجب است با همه فرشتگان دوستی و محبت داشته باشد، و تبعیضی میان آنان قائل نباشد، زیرا آنان همه بندگان مطیع و فرمانبردار خدا هستند،

۱- مسلم: ۳۹۴/۱ شماره: ۵۶۷.

۲- صحیح مسلم: ۳۹۶/۱ شماره: ۵۶۷.

۳- صحیح بخاری: ۵۱۲/۱ شماره: ۴۱۶.

و هرگز با هم اختلاف و تفرقی ندارند و فرامین خدا را با بهترین وجه انجام می‌دهند. یهودیان مدعی بودند که آنان میان فرشتگان دوستان و دشمنانی دارند. آنان جبرئیل را دشمن و میکائیل را دوست خود می‌دانند. بنابراین خداوند متعال مدعیان را تکذیب کرد و بیان فرمود که فرشتگان با هم اختلاف ندارند، و هر کس دشمن خدا، یا دشمن یکی از فرشتگان باشد، در واقع چنین کسی دشمن همه فرشتگان است، آنجا که فرمود:

﴿ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَيَّ قَلْبًا بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ﴿٩٧﴾ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٩٨﴾ ﴾

یعنی: بگو: کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد). قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می‌کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (خداوند دشمن او است). چه خداوند دشمن کافران است.

خداوند در این آیه و آیه‌های دیگر خبر داده که فرشتگان از یک وحدت یک-پارچه و منسجم برخوردار هستند. پس هرکس با یکی از آنان عداوت و دشمنی داشته باشد، او در واقع با خداوند و همه فرشتگانش دشمن است. اما دوستی با بعضی از فرشتگان و دشمنی با برخی دیگر، خرافه‌ای است که جز این اندیشه منحرف یهودی کسی قائل به آن نیست. و این مقوله که قرآن از یهود نقل می‌کند عذر و بهانه‌ای واهی بیش نیست که کفر و بی‌ایمانی خود را بدان توجیه می‌کردند، و ادعا می‌کردند که جبرئیل دشمن آنان است، چون او موجب جنگ و تخریب است و اگر میکائیل نزد محمد ﷺ می‌آمد، سخنانش را می‌پذیرفتیم.

فرشتگان و کفار و نفاق

در مباحث گذشته پیرامون رابطه‌ی فرشتگان با مؤمنان بحث شد، و در اثنای بحث مذکور موضع آنان در مقابل کفار هم تا حدودی روشن گردید. بنابراین فرشتگان قطعاً کافران ستمکار و مجرم را دوست ندارند، بلکه با آنان عداوت و دشمنی داشته و علیه ایشان می‌جنگند، و دل‌هایشان را به لرزه در می‌آورند، همانطور که در معرکه‌ی بدر و احزاب این حادثه اتفاق افتاد. در این بحث به گوشه‌های دیگری از موضوع خواهیم پرداخت که تاکنون بیان نشده، و توضیحات بیشتری درباره‌ی مواضع فرشتگان در قبال کفار بیان خواهد شد.

۱- فرود آوردن عذاب بر کفار

وقتی که پیامبران و رسولان الهی از جانب مردم تکذیب می‌شدند، و قومشان بر تکذیب حق اصرار می‌ورزیدند، اغلب اوقات خداوند عذاب را بر آنها نازل می‌کرد، و بیشتر اوقات این اقدام توسط فرشته صورت می‌گرفت.

۲- به هلاکت رساندن قوم لوط

فرشتگانی که مأموریت نابود کردن قوم لوط را بر عهده داشتند در قالب نوجوانان زیبا آمدند و حضرت لوط علیه السلام میزبان آنان شد. قوم لوط ابتدا از آمدن آنها بی اطلاع بودند و خبر نداشتند، تا اینکه همسر لوط آنها را از آمدن فرشتگان مهمان با خبر کرد، بنابراین بلافاصله بعد از این خبر به قصد عمل زشت، سریع راهی خانه‌ی حضرت لوط علیه السلام شدند، و حضرت لوط در صدد دفع آنها بر آمد، و با آنها به بحث و مجادله پرداخت، ولی نپذیرفتند، اما جبرئیل وارد شد و با بالهایش آنها را زد و بینایی چشمانشان را از بین برد، همانگونه که خداوند متعال فرمود:

﴿وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سَيِّئًا بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ﴿٧٧﴾ وَجَاءَهُ قَوْمُهُ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمَنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ ﴿٧٨﴾ قَالَ يَتَقَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تَحْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ ﴿٧٨﴾ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْت مَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ

مِنْ حَقِّ وَإِنَّكَ لَنَعَامٌ مَا تُرِيدُ ﴿٧٩﴾ قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةً أَوْ آوِي إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ ﴿٨٠﴾ قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَأَسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْنَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرًا نَكُ مِنْهُ مُصِيبًا مَا أَصَابَهُمْ إِلَّا مَوْعِدُهُمْ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ ﴿٨١﴾

یعنی: هنگامی که فرستادگان ما (به صورت جوانانی) به پیش لوط درآمدند، لوط بسیار از آمدن آنان ناراحت گردید و دانست که قدرت دفاع از ایشان (در برابر قوم تباہکار خود) را ندارد، و گفت: امروز روز بسیار سخت و دردناکی است. قوم لوط (از ورود این جوانان زیبا آگاه شدند و) شتابان به سوی لوط آمدند. قومی که (آلوده به گناه بودند و) پیش از آن (هم) اعمال زشت (لواط) انجام می دادند. لوط بدیشان گفت: ای قوم من! (شرمتان باد! بر مهمانان من بیخشانید و) اینها دختران منند و برای شما (از آمیزش با ذکور) پاکیزه ترند (من حاضرم آنان را به عقد شما درآورم) پس از خدا بترسید و در مورد مهمانانم مرا خوار و رسوا مکنید (و بدیشان تعدی و تجاوز ننمائید). آیا در میان شما مرد راهیاب و راهنمائی، یافته نمی شود؟ گفتند: تو که می دانی ما را به دختران تو نیازی نیست، و می دانی که چه چیز می خواهیم. فرشتگان بعد از اطلاع از پریشانی لوط و اصرار بزهکاران، به لوط گفتند: ای لوط! ما فرستادگان پروردگارت هستیم، (این زشتکاران) دستشان به تو نمی رسد (و نمی توانند کوچکترین بلا و کمترین زبانی به تو برسانند). اهل و عیال خود را در پاسی از شب بکوچان، و کسی از شما پشت سر خود را ننگرد (تا هول و هراس عذاب را نبیند و دچار شر و مصیبتی نشود) مگر همسر تو که او می ماند و به همان بلائی که آنان بدان گرفتار می گردند گرفتار می شود. موعد (هلاک) ایشان صبح است. آیا صبح نزدیک نیست؟

ابن کثیر می گوید: آورده اند که جبرئیل علیه السلام نزد آنان (قوم لوط) رفت و با پرهای خود سیلی بر چهره و صورت آنان زد. چشم های آنان فرو رفتند بطوری که اثری از چشم ها باقی نماند.... خداوند متعال هم می فرماید:

﴿وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَنْ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ ﴿٢٧﴾﴾

یعنی: و با لوط درباره مهمانانش سخن گفتند (و از او خواستند آنان را در اختیار ایشان برای انجام کار منافی عفت بگذارد). ما چشمانشان را کور کردیم، (و بدیشان گفتیم): بچشید عذاب و عقاب مرا، و بیم دادنها و بر حذر داشتنهای مرا. و در ابتدای صبح خداوند آنها را هلاک کرد، همانگونه که می‌فرماید:

﴿ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَىٰهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً مِّن سِجِّيلٍ

مَنْضُورٍ ﴿٨٢﴾ مُسَوِّمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بِبَعِيدٍ ﴿٨٣﴾ ۲

یعنی: هنگامی که فرمان ما (مبنی بر هلاک قوم لوط) فرا رسید، آن (شهر و دیار) را زیر و رو نمودیم و آنجا را با گلهای متحجر و پیاپی سنگباران کردیم. سنگهایی که از سوی پروردگار تو نشاندار (به نشان عذاب و بدون بازدارنده قرار داده شده) بودند. این چنین سنگهایی از ستمکاران (دیگر هم) به دور نیست. ابن کثیر در تفسیر آیه به نقل از مجاهد فرمود: «جبرئیل قوم لوط را با زمین و خانه و گله‌ی حیوانات و هر چه داشتند روی بال سمت راستش حمل کرد، و آنقدر آنها را بالا برد که ساکنان آسمان صدای سگهایشان را می‌شنیدند، سپس همه چیز را واژگون کرد». همچنین اقوال نزدیک به همین معنی را ذکر کرده‌اند ولی شاهدی از حدیث برای آن وارد نشده است.

۳- لعنت و نفرین کردن کفار

خداوند می‌فرماید:

﴿ كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ

وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿٨٦﴾ أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَكَةِ

وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ﴿٨٧﴾ ۳

۱- قمر: ۳۷

۲- هود: ۸۲-۸۳

۳- آل عمران: ۸۶-۸۷

یعنی: چگونه خداوند گروهی را رهنمونی می‌کند که بعد از ایمانشان و بعد از آن که گواهی دادند به این که پیغمبر بر حق است و معجزات و دلایل روشنی برای آنان (بر حقانیت محمد) بیامد، کافر شدند؟ و خدا گروه ستمکاران را هدایت نخواهد کرد. این چنین کسانی، کیفرشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه، بر آنان باشد.

همچنین فرموده:

﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ﴾^۱

یعنی: کسانی که کفر ورزیدند و در حالی که کافر بودند مردند (و با استمرار کفر و بدون توبه و پشیمانی، از دنیا رفتند) نفرین خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان خواهد بود.

فرشتگان تنها کفار را لعنت نمی‌کنند. بلکه کسانی را که مرتکب گناهان بخصوصی می‌شوند، نیز لعن و نفرین می‌کنند.

دسته های غیر کافری که مورد لعنت فرشتگان هستند

۱- زنی که از شوهرش اطاعت نکند

در صحیح بخاری از ابی هریره رضی الله عنه روایت است، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: « هرگاه شوهر از زنش درخواست همبستری کند و زن نافرمانی کند، فرشتگان تا صبح آن زن را لعنت و نفرین می‌کنند.» و در روایتی دیگر آمده است، (تا به رختخوابش بر می‌گردد).

۲- کسی که مقابل برادرش چاقو بکشد

در صحیح مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است: ابو القاسم (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: « هر کس با ابزار تیز و برنده (مانند کارد و چاقو به منظور تهدید) به برادرش اشاره کند فرشتگان او را لعنت می‌کنند، حتی اگر برادر پدری و مادری هم باشد.^۱

لعن و نفرین فرشته بر حرام بودن این عمل دلالت می‌کند، چون موجب رُعب و وحشت برادرش می‌گردد، و نیز گاهی شیطان او را به طغیان واداشته و او را به قتل می‌رساند، خصوصاً اگر از اسلحه‌های مدرن جدید باشد که کمترین اشتباه در مورد آنها ممکن است خطرهای جبران ناپذیری به بار آورد، و موارد زیادی از این حوادث اتفاق افتاده‌اند.

۳- کسانی که اصحاب رسول خدا ﷺ را فوش و ناسزا گویند

در معجم طبرانی از ابن عباس رضی الله عنهما با سند حسن روایت شده که رسول خدا ﷺ فرمود: « هرکس اصحاب و یاران مرا سب و شتم کند، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر او باد».

شگفتا که امروزه قوم‌هایی هستند که شتم و ناسزاگویی اصحاب بزرگوار را دین و عبادت می‌دانند، و چنین می‌پندارند که این عمل (زشت) موجب نزدیک شدن به خداست، اما پاداش آنان همان است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود که بسی وحشتناک است.

۴- کسانی که مانع اجرای شریعت خدا می‌شوند

در سنن ابن ابوداود و ابن ماجه و نسائی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول خدا ﷺ فرمود: « هرکس مرتکب قتل عمد شد، بعنوان قصاص کشته می‌شود، و هرکس مانع اجرای قصاص شود، لعنت خدا، فرشتگان و تمام مردم بر وی باد».^۲

بنابر این هرکس مانع اجرای حکم خداوند در مورد کشتن و قصاص باشد، چه بوسیله مال، و چه با توسل به مقام و قدرت مانع ایجاد کند، شامل این لعنت می‌شود. پس حال کسانی چطور خواهد بود که نه تنها مانع قصاص، بلکه نمی‌گذارند هیچ قسمت از شریعت اجرا شود؟!

۱- صحیح مسلم: ۴/۲۰۲۰ شماره: ۲۶۱۶.

۲- صحیح سنن نسائی: ۳/۴۹۲ شماره: ۴۴۵۶.

۵- هرکس اهل بدعتی را پناه دهد

از جمله کسانی که مورد نفرین و لعنت خدا هستند، اهل بدعت هستند که در دین خدا نوآوری و بدعت بوجود می‌آورند. یعنی از احکام خدا بیرون رفته و علیه شریعت تجاوز می‌کنند، یا اینکه چنین کسانی را پناه می‌دهند، و به حمایت از آنان بر می‌خیزند. در حدیث صحیح آمده است: «من أحدث حدثاً أو آوی محمداً فعلیه لعنة الله و الملائكة و الناس أجمعین»^۱. یعنی هرکس در دین بدعت و نوآوری بوجود آورد، یا بدعت‌گذاری را پناه دهد لعنت خدا و ملائکه و همه مردم بر او باد. حدث و نوآوری در مدینه عبارت است از ارتکاب جرم و جنایت. در بخاری از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مدینه از فاصله غیر تا ثور (غیر و ثور دو کوه هستند که مدینه در فاصله آنها قرار دارد) حرم است. هرکس در آن مرتکب جرم شود، یا اهل بدعت را حمایت کند، لعنت خدا فرشتگان و مردم بر او باد، و در روز قیامت خداوند نه طاعت را از او می‌پذیرد و نه فدیة^۲.

دیدن فرشته

در میان انسانها جز رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی نمی‌تواند فرشتگان را به صورت و شکل حقیقیشان ببیند، زیرا خداوند چنین قدرتی را به آنها نداده که بتوانند آنها را ببینند. رسول خدا صلی الله علیه و آله دو مرتبه جبرئیل را با شکل واقعی ملاقات کرده، همانگونه که بحث آن گذشت، و نیز سابقاً گذشت که بشر تنها زمانی می‌تواند فرشته را ببیند که تغییر شکل داده باشد.

کافران خواستار دیدار با فرشتگان شدند

کفار در راستای بحث و جدال و شبهه پراکنی در مورد نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله خواستار رؤیت فرشتگان شدند. ولی خداوند خبر داد که روزی کفار فرشتگان را

۱- ابو داود و نسائی و حاکم روایت کرده‌اند. صحیح الجامع ۸/۶

۲- بخاری: ۸۱/۴ شماره: ۱۸۷۰. مسلم: ۹۹۴/۲ شماره: ۱۳۷۰.

می‌بینند که برای آنان روز نحسی خواهد بود، زیرا کفّار زمانی فرشتگان را می‌بینند که فرشته عذاب را برای آنان می‌آورند، یا زمانی که مرگ به سراغشان می‌آید، و پرده‌ها برداشته می‌شوند و حقیقت کشف می‌گردد، همانگونه که خداوند فرموده :

﴿ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَتِكَةُ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتْوًا كَبِيرًا ﴿١١﴾ يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَتِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا ﴿١٢﴾

یعنی: آنان که امیدی به ملاقات ما (در روز رستاخیز نداشته و قیامت را قبول) ندارند می‌گویند: چرا فرشتگان به پیش ما نمی‌آیند (تا بر صدق رسالت تو گواهی دهند؟) یا چرا پروردگار خود را نمی‌بینیم (تا خودش در برابرمان ظاهر و به ما بگوید که او تو را فرستاده است؟) واقعاً آنان خویشان را بزرگ پنداشته‌اند (و از حدّ خود بسی پا را فراتر) و در ظلم و طغیان سخت سرکشی نموده‌اند. روزی فرشتگان را می‌بینند و در آن روز مژده و نویدی برای بزهکاران در میان نخواهد بود (و بلکه روزی است که از ترس فریاد برمی‌آورند و) می‌گویند: پناه!! امان!

چرا پیامبران را در میان فرشتگان انتخاب نکرد

خداوند متعال پیامبران را از میان فرشتگان برگزیده، چون سرشت و طبیعت فرشته مخالف طبیعت بشر است، بنابراین برقرار کردن ارتباط انسان با فرشته کار آسانی نیست، لذا هنگامی که فرشته‌ی وحی به شکل واقعی خود نزد رسول خدا ﷺ می‌رفت، بسیار برایش سخت و مشقت بار بود، همانگونه که بحث آن گذشت، و چون جبرئیل را دید وحشت زده شد و نزد همسرش برگشت و فرمود: جامه را بر سرم بکشید، جامه را بر سرم بکشید. پس خواست و اراده‌ی خدا بر این بود که از جنس و نوع خودشان پیام آورشان را انتخاب کند، و در صورتی که ساکنان زمین فرشته بودند، قطعاً فرشتگان را به پیامبری بر می‌گزید:

﴿ قُلْ لَوْ كَانَتْ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ

مَلَائِكًا رَّسُولًا ۱﴾

یعنی: بگو: اگر در زمین (به جای انسانها) فرشتگانی مستقر و در آن راه می‌رفتند، ما از آسمان (از جنس خودشان) فرشته‌ای را به عنوان پیغمبر به سویشان می‌فرستادیم.

و به فرض اینکه فرشتگان را برای عموم بشریت می‌فرستاد، آنها را به صورت خودشان نمی‌فرستاد، بلکه آنها را به شکل و قیافه‌ی انسان در می‌آورد، و همان لباسی بر آنها می‌پوشانید که انسان می‌پوشند، تا بتوانند از آنها برنامه‌ی خدا را از آنها برگیرند:

﴿ وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَائِكَةً لَفِضَى الْأَمْرِ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ ﴿۸﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ

مَلَائِكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبِسُونَ ۲﴾

یعنی: می‌گویند: چه می‌شد اگر فرشته‌ای به پیش او بیاید (و در حضور ما بر نبوت و صدق گفتارش گواهی دهد تا بدو ایمان بیاوریم؟ بگو: اگر فرشته‌ای به پیش او بفرستیم، کار از کار می‌گذرد (و فرمان هلاک ایشان صادر می‌گردد) و دیگر مهلت بدیشان داده نمی‌شود.

خداوند متعال خبر داد که طلب دیدن فرشته از طرف کفار از روی لجبازی و بهانه‌گیری است، و خواهان هدایت نیستند، و حتی اگر خواسته‌ی آنها هم بر آورده شود ایمان نمی‌آورند، همانگونه که فرمود:

﴿ وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا

لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ ﴿۱۱۱﴾ ۳﴾

۱- اسراء: ۹۵

۲- انعام: ۸-۹

۳- انعام: ۱۱۱

یعنی: اگر ما فرشتگانی را به پیش ایشان می‌فرستادیم و مردگانی (را زنده می‌کردیم و در برابر دیدگانشان سر از گورها بدر می‌آوردند و درباره صدق محمد) با ایشان سخن می‌گفتند، و همه‌چیز را آشکارا در برابر آنان گرد می‌آوردیم آنان ایمان نمی‌آوردند مگر این که خدا می‌خواست ولیکن بیشتر آنان نمی‌دانند.

فصل چهارم فرشتگان و سایر مخلوقات

سایر وظایف فرشتگان در جهان هستی

در فصل گذشته رابطه فرشتگان با انسانها مورد بحث قرار گرفت. و تمام وظایف موکل شده به فرشتگان به موارد مذکور نمی‌شود، زیرا فرشتگان در شؤون مختلف جهان هستی انجام وظیفه می‌کنند که برخی از آنها را ما می‌بینیم و برخی دیگر را نمی‌بینیم.

و اینک به ذکر برخی از این وظایف که در نصوص آمده‌اند، اشاره می‌شود:

۱- فرشتگان حامل عرش

عرش بزرگترین مخلوق خداوند است که آسمانها را احاطه کرده و مافوق همه آفریده‌ها قرار دارد. خداوند روی عرش قرار دارد، و هشت نفر از فرشتگان حامل عرش هستند: ﴿وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ﴾^۱ یعنی: و در آن روز، هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می‌دارند.

۲- فرشته‌ی موکل به امور کوه‌ها

تعدادی از فرشتگان موکل به امور کوهها هستند. خداوند فرشته‌ی کوهها را به منظور نظر خواهی از رسول خدا ﷺ پیرامون هلاک و نابودی اهل مکه نزد او فرستاد.

در بخاری و مسلم از عائشه رضی الله عنها روایت است که گفت: عرض کردم ای رسول خدا آیا روزی سخت‌تر از روز جنگ احد بر تو گذشته است؟ فرمود:

«لقد لقيتُ من قومك، وكان أشد ما لقيت منه يوم العقبة؛ إذ عرضت نفسي على ابن عبد ياليل ابن عبد كلال، فلم يجبي إلى ما أردتُ، فانطلقت وأنا مهموم على وجهي، فلم أستفق إلا بقرن الثعالب، فرفعت رأسي، فإذا أنا بسحابة قد أظلّني، فنظرت فإذا فيها جبريل، عليه السلام، فناداني، فقال: إن الله قد سمع قول قومك لك، وما ردوا عليك، وقد بعث إليك ملك الجبال لتأمره بما شئت فيهم». قال: «فناداني ملك الجبال وسلم علي، ثم قال: يا محمد، إن الله قد سمع قول قومك لك، وقد بعثني ربك (٢) إليك، لتأمري بأمرك، فما شئت؟ إن شئت أطبقت عليهم الأخشبين، فقال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "بل أرجو أن يخرج الله من أصلابهم من يعبد الله، لا يشرك به شيئاً"»^١.

یعنی: ای عائشه آزار و شکنجه‌ی زیادی از قوم تو به من رسیده که سخت‌ترین آنها روز عقبه (جایی در منی) بود. روزی که نزد ابن عبد یالیل بن عبد کلال رفتم و در خواست پناهندگی کردم، ولی به خواسته‌ام پاسخ مثبت نداد. من غمگین و پریشان راهی را در پیش گرفتم و زمانی متوجه شدم که در «قرن ثعالب»^٢ که ناگهان سر بلند کردم. دیدم ابری مرا زیر سایه گرفته است. نگاه کردم دیدم جبرئیل در آن است. جبرئیل مرا صدا کرد و گفت: خداوند پاسخ رد قوم تو را شنید، و اکنون فرشته‌ی کوه‌ها را فرستاده است تا تو هرطور می‌خواهی در مورد آن قوم درخواست عذاب و انتقام از خدا کنی. سپس فرشته‌ی کوه‌ها مرا صدا کرد و به من سلام گفت بعد گفت: ای محمد ﷺ خداوند پاسخ قوم تو را شنید و من فرشته‌ی کوه‌ها هستم. خداوند مرا فرستاده تا اگر بخواهی این دو کوه مکه را بر سرشان فروریزم. رسول خدا ﷺ فرمود: خیر نمی‌خواهم نابود شوند، بلکه امیدوارم خداوند از پشت آنان فرزندانی بدنيا آورد که بدون شریک قرار دادن برای خدا او را عبادت کنند.

١- مسلم: ١٤٢٠/٣ شماره: ١٧٩٥.

٢- نام جایی است میان مکه و طائف.

۲- فرشتگان موکل به باران، گیاهان و ارزاق

ابن کثیر در کتاب (البدایة و النهایة ۵۰/۱) می گوید: میکائیل مأمور باران و گیاهانی است که رزق و روزی این دنیا از آنها تامین می شود، و دستیار و معاونهایی دارد که فرمان وی را اطاعت می کنند و بادها و ابرها را به هر نحوی که خداوند عز و جلاله بخواهد می چرخانند و آنها را تغییر می دهند.

این را هم روایت کرده ایم که هر قطره بارانی از آسمان فرود می آید فرشته ای همراه دارد که آن را در محل خود بر زمین مستقر می گرداند.

بعضی از فرشتگان مأمور ابرها هستند. در سنن ترمذی از ابن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الرعد ملكٌ من الملائكةِ وکل بالسحابِ معه مخاریقٌ من نارٍ یسوقُ بها السحابَ حیثُ شاء اللهُ» یعنی رعد فرشته ای است که امور ابرها را بر عهده دارد و ابرها را هر جا که خداوند عز و جلاله بخواهد سوق می دهد.^۱

بنابر این گاهی سرزمینی یا شهری را آبیاری می کند و در کنار آن سرزمین دیگری خشک و بی آب و تشنه می ماند.

گاهی این فرشته مأموریت می یابد که زمین کسی را از میان چندین زمین سیراب کند. همانگونه که در حدیث مسلم از ابی هریره رضی الله عنه روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: شخصی در بیابان، صدایی را از میان ابری شنید که گفت: «باغ و زمین فلانی را آبیاری کن». آن شخص دید که بلافاصله ابر از جای خود تکان خورد و آبش را در یک میدان ریخت و جویباری آب را به زمین و مزرعه شخصی که نامش را در صدای غیبی شنیده شده بود، برد، و تمام این آب در آن جویبار بسوی مزرعه ی مورد نظر سرازیر شد. این شخص آب را دنبال کرد، و چون به مزرعه رسید دید مردی در آنجا مشغول کار و آبیاری است. از او پرسید: ای بنده ی خدا اسم تو چیست؟ مرد کشاورز همان اسمی را که او از ابرها شنیده بود، نام برد. گفت اسم تو را شنیده بودم و صدای غیبی می گفت: مزرعه ی فلانی را آبیاری کن. باران بارید و این همان آب است که تو داری مزرعات را با آن آبیاری می کنی. تو

۱- سنن ترمذی: ۶۴/۳ شماره: ۲۴۹۲ و صحیح الجامع ۱۸۸/۳

با محصول این مزرعه چه می کنی؟ مرد کشاورز گفت: اکنون که تو این را گفتی ناچارم تو را پاسخ دهم. من یک سوم تمام محصول را صدقه می دهم، و یک سومش را برای خرج عیالم نگه می دارم، و یک سوم دیگر آن را در خود مزرعه و زمین هزینه می کنم.^۱

به هر حال فرشتگان مأمور امور زمین و آسمانها هستند، و هر حرکتی که در جهان هستی بوجود آید، منشأ آن فرشتگان هستند. همانطور که خداوند می فرماید:

﴿فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا﴾^۲ یعنی: و سوگند به همه چیزهایی که (با ویژگیهایی که بدانها داده شده است) به اداره امور می پردازند! و فرمود: ﴿فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا﴾: و سوگند به فرشتگانی که کارها را (میان خود برابر فرمان یزدان) تقسیم کرده اند!

تکذیب کنندگان نبوت و منکرین خالق هستی می گویند: همه این کارها توسط ستارگان انجام می گیرند. ولی دروغ می گویند، چون مدبر و مدیر همه این امور خداوند ﷻ است که آن را توسط فرشتگان اجرا می کند. همانطور که قرآن می

فرماید: ﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا﴾^۱ ﴿فَالْعَصْفَاتِ عَصْفًا﴾^۲ ﴿وَالنَّشْرَاتِ نَشْرًا﴾^۳ ﴿فَالْفِرْقَاتِ فِرْقًا﴾^۴ ﴿فَالْمَلَقَاتِ ذِكْرًا﴾^۵

و می فرماید: ﴿وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا﴾^۱ ﴿وَالنَّاشِطَاتِ نَشْطًا﴾^۲ ﴿وَالسَّابِقَاتِ سَبَاقًا﴾^۳ ﴿فَالسَّيِّدَاتِ

سَبَاقًا﴾^۴ ﴿فَالْمُدْبِرَاتِ أَمْرًا﴾^۵

و می فرماید: ﴿وَالصَّافَّاتِ صَفًّا﴾^۱ ﴿فَالزَّجْرَاتِ زَجْرًا﴾^۲ ﴿فَاللَّيْلِ ذِكْرًا﴾^۳

تمام این آیه های قرآن در مورد فرشتگان دایر بر اینکه آنان گردانندگان امور زمین و آسمانها هستند، سخن می گویند.

۱- صحیح مسلم: ۲۲۸۸/۴ شماره: ۲۹۸۶.

۲- نازعات: ۴-۵

۳- مرسلات: ۱-۵

۴- نازعات: ۱-۵

۵- صافات: ۱-۳

فصل پنجم

مفاضله و برتری میان فرشته و انسان

اختلاف در این مسئله دیرینه است

این کثیر در (البداية و النهاية ۵۸/۱) می‌گوید: مردم در مورد برتری فرشتگان بر بنی آدم اختلاف نظر دارند، و دیدگاه‌های گوناگونی در این باره منقول است، و اکثر این مسئله در کتب متکلیمن مطرح شده، و با معتزله و کسانی که با آنها هم‌عقیده هستند اختلاف رأی دارند.

قدیمی‌ترین دیدگاهی را که در این باره دیده‌ام، آن است که حافظ ابن عساکر در تاریخ خود در شرح زندگانی عمرو بن سعید بن العاص نقل کرده، آنجا که می‌گوید: عمرو بن سعید بن العاص در مجلس عمر بن عبدالعزیز حضور یافت و جمعی از مردم آنجا بودند. عمر بن عبدالعزیز فرمود: هیچ کس از بنی آدم نزد خداوند محترم‌تر و گرامی‌تر از انسان مؤمن و اهل عمل صالح نیست و به این آیه استدلال نمود که می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾

یعنی: بی‌گمان کسانی که مؤمنند و کارهای شایسته و بایسته می‌کنند، آنان مسلماً خوبترین انسانها هستند.

در این رأی و دیدگاه امیه بن عمرو بن سعید هم موافق عمر بن عبدالعزیز بود، ولی عراق بن مالک می‌گوید: هیچ کسی نزد خداوند از فرشتگان گرامی‌تر نیست. فرشتگان خادمان هر دو جهان خداوند هستند و پیام الهی را بر انبیاء می‌آورند. و عراق بن مالک برای مدعای خود به این آیه استدلال کرد که می‌فرماید:

﴿ وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴾^۱

یعنی: ابلیس گفت: پروردگارتان شما را از این درخت باز نداشته است، مگر بدان خاطر که (اگر از این درخت بخورید) دو فرشته می‌شوید، و یا این که (جاودانه می‌گردید و) از زمره جاویدانان خواهید شد.

بعد عمر بن عبدالعزیز به محمد بن کعب قرظی گفت: ای ابا حمزه نظر تو چیست؟ گفت: خداوند آدم را گرامی داشته است، و با دو دست خود او را آفریده، و از روح خود در آن دمیده، و فرشتگان را امر کرده تا او را سجده کنند، و از فرزندان او پیامبران را برگزیده است. و از میان انسانها کسانی هستند که فرشتگان به زیارت آنان می‌روند.

عمر بن عبدالعزیز در اصل مساله با محمد بن کعب موافق و دلایل دیگری غیر از دلایل او را نیز ذکر کرد.

آنچه را که ابن کثیر از عمر بن عبدالعزیز^{رضی الله عنه} و جلساتش بیان نموده است، خطا و اشتباه تاج الدین فرازی را در مساله روشن می‌سازد که می‌گوید: این مساله (تفضیل آدم بر فرشتگان) از بدعتهای اهل علم کلام است و در صدر اوّل اسلام و از علمای دوران بعد از صدر اول در این باره سخنی به میان نیامده است. (شرح طحاویه: ۳۳۹).

این دیدگاه فرازی درست نیست، زیرا در صدر اول، حتی در دوران صحابه نیز در این باره سخن به میان آمده است. عبدالله بن سلام^{رضی الله عنه} می‌گوید: خداوند هیچ کس و هیچ مخلوقی را گرامی‌تر از محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم} نیافریده است. سؤال شد حتی جبرئیل و میکائیل؟ در جواب خطاب به سائل فرمود: « أتدری ما جبرئیل و میکائیل؟ » آیا تو میدانی جبرئیل و میکائیل چه کسانی هستند؟ آنها از جمله مخلوقات هستند که مانند خورشید و ماه مسخرند، و خداوند هیچ مخلوقی را گرامی‌تر از محمد^{صلی الله علیه و آله و سلم} نیافریده است. (حاکم فی المستدرک نقل کرده، و با ذهبی آن را صحیح دانسته‌اند).

دیدگاه‌های مختلف در خصوص مساله مذکور

شارح عقیده طحاویه می‌گوید: عقیده منتسب به اهل سنت در این مساله این است که تنها انسانهای صالح و انبیاء را از فرشتگان برتر می‌دانند. و معتزله فرشتگان را مطلقاً از انسان برتر می‌دانند، و پیروان امام اشعری دو دیدگاه متفاوت دارند: بعضی انبیاء و اولیاء را از فرشته برتر می‌دانند، و برخی دیگر در خصوص این مساله توقف نموده و قول قطعی را ارائه نمی‌دهند. البته از برخی تمایل به تفضیل فرشتگان نقل شده است، و همین رأی از برخی دیگر از اهل سنت و صوفیه منقول است.

شیعه می‌گوید: تمام ائمه از تمام فرشتگان برترند.

هیچ کدام از کسانی که قول و فتاوی شان قابل اعتبار است، فتوای برتری فرشتگان بر بعضی از انبیاء را صادر نکرده است. و گفته شده که امام ابوحنیفه در جواب این مساله توقف نموده، و شارح عقیده الطحاویه این رأی را ترجیح داده است.^۱

و سفارینی از امام احمد چنین نقل کرده است: هر کس فرشتگان را ترجیح و برتری داده، مرتکب خطا شده، و هر مؤمنی از فرشته برتر است.^۲

محل نزاع کجاست

بدون تردید در بحث مفاضله و برتری انسان بر فرشته کفار و منافقین مورد نظر نیستند. زیرا آنان بطور قطع و به حکم نص گمراه تر از بهائم و چهارپا هستند، آنجا

که می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ﴾^۳

۱- شرح عقیده الطحاویه: ۳۳۸.

۲- لوامع انوار البهیة: ۳۹۸/۲.

۳- اعراف: ۱۷۹.

همچنین در بحث مفاضله و برتری تفضیل و برتری حقیقت بشر بر حقیقت فرشتگان مطرح نیست. بلکه مقایسه برتری میان انسانهای پاک و فرشتگان است. اگر چه بعضی گفته‌اند: فرشتگان از سایر مؤمنان برترند، این سخن هم محل اختلاف نیست، بلکه مورد اختلاف مفاضله و برتری میان انبیاء و میان فرشتگان است.

دلیل کسانی که انسانهای صالح را از فرشته برتر می‌دانند

بعد از آنکه محل اختلاف را مشخص نمودیم، اکنون حجت و دلیل کسانی را بیان می‌کنیم که انسانهای پاک و شایسته را بر فرشتگان برتری می‌دهند.

دلیل اول

خداوند فرشتگان را امر کرد تا آدم را سجده کنند. اگر خداوند برتری آدم را قائل نبود، فرشتگان را به سجده‌ی آدم امر نمی‌کرد، آنجا که فرمود:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ ۝۱﴾

یعنی: و هنگامی (را یادآوری کن) که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده کنید همگی سجده بردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید.

بعضی هم در ردّ این دلیل می‌گویند: سجده‌ی فرشتگان برای خداوند بود، و آدم تنها قبله‌ی فرشتگان بود. ولی این استدلال مردود و اشتباه است. زیرا اگر منظور سجده برای خداوند و بسوی آدم بود، عبادت چنین می‌بود، «اسجدوا لی آدم» (بسوی آدم سجده کنید) می‌فرمود، نه (اسجدوا لِآدَمَ).

و اگر ذکر آدم فقط برای قبله بود، شیطان از سجده کردن خودداری نمی‌کرد و نمی‌گفت من بهتر از آدم هستم. زیرا که قبله از سنگ است، و سنگ را قبله قرار دان، به معنی برتری آن بر سجده‌کنندگان نیست.

البته این مطلب درست است که سجده‌ی فرشتگان برای آدم، در واقع عبادت و فرمانبرداری برای خدا، و موجب تقرب بسوی او بود، در عین حال تعظیم و تکریم آدم را نیز در بر داشت.

و هیچ جا ذکر نشده که آدم برای فرشتگان سجده کرده باشند. بلکه آدم و فرزندان‌ش جز برای خداوند عز وجل به سجده امر نشده‌اند. زیرا آنان (خدا بهتر می‌داند) که أشرف مخلوقات بودند شایستگان فرزندان آدم هستند و جز پروردگار کسی دیگر برتر از فرزندان آدم نیست که سجده برایش جایز باشد.

دلیل دوم

در قرآن به نقل از ابلیس آمده است: ﴿ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ ۗ ﴾^۱ یعنی: شیطان گفت: به من بگو که آیا این همان کسی است که او را بر من ترجیح و گرامی داشته‌ای؟! این آیه به صراحت حکایت از برتری آدم بر ابلیس را دارد.

دلیل سوم

خداوند آدم را با دو دست خود آفرید، و فرشتگان را با کلمه و حکم خود آفرید.

دلیل چهارم

خداوند عز وجل خطاب به فرشتگان فرمود: ﴿ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ ﴾^۱ من در زمین جانشینی بیافرینم. و پر واضح است که خلیفه و جانشین بر کسی که خلیفه نیست برتری دارد. و فرشتگان متقاضی شدند که خلافت در آنان و خلیفه از آنان باشد. زیرا آنان می‌گفتند: ﴿ أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ سَائِجِدُ بِحَمْدِكَ ۗ ﴾^۱

وَنُقَدِّسُ لَكَ ﴿۱﴾. یعنی: آیا در زمین کسی را به وجود می‌آوری که فساد می‌کند و تباهی راه می‌اندازد و خونها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ پس اگر خلافت رتبه‌ی والاتر از رتبه‌ی فرشتگان نمی‌بود، هرگز متقاضی آن نشده و به مقام آدم غبطه نمی‌کردند.

دلیل پنجم

برتری بنی آدم بر فرشتگان بوسیله علم است، و وقتی که خداوند نام اشیاء را از فرشتگان پرسید و جواب ندادند. بلکه اعتراف کردند که خوب نمی‌دانند، سپس آدم نامها را به فرشتگان خبر داد. و از سوی دیگر خداوند می‌فرماید:

﴿ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴾

آیا کسانی که می‌دانند، با کسانی که نمی‌دانند، برابر و یکسانند؟!

دلیل ششم

از جمله دلایل تفضیل و برتری آدم بر فرشتگان این است که اطاعت بشر از احکام الهی بسی مشکل‌تر است از اطاعتی که فرشتگان برای خداوند انجام می‌دهند؛ زیرا سرشت بشر همواره توأم با غرایزی همچون شهوت، حرص و آز، خشم و هوسهای نفسانی آفریده شده است، ولی فرشتگان از چنین غرایزی پاک هستند.

دلیل هفتم

بزرگان سلف اخبار مشتمل بر فضیلت و برتری آدم بر فرشتگان را در مجامع و محافل بیان کرده‌اند، و در این باره سخن گفته‌اند، اگر برتری آدم موضوع ناپسند و منکر می‌بود، آن را رد می‌کردند، و عدم رد و نفی دلالت بر اعتقاد آنان است.

دلیل هشتم

مباهات خداوند به وجود بندگان در حضور فرشتگانش. آری، هرگاه بندگان انجام وظیفه می‌کنند، خداوند به وجود آنان مباهات می‌کند. هنگامی که بندگان نمازهای واجب را برپا دارند، به وجود آنان در برابر فرشتگان مباهات می‌کند. در مسند امام احمد و سنن ابن ماجه از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است، که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «أبشروا معشر المسلمين هذا ربكم قد فتح بابا من أبواب السماء يباهي بكم الملائكة يقول يا ملائكتي انظروا إلى عبادي هؤلاء قضوا فريضة وهم ينتظرون أخرى» یعنی: ای جماعت مسلمین مژده باد، این پروردگار است که دری از درهای آسمان را گشوده و به وجود شما در برابر فرشتگان مباهات می‌کند و می‌فرماید: ای ملائکه! به بندگان من نگاه کنید. آنان یک فرض را انجام داده و منتظر واجب دیگری هستند.^۱

از ابی هریره رضی الله عنه روایت است، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند به وجود زائران میدان عرفه (روز عرفه) در مقابل اهل آسمانها مباهات کرده و خطاب به آنان می‌فرماید: به این بندگانم بنگرید، آنها ژولیده مو و خاک آلود به پیشگاه من آمده‌اند.^۲

دلایل کسانی که فرشتگان را بر انسان برتری داده‌اند

دلیل اول

به این حدیث قدسی استدلال کرده‌اند که می‌فرماید: «من ذكرني في نفسه ذكرته في نفسي، ومن ذكرني في ملا ذكرته في ملا خير منه» یعنی: هرکس مرا نزد خود یاد کند، من هم او را نزد خود یاد می‌کنم، و هرکس مرا (الله تعالی) در حضور جمع یاد کند، در میان جمع بهتری از آن جمع از او یاد می‌کنم.

۱- صحیح الجامع: ۶۷/۱.

۲- صحیح الجامع: ۱۴۱/۲.

دلیل دوم

همچنین استدلال کرده‌اند به اینکه در میان بنی آدم نقص و تقصیر و لغزش و بیهوده‌گویی هست، و فرشتگان از چنین چیزهایی پاک و مبرأ هستند.

دلیل سوم

به آیه‌ی زیر استدلال کرده‌اند که می‌فرماید: ﴿وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ﴾^۱

یعنی: و من به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام.
این آیه حکایت از برتری فرشتگان بر آدم دارد.

تحقیق مساله

تحقیق امر در این خصوص همان است که علامه ابن تیمیه بیان نموده است مبنی بر اینکه: «بندگان صالح و پاک به اعتبار کمال سرانجام و عاقبت، برتر و بهترند، و این کمال عاقبت زمانی محرز می‌شود که بندگان صالح وارد بهشت شوند و به قُرب و جایگاه و منزلت نائل گردند؛ و در درجات عالیه سکونت یابند، و خداوند آنان را سلام و خوش آمد گفته، و به نزدیکی بیشتر آنها را اختصاص داده باشد، و با دیدار سیمای با عظمت و زیبای خداوند لذت ببرند، و فرشتگان به فرمان خداوند در خدمت آنان باشند.

ولی به اعتبار آغاز و ابتدا فرشتگان افضل و برتر و بهتراند. زیرا فرشتگان اکنون در ملاً اعلی هستند، و از آلودگی‌هایی که بشریت بدان مبتلا است پاکند، و همواره به عبادت پروردگار مشغولند، و بی تردید، این احوال اکنون از حال بنی آدم کاملتر و برتر است.

ابن قیم جوزی می‌فرماید: راز و اسرار تفضیل و برتری با این تفصیل روشن می‌گردد، و دلائل هر دو گروه صحت پیدا می‌کنند و هر دو گروه در قبال دلائل خود حق بجانب بودند.^۲ (والله اعلم بالصواب) و خداوند جلّ و علا داناترین است.

۱- انعام: ۵۰

۲- بمنظور کسب اطلاعات بیشتر در این خصوص می‌توان به منابع زیر مراجعه نمود: (مجموع الفتاوی: ۳۵۰/۱۱) و

(لوامع انوار البهیة: ۳۶۸/۲) و (شرح عقیده الطحاویة: ۳۳۸)

فهرست منابع

١. ابن قيم، اغاثة اللفهان.
٢. ابن كثير، البداية و النهاية.
٣. فيروز آبادى، بصائر ذوى التمييز.
٤. آلبنانى، ناصر الدين، تخريج أحاديث فضائل الشام.
٥. ابن كثير، تفسير ابن كثير.
٦. ولى الله دهلوى، حجة الله البالغة.
٧. شرح العقيدة الطحاوية.
٨. آلبنانى، ناصر الدين، سلسلة الأحاديث الصحيحة.
٩. آلبنانى، ناصر الدين، صحيح الجامع الصغير.
١٠. اشقر، عمر سليمان، العقيدة فى الله.
١١. السفارينى، لوامع الانوار البهية (عقيدة السفارينى).
١٢. ابن تيمية، مجموعہ فتاوى. (جمع آورى ابن قاسم).
١٣. شيخ حافظ الحكمى، معارج القبول.